



سپاس از خوانندگان و کاربران
ما از شما که هر ماه مبلغی هر چند اندک
برای کمک به ادامه انتشار رسانه‌های خودتان
می‌پردازید از صمیم قلب سپاسگزاریم.
تنها پشتیبانان کیهان لندن
شما خوانندگان و کاربران هستید.
روزنامه نگاران و کارکنان کیهان لندن

آب

خوزستان تشنه است...



تفسیر سیاسی هفته را در صفحه ۲ بخوانید

شبح تروریسم بر پیکر بی جان برجام



در روزهای گذشته چهار نفر در بلژیک، آلمان و فرانسه به اتهام برنامه‌ریزی برای یک عملیات تروریستی همزمان با همایش سالانه سازمان مجاهدین خلق در حومه پاریس دستگیر شدند. یکی از این چهار نفر اسدالله اسدی، ۴۷ ساله، که در یک استراحتگاه میان‌راهی در اتوبانی در ایالت بایرن آلمان، به درخواست مقامات امنیتی بلژیک دستگیر شده است، از سال ۲۰۱۴ به عنوان دبیر سوم در سفارت جمهوری اسلامی در وین خدمت می‌کند.



در گذشت
با نهایت تأثر درگذشت ناگهانی بانو سوگل آیرم فعال حقوق بشر و مبارز خستگی‌ناپذیر ضد رژیم جمهوری اسلامی بسیاری از هم‌میهنان و مبارزین را در بهت فرو برد.

در صفحه ۱۷

روزنامه آلمانی «بیلد»:

اروپا حق ندارد برای جلادان و تروریست‌ها فرش قرمز پهن کند

در صفحه ۱۸

در این شماره می‌خوانید:

- صفحه ۱۲ ● دو قرن فرازونشیب مطبوعات در ایران (۷۶) - احمد احرار
- سیاست پدر و مادر می‌خواهد - داریوش همایون
- صفحه ۱۳ ● سرگرمی - جدول - سودوکو
- صفحه ۱۴ ● انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه سفیر آمریکا در تهران (۱)
- صفحه ۱۵ ● هومن خلعتبری: در جمهوری اسلامی جای کاباره و دیسکو خالی است!
- صفحه ۱۶ ● جهانگیری ایجاد تغییرات در کابینه را تأیید کرد
- صفحه ۱۳ ● برایان هوک: راهبرد جدید آمریکا در قبال ایران برآورده کردن خواسته مردم است
- صفحه ۱۴ ● رئیس سازمان پدافند غیرعامل: اسرائیل ابر و برف ایران را می‌دزد!
- صفحه ۱۶ ● آب‌کشیدن جانمازیگان‌ستیزی برای تداوم تحقیر و فروپاشی
- صفحه ۱۷ ● ایران امپراتوری شکم‌های گرسنه
- صفحات ۸ و ۹ ● «زن روز» و «مرد روز»
- صفحه ۱۱ و ۱۰ ● ورزشی - حوادث

سرمقاله

برای گذار سیاسی به اخلاق نیز نیاز هست

این روزها همه در داخل و خارج به درستی به دنبال راهی برای گذار از این شرایط هستند. زمامداران کشوری و لشکری نظام نیز همچنین. با این تفاوت که حکومت می‌خواهد بدون هرگونه تغییری این شرایط را پشت سر بگذارد و بماند؛ ولی منتقدان و مخالفان در طیفی وسیع خواهان تغییرات مثبت در این شرایط هستند. تغییراتی که جمهوری اسلامی چه به آنها تن بدهد یا ندهد، رفتنی است!

ویرانی‌های سیاسی و اقتصادی و اقدامات لازم برای ترمیم و بازسازی آنها مهمترین کارزار است که در برابر ایرانیان قرار گرفته. نوسازی این ویرانی‌ها بدون یک فراخوان ملی و گسترده به زیر چتری وسیع که بیشترین مردم و نیروها را در بر بگیرد، ممکن نیست. این فراخوان باید منادی آشتی و همبستگی و همدلی و همکاری برای گذار و بازسازی باشد. برای این کار اما به یک عنصر مهم دیگر نیز نیاز هست: اخلاق! ویرانی‌های فراگیر، اخلاق را نیز به آستانه‌ی انحطاط و نابودی کشانده است. اخلاق ربطی به دین و مذهب و عقاید سیاسی و غیره ندارد. نه تنها وجودش بلکه انحطاط آن در میان مدعیان دین و سیاست نیز این را ثابت می‌کند که «اخلاق» پدیده‌ای است که در انسان پرورده می‌شود و انسان است که با هر عقیده‌ای می‌تواند آن را حفظ و یا منحل کند.

جامعه و فرهنگ سیاسی ایران پس از چهل سال انحطاط اخلاقی مزمزم، به ترمیم نیاز دارد. دست یازیدن به هر وسیله‌ای برای رسیدن به هدف، تکرار اینکه «سیاست پدر و مادر ندارد» و به این ترتیب وجدان خود را از هر حرف و عملی آسوده کردن، مقابله‌ی به مثل در برابر نظام و وابستگان و مأموران آن، غوطه‌خوردن در آرزوی به قدرت رسیدن این یا آن فرد و جریان، همگی نشانه‌های عدم بلوغ فکری و انحطاط اخلاقی در سیاست است. هر چند که با شعر و شعارهای آزادیخواهانه و انسانی همراه شود. این انحطاط را در رسانه‌ها و اربابان رسانه که آینده تمام‌نمای سیاست و سیاستمداران هستند نیز می‌توان دید. حال آنکه بر پدر و مادر داشتن سیاست باید پافشاری کرد! مردم و وجدان همگانی، پدر و مادر سیاست و همچنین رسانه‌ها هستند که می‌بایست آن را در نظام حقوقی تثبیت کرد. در جمهوری اسلامی سیاست از اخلاق جدا افتاده و به ناهلان بی‌اخلاق سپرده شده است! از نظام حقوقی قرون وسطایی رژیم نیز چیز دیگری در نمی‌آید. از همین رو برای تغییر شرایط سیاسی و اقتصادی فلاکت‌ناپذیر موجود، می‌بایست ضرورت حضور اخلاق و وجدان بیدار را مرتب یادآوری کرد. افراد و نیروهایی که فقط برای «قدرت» به هر قیمتی، تلاش می‌کنند قابل اعتماد نیستند. اگر این همه تلاش واقعا بر سر آزادی و امنیت و بازسازی کشور است، همه ایرانیان آماده‌اند تا با عبور از سد جمهوری اسلامی آن را برعهده بگیرند. گذشت آن دورانی که یک فرد یا یک جریان در کشوری به قدرت برسد. برای درک این موضوع و فراخواندن همگان جهت گذار سیاسی از شرایط ناپایدار سرکوب و نامنی به موقعیت پایدار آزادی و امنیت باید منادی سیاست اخلاقی و با پدر و مادر بود و این کار از سیاست‌ورزان و رسانه‌های بی‌اخلاق ممکن نیست.



آآآآآآآآآآآآآآآآآآآآ خوزستان تشنه است...

● در همان روزهایی که مردم تشنه در آبادان و خرمشهر سرگردان خرید آب آشامیدنی سالم بودند و با در خیابان‌ها فریاد می‌زدند تا شاید مسئولان دولتی صدای آنها را بشنوند، وزرای مسئول ناپدید شده و حسن روحانی و وزیر سوگلی اش ظریف در تدارک سفر به اروپا بودند و حسام‌الدین آشنا، توییت‌باز کابینه و «مشاور رسانه‌ای» روحانی از قوه قضاییه برای حمایت از انتشار کتاب «زندگی و زمانه آیت‌الله بهشتی» تشکر می‌کرد!

مؤثر و مدرن تصفیه آب و تکنولوژی به‌روز است.

این مشکلات سال‌هاست که در زندگی مردم استان خوزستان ریشه دوانده و کاملاً غیرانسانی و ناعادلانه به بدیهیات تبدیل شده است! اما جیره‌بندی آب در گرما و هوای شرجی منطقه سرانجام طاقت مردم را طاق کرد و اعتراضاتی گسترده در این شهرها شکل گرفت. مردم جان به لب رسیده این‌بار نه برای مطالبات اجتماعی و سیاسی بلکه برای «آب» و «حیات» به خیابان‌ها ریختند و در شعارهایشان مانند دیگر اعتراضات غیرسیاسی بار دیگر نظام و زمامداران بی‌لیاقت را نشانه گرفتند.

حمایت مردم و بی‌تفاوتی مسئولان

این اعتراضات با سرکوب شدید از سوی نیروهای انتظامی و امنیتی روبرو شد و مردم تشنه‌ای که شعار می‌دادند «مسئول بی‌لیاقت نمی‌خوایم، نمی‌خوایم» هدف ضربه‌های باتوم و گاز اشک‌آور قرار گرفتند.

اعتراضات مردم شهرهای آبادان و خرمشهر با تجمعات حمایتی از سوی دیگر شهرهای این استان همراه شد. اما بی‌تفاوتی مسئولان دولتی همچنان ادامه یافت. هیچ‌کدام از مقاماتی که هر بار رأی همین مردم را گدایی می‌کنند، قدم رنجه نفرمود تا برای خودنمایی هم که شده از نزدیک گرمای خوزستان را احساس کند و جرعه‌ای آب گل‌آلود و شور بنوشد.

در همان روزهایی که مردم تشنه در آبادان و خرمشهر سرگردان خرید آب آشامیدنی سالم بودند و یا در خیابان‌ها فریاد می‌زدند تا شاید مسئولان دولتی صدای آنها را بشنوند، وزرای مسئول ناپدید شده و حسن روحانی و وزیر سوگلی اش ظریف در تدارک سفر به اروپا بودند و حسام‌الدین آشنا، توییت‌باز کابینه و «مشاور رسانه‌ای» روحانی از قوه قضاییه برای حمایت از انتشار کتاب «زندگی و زمانه آیت‌الله بهشتی» تشکر می‌کرد!



بی‌تفاوتی نظام و دولت به مردم آبادان و خرمشهر که آبادانی و خرمنی آنها در جنگ هشت ساله فدای شعارهای جاه‌طلبانه و سلطه‌جویانه جمهوری اسلامی شد، و بعد از جنگ هم توفان ریزگرد و بی‌آبی از «سفره انقلاب» نصیب‌شان گشت، صدای نمایندگان مجلس شورای اسلامی را هم درآورد.

غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی نماینده رشت در مجلس شورای اسلامی در اینستاگرام خود به برخورد دولت با بحران آب در خوزستان و اعتراض مردم واکنش نشان داد و نوشت: «حق بود که وزیر نیرو دو روز به آبادان و خرمشهر می‌رفت، مگر چه اتفاقی می‌افتاد که نرفت؟»

وعده‌های سرخرمن

اکنون دولت وعده داده که بحران آب در این دو شهرستان را حل می‌کند اما کی؟ چگونه؟ کسی خبر ندارد در عین حال، بحران آب و خشکسالی

ایران سرزمینی خشک و کم‌آب است. این موضوعی نیست که تازه کشف شده باشد! از همین رو هر حکومتی می‌بایست کاهش و حل این مشکل از نخستین دغدغه‌هایش باشد آن هم وقتی که کارشناسان جهان بزرگترین معضل قرن بیست و یکم را «بحران آب» اعلام کرده‌اند.

به تازگی خشکسالی و کم‌آبی دامان مردم آبادان و خرمشهر را گرفت که اگر خاموشی و قطع برق را نیز بر آن بیفزاییم، ابعادی تحمل‌ناپذیر در این فصل سال در منطقه می‌یابد. همین نیز به اعتراضات گسترده در خوزستان انجامید به ویژه آنکه مردم این شهرها به آب آشامیدنی سالم نیز دسترسی ندارند.

ناتوانی مزمَن حکومت

مردم استان خوزستان به ویژه در شهرهای آبادان و خرمشهر سال‌هاست از کیفیت بد آب آشامیدنی شکایت دارند. تازه همین آب بی‌کیفیت نیز از اواخر خردادماه جیره‌بندی شده و مردم از پیر و جوان و کودک در گرمای بالای ۴۰ درجه سانتی‌گراد دبه به دست به دنبال خرید آب آشامیدنی سرگردانند.

این جیره‌بندی یک هفته پس از آن صورت گرفت که اسحاق جهانگیری معاون اول حسن روحانی روز ۲۱ خرداد اعلام کرده بود «دولت عزم خود را برای رفع مشکل آب شرب شهرهای آبادان و خرمشهر در کوتاه‌ترین زمان ممکن جزم کرده است.»
در شرایطی که مشخص نیست «عزم» دولت چرا اینقدر دیر و دقیقاً به چه شکلی برای سامان دادن وضعیت آب در شهرهای آبادان و خرمشهر «جزم» شده است اداره آبفای آبادان علت جیره‌بندی آب در این شهرها را «شوری آب رودخانه بهمنشیر در حد آب دریا، متوقف شدن برداشت آب از این رودخانه و نیز آفت فشار» اعلام کرد.

جالب اینکه غلامرضا شریعتی استاندار خوزستان هم یک روز پیش از سهمیه‌بندی آب در این دو شهر گفته بود «باید وضعیت آب خرمشهر و آبادان را پیش از رسیدن به مرز بحران اصلاح کنیم» و البته به این هم اشاره کرد که آب لوله‌کشی شهرهای آبادان و خرمشهر «آب نمک» است.

این سخنان از سوی مقامات مسئول در حالیست که مشکل آب در این دو شهر و بسیاری از مناطق دیگر استان خوزستان مدت‌هاست «مرز بحران» را رد کرده است. در همین رابطه علی گلمرادی نماینده بندر ماهشهر (امام خمینی)، امیدیه و هندیجان در مجلس شورای اسلامی گفته است رود کارون وضعیت اسفناکی دارد و در برخی نقاط فاضلاب وارد آن می‌شود و در خیلی نقاط استان آب لوله‌ها آلوده است و برای شستشوی لباس‌ها و ظروف هم استفاده نمی‌شود. هم‌زمان چندصد تن از روستاییان منطقه به دلیل آب آلوده مسموم شده‌اند.

مشکل آب آشامیدنی خوزستان نیز موضوع تازه‌ای نیست فقط این روزها حادث شده است. در بیشتر شهرهای خوزستان مردم سال‌هاست از دستگاه‌های تصفیه آب خانگی استفاده می‌کنند اما حالا همین دستگاه‌ها نیز قادر به تصفیه آب نیستند چرا که آب لوله‌کشی نیز کاملاً گل‌آلود و تیره است و به برکت بی‌توجهی مسئولان غلظت نمک هم در آب شهری به شدت افزایش یافته است.

جدا از کاهش منابع آب استان خوزستان در پی مدیریت نادرست و سدسازی‌های بی‌رویه و سودجویانه که از دولت هاشمی رفسنجانی آغاز و برای این تخریب به لقب «سردار سازندگی» مفتخر شد، مشکل دیگر این استان عدم تجهیز به دستگاه‌های

شبح تروریسم بر پیکر بی‌جان برجام

عملیاتی «مجاهدین خلق هستند، به چه دلیل یک دیپلمات جمهوری اسلامی باید با آنها ملاقات داشته باشد؟! دیپلمات‌ها و مقامات ارشد جمهوری اسلامی تا کنون در عملیات تروریستی زیادی در خارج از کشور شرکت داشته‌اند و دادگاه‌های چندین کشور مدارک و شواهد این مشارکت را منتشر ساخته‌اند. به عنوان مثال می‌توان به ترور عبدالرحمان قاسملو و یارانش در حومه وین، قتل صادق شرفکندی و یارانش در رستوران میکونوس برلین، بمب‌گذاری در مرکز همیاری پهلودیان آرزانتین در بوئنوس آیرس، ترور محمدحسین نقدی در ایتالیا و پرونده‌های دیگر اشاره کرد.

طرحی برای بایگانی برجام؟

نهاد‌های امنیتی بسیاری از کشورهای غربی از ابتدای سال جاری میلادی صحبت «بیدار» شدن هسته‌های تروریستی جمهوری اسلامی



و گروه‌های تحت حمایت نیروی قدس می‌کنند و در این زمینه به فعالان سیاسی مخالف نظام هشدار داده‌اند که مراقبت‌های امنیتی را رعایت کنند. یک فعال سیاسی عرب ایرانی نیز سال گذشته در هلند ترور شد. بمب‌گذاری در مقر دو حزب کرد ایرانی در اقلیم کردستان عراق و ترور رهبران کرد نیز در شمال این کشور، زنگ خطری است که نمی‌توان نادیده گرفت.

پرونده طراحی ناموفق بمب‌گذاری در جریان نشست سالانه سازمان مجاهدین که در آن شخصیت‌های سیاسی اروپایی، آمریکایی و عرب نیز حضور داشتند، چند پرسش مهم را



بمب‌گذاری در مرکز همیاری یهودیان آرزانتین

مطرح می‌کند: چرا همزمان با سفر حسن روحانی به سوئیس و اتریش و تلاش‌های دیپلماتیک دولت برای جلب حمایت اروپا پس از خروج آمریکا از برجام، چنین طرحی در دستور کار قرار گرفت؟ آیا جناحی از حکومت در نظر داشت آخرین ضربه را به برجام و روابط جمهوری اسلامی با اروپا وارد سازد و این توافق را برای همیشه روانه بایگانی سازد؟ یا اینکه برخی در داخل نظام به این نتیجه رسیده‌اند که تکمیل روند انزوای جمهوری اسلامی در منطقه و جهان، راه را برای کنار گذاشتن دولت حسن روحانی و روی کار آمدن یک دولت نظامی هموار خواهد ساخت؟ البته در هر کدام از این معادلات هیچ‌کدام یک عامل را در نظر نگرفته‌اند: خیزش مردمی که از دی‌ماه آغاز شده و همچنان در اشکال مختلف و در سراسر کشور ادامه دارد و تا زمانی که پاسخ مناسب دریافت نکند ادامه خواهد یافت.

احمد رأفت

پرونده و به ویژه مسئولیت اسدالله اسدی دبیر سوم سفارت جمهوری اسلامی در وین، مطرح نشود. حال آنکه اگر جمهوری اسلامی مدارک و شواهدی مبنی بر دست داشتن سازمان مجاهدین خلق در طراحی این بمب‌گذاری در دست می‌داشت، بهترین موقعیت برای ارائه آنها همین نشست مطبوعاتی می‌بود. از سوی دیگر اگر اسدالله اسدی با سازمان مجاهدین خلق در ارتباط بوده، مشخص نیست به چه دلیل جمهوری اسلامی او را به حال خود رها نمی‌کند و هنوز تلاش در دفاع از او را دارد! بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت خارجه، مدعی است جمهوری اسلامی مدارک و شواهد زیادی مبنی بر وابستگی امیر سعدونی و همسرش به سازمان مجاهدین خلق در اختیار دارد. سخنگوی وزارت خارجه از این زوج با عنوان «اعضای عملیاتی» این سازمان نام می‌برد.

در روزهای گذشته چهار نفر در بلژیک، آلمان و فرانسه به اتهام برنامه‌ریزی برای یک عملیات تروریستی هم‌زمان با همایش سالانه سازمان مجاهدین خلق در حومه پاریس دستگیر شدند. یکی از این چهار نفر اسدالله اسدی، ۴۷ ساله، که در یک استراحتگاه میان‌راهی در اتوبانی در ایالت بایرن آلمان، به درخواست مقامات امنیتی بلژیک دستگیر شده است، از سال ۲۰۱۴ به عنوان دبیر سوم در سفارت جمهوری اسلامی در وین خدمت می‌کند.

این پرونده با دستگیری یک زوج ایرانی در بندر آنتورپ در بلژیک کشور گسترش می‌یابد و بخش مهمی از آن ناشی از نابودی منابع آبی ایران است. نه تنها سیاست و اقتصاد بلکه چرخه‌ی طبیعت نیز در ایران دچار انسداد شده است! زیرا سیاست‌های مخرب حکومت درباره اقتصاد و کشاورزی و گسترش درآمدزایی انگلی از طریق «خرید و فروش» زمین و مستغلات که منابع طبیعی از جمله جنگل‌ها و مراتع را حتی با آتش‌سوزی‌های عمدی از بین برده، به نوبه‌ی خود بر اکوسیستم و شرایط اقلیمی کشور تأثیرات منفی گذاشته و بر دامنه‌ی کم‌آبی و خشکسالی افزوده است. در چنین شرایطی، وعده‌های سرخرمن دولت حتی فاصله‌های اعتراضات و خیزش‌های ناشی از نارضایتی‌های مردم را هم کم نمی‌کند! بحران آب، تولید برق را نیز تحت تأثیر قرار داده و در اکثر شهرهای ایران مرتب برق قطع می‌شود. مسئولان که می‌خواستند بدون اعلام جدول خاموشی سر و ته این کمبود را هم بیاورند به دلیل اعتراضات مردم و عرصه‌های تولیدی و خدماتی، مجبور شدند جدول زمان‌بندی قطع برق را در شهرهای بزرگ اعلام کنند تا دست کم مردم بتوانند برنامه کار و زندگی خود را تنظیم کنند بطوری که خود دولت نیز ساعات کار ادارات در تهران را تغییر داده و همچنین تغییراتی در ساعات کار مترو و مهدکودک‌ها داده شده است.

در کنار اعتراضات مردم، ناکارآمدی عملاً موجود در نظام جمهوری اسلامی سبب شکاف در بدنه‌ی آن نیز شده است. مشکلات به

تنها «مدرکی» که تا کنون از سوی جمهوری اسلامی منتشر شده است، همین یک عکس است. عکس گرفتن با چهره‌های شناخته شده مخالف جمهوری اسلامی ایران، مانند عکس امیر سعدونی در کنار مهدی ابریشمچی، بسیار متداول است و حکایت از هواداری از این یا آن سازمان سیاسی ندارد. در بسیاری موارد متقاضیان پناهندگی اینگونه عکس‌ها را ضمیمه پرونده خود می‌کنند. در عکسی که رسانه‌های نزدیک به

محافل امنیتی جمهوری اسلامی منتشر کرده‌اند، شخص سومی هم حضور دارد که صورت او بریده شده

توطئه سردادند و ادعا کردند سازمان مجاهدین خلق برای کسب اعتبار و تخریب دستاوردهای سفر حسن روحانی به سوئیس و اتریش، «این مضحکه» را به راه انداخته است. البته وزارت خارجه جمهوری اسلامی با فراخواندن سفرای بلژیک و فرانسه، و کاردار سفارت آلمان، در غیاب سفیر، به بازداشت دیپلمات خود اعتراض کردند.

رسانه‌های نزدیک به محافل امنیتی جمهوری اسلامی، عکسی از امیر سعدونی در کنار مهدی ابریشمچی، همسر سابق مریم رجوی و از رهبران سازمان مجاهدین خلق منتشر کرده و تلاش کردند به ادعای دست داشتن سازمان مجاهدین خلق در این طرح سندیت بدهند.
امتناع از پاسخ به پرسش‌های رسانه‌ها
حسن روحانی برای حضور در نشست رسانه‌ای مشترک با همتای اتریشی خود، شرط گذاشته بود که هیچگونه پرسشی در رابطه با این

دادگستری‌های آلمان و فرانسه با درخواست استرداد اسدالله اسدی و مهرداد عارفانی به بلژیک موافقت کردند. دولت اتریش نیز پس از مهلتی ۴۸ ساعته به جمهوری اسلامی برای سلب مصونیت دیپلماتیک از اسدالله اسدی، خود در اقدامی کم‌سابقه دست به این اقدام زد. اسدالله اسدی چهار سال پیش به وین اعزام شد و گفته می‌شود زیر پوشش دیپلماتیک هماهنگی فعالیت‌های امنیتی در این سفارت را عهده‌دار بوده است. مصطفی رودکی که تا سال ۲۰۱۴ میلادی در وین در همین سمت فعالیت می‌کرد، از سال گذشته به عنوان دبیر اول در سفارت جمهوری اسلامی در تیزرنا، پایتخت آلبانی خدمت می‌کند. قابل توجه است این ماموریت جدید مصطفی رودکی کمی بعد از تکمیل روند انتقال اعضای سازمان مجاهدین خلق از عراق به آلبانی آغاز شد.

محمدجواد ظریف، عباس عراقچی و بهرام قاسمی، سه دیپلمات ارشد جمهوری اسلامی بلافاصله فریاد

استاندار خوزستان هم یک روز پیش از سهمیه‌بندی آب در این دو شهر گفته بود «باید وضعیت آب خرمشهر و آبادان را پیش از رسیدن به مرز بحران اصلاح کنیم» و البته به این هم اشاره کرد که آب لوله‌کشی شهرهای آبادان و خرمشهر «آب نمک» است.

این سخنان از سوی مقامات مسئول در حالیست که مشکل آب در این دو شهر و بسیاری از مناطق دیگر استان خوزستان مدت‌هاست «مرز بحران» را رد کرده است. در همین رابطه علی گلمرادی نماینده بندر ماهشهر (امام خمینی)، امیدیه و هندیجان در مجلس شورای اسلامی گفته است رود کارون وضعیت اسفناکی دارد و در برخی نقاط فاضلاب وارد آن می‌شود و در خیلی نقاط استان آب لوله‌ها آلوده است و برای شستشوی لباس‌ها و ظروف هم استفاده نمی‌شود. هم‌زمان چندصد تن از روستاییان منطقه به دلیل آب آلوده مسموم شده‌اند.

مشکل آب آشامیدنی خوزستان نیز موضوع تازه‌ای نیست فقط این روزها حادث شده است. در بیشتر شهرهای خوزستان مردم سال‌هاست از دستگاه‌های تصفیه آب خانگی استفاده می‌کنند اما حالا همین دستگاه‌ها نیز قادر به تصفیه آب نیستند چرا که آب لوله‌کشی نیز کاملاً گل‌آلود و تیره است و به برکت بی‌توجهی مسئولان غلظت نمک هم در آب شهری به شدت افزایش یافته است.

جدا از کاهش منابع آب استان خوزستان در پی مدیریت نادرست و سدسازی‌های بی‌رویه و سودجویانه که از دولت هاشمی رفسنجانی آغاز و برای این تخریب به لقب «سردار سازندگی» مفتخر شد، مشکل دیگر این استان عدم تجهیز به دستگاه‌های

مذاکرات ترامپ و پوتین در هلسینکی درباره ایران



ترامپ و پوتین در ویتنام، ۱۱ نوامبر ۲۰۱۷

دونالد ترامپ و ولادیمیر پوتین رهبران آمریکا و روسیه روز ۱۶ ژوئیه در هلسینکی پایتخت فنلاند دیدار می‌کنند. آخرین بار که آن دو یکدیگر را دیدند ماه نوامبر گذشته در حاشیه کنفرانس آسیا پاسفیک بود. پوتین بعد از ضمیمه کردن کریمه به روسیه و بعدها حمایت از حضور نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران در سوریه در ناحیه مرزی با اسرائیل، مورد غضب آمریکا و اروپا و استرالیا قرار گرفت و از جرگه کشورهای گروه ۷ کنار گذاشته شد. وی اما در ماه‌های اخیر در سیاست‌های منطقه‌ای خود در خاورمیانه تجدید نظر کرده و دیدارهایی با نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل و چند مکالمه تلفنی در زمینه مسائل مورد اختلاف با دونالد ترامپ داشت. پوتین پس از چند ملاقات با نتانیاهو و گفتگوی تلفنی با وی در سیاست‌های خود در منطقه تعدیل کرد و دستش را کم کم از پشت رژیم ایران برداشت و در مکالمات تلفنی با رئیس جمهوری آمریکا ظاهراً قرار بر این شد مسکو از جمهوری اسلامی بخواهد نیروهای خود را از محل کنونی به نقطه دور افتاده‌ای در سوریه منتقل کند و در مقابل، آمریکا نیز قبول کرد سرپاژانش را از سوریه بیرون ببرد. دیدارها و صحبت‌های میان نخست وزیر اسرائیل و پوتین تا آنجا پیش رفت که اسرائیل با موشک به پایگاه‌های جمهوری اسلامی در سوریه حمله کرد و عده‌ای کشته شدند. اما پوتین اجازه نداد سپاه پاسداران به رجزخوانی‌های خود درباره حمله به تل آویو جامه عمل بپوشاند و به این ترتیب ضرب شست اسرائیل به رژیم ولایت فقیه بی‌پاسخ ماند. تغییر سیاست پوتین و نزدیک شدن او به اسرائیل و کشورهای عربی و آغاز عشوهای سیاسی برای اسرائیل

و آمریکا، به مخالفان نزدیک شدن رژیم تهران به مسکو فرصت داد تا از آنها که همه تخم‌مرغ‌های خود را در سبد روسیه گذاشته بودند انتقاد کنند و بگویند ما به‌موقع هشدار داده بودیم که روس‌های خدا نشناس قابل اعتماد نیستند و همیشه نان را به نرخ روز می‌خورند. در این میان ظاهراً قرار شد پوتین و ترامپ در هلسینکی فنلاند در زمینه روابط دو کشور که مدتی است چنگی به دل نمی‌زند و مسائل مورد اختلاف میان واشنگتن و مسکو و امنیت ملی دو کشور صحبت کنند. نزدیکان ترامپ و پوتین در دولت‌های روسیه و آمریکا می‌گویند دیدار رودرو بین دو طرف در زمانی برگزار می‌شود که روابط روسیه و غرب هیچ تعریفی ندارد. ینس اشتولتنبرگ دبیر کل پیمان ناتو خود درباره حمله به تل آویو جامه عمل بپوشاند و خواهان منزوی کردن روسیه نیستیم بلکه سعی ما داشتن رابطه‌ای بهتر با این کشور است. رئیس جمهوری آمریکا در سفر به اروپا بعد از ملاقات با پوتین در اجلاس پیمان ناتو در بروکسل حضور خواهد یافت و در لندن هم با ترزا می نخست وزیر بریتانیا دیدار و مذاکره خواهد داشت. ترامپ اخیراً گفته بود که با پوتین درباره سوریه و اوکراین صحبت خواهیم کرد. جان بولتون مشاور امنیتی ترامپ که در ترتیب دادن این دیدار نقش داشته گفته است در ملاقات میان پوتین و ترامپ صحبتی از برداشتن تحریم‌هایی که به دنبال تصاحب کریمه از سوی رژیم روسیه برقرار شد به میان نخواهد آمد. وی یادآور شده هر دو رئیس جمهور امیدوارند این ملاقات بهبود روابط میان دو کشور را به دنبال داشته باشد. آن دو اظهار امیدواری کرده اند درباره موضوعات و مسائل مشترک و مشکلات موجود میان آمریکا و روسیه و امکان همکاری در بخش‌های گوناگون صحبت کنند. گفته می‌شود در مذاکرات مفصل دو رئیس جمهور آمریکا و روسیه درباره ایران و تحریم‌هایی که از سوی آمریکا به زودی بر تهران تحمیل خواهد شد صحبت می‌شود مگر آنکه پوتین بر رژیم سرکوبگر و مزاحم تهران برای تغییر رفتارش فشار فراوان اعمال کند.

پمپئو آماده سفر به پیونگ یانگ؛ آیا چین و روسیه نظر کیم جونگ اون را تغییر داده‌اند؟



دیدار مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا با کیم جونگ اون رهبر کره شمالی؛ اردیبهشت ۹۷

مارک پمپئو وزیر خارجه آمریکا روز پنجشنبه این هفته برای چندمین بار در یک سال اخیر به قصد دیدار و گفتگو با مقامات کره شمالی به پایتخت آن کشور سفر می‌کند. نمایندگان آمریکا و کره شمالی در روزهای آخر هفته گذشته به منظور تنظیم برنامه دیدارهای پمپئو در این سفر در پان مون جوم ناحیه مرزی دو کره ملاقات و گفتگو کردند. گزارش‌های رسیده درباره از سرگیری فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی کره شمالی دلیل سفر وزیر خارجه ایالات متحده به آن کشور است. اندرو کیم رئیس بخش کره شمالی در سازمان «سیا» و سونگ کیم سفیر آمریکا در فیلیپین و مذاکره کننده کهنه‌کار وزارت خارجه آن کشور اعضای هیأت اعزامی واشنگتن در ملاقات با همکاران کره‌ای خود در نوار مرزی دو کره بودند. پمپئو از پیونگ یانگ به توکیو می‌رود و با رهبران کره جنوبی و ژاپن درباره انجام مراحل نهایی خلع سلاح هسته‌ای کره شمالی و دیگر موضوعات مربوط به منطقه گفتگو خواهد کرد. پس از مذاکرات سنگاپور میان رهبران و مقامات آمریکا و کره شمالی دونالد ترامپ گفت: از این پس دیگر نباید نگران تهدید هسته‌ای کره شمالی بود. اما در روزهای اخیر سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا گزارش دادند که پیونگ یانگ نه تنها به فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی خود ادامه داده بلکه به آن سرعت نیز بخشیده است. منابع اطلاعاتی مختلف نیز گزارش‌هایی از سکوه‌های غیرثابت و متحرک پرتاب موشک‌های قاره‌پیمای در کره شمالی داده‌اند. چند روز پیش کره شمالی رسماً خبر از آغاز فعالیت مرکز غنی‌سازی اورانیوم در مجموعه یونگ بیون داد. به گفته کارشناسان بخش اطلاعات

وزارت دفاع آمریکا، کیم جونگ اون حداقل در حال حاضر آماده تعطیل فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی کره شمالی نیست. برخی کارشناسان سیاسی می‌گویند بعید نیست چین و روسیه به کیم جونگ اون گفته باشند زرادخانه هسته‌ای و موشکی خود را به امید کمک‌های اقتصادی آمریکا تعطیل نکن، چون از این بابت روی ما هم می‌توانی حساب کنی. روسیه و به ویژه چین نمی‌خواهند نفوذ آمریکا در منطقه بیشتر شود و واشنگتن حرف آخر را در شبه‌جزیره کره بزند.

برایان هوک: راهبرد جدید آمریکا در قبال ایران بر آورده کردن خواسته مردم است



برایان هوک

● **هوک مشاور وزارت خارجه آمریکا می‌گوید راهبرد جدید در قبال ایران نه برای تغییر رژیم بلکه برای تغییر رفتار رهبر رژیم و برآورده کردن خواسته‌های مردم است.**

● **«آمریکا در کنار مردم ایران می‌ایستد و از زمان خروج آمریکا از برجام تا کنون ۵۳ فرد و نهاد به دلیل دست داشتن در نقض حقوق بشر یا اقدامات تروریستی مشمول تحریم شده‌اند.»**

● **«تحریم‌های آمریکا هرگز شامل موارد بشردوستانه، غذا و دارو نمی‌شود.»**

● **بولتون: دونالد ترامپ برای خارج کردن نیروهای نظامی ایران از سوریه از ولادیمیر پوتین کمک خواهد خواست.**

مشاور سیاستگذاری وزارت خارجه آمریکا دوشنبه شب گفته، چهارم اوت (۱۳ مردادماه) اولین بسته تحریمی علیه رژیم ایران اجرا می‌شود که بخش انرژي و ترانکشن‌های بانکی ایران را هدف قرار خواهد داد و ماه نوامبر (آبان) دومین بسته تحریمی علیه رژیم به اجرا درخواهد آمد. برایان هوک گفته راهبرد جدید در قبال ایران، نه برای تغییر رژیم، بلکه برای تغییر رفتار رهبری ایران و برآورده کردن خواسته‌های مردم است. او با اشاره به اینکه رژیم ایران مطالبات مشروع مردم برای اصلاحات را در تهران، خرمشهر و مناطق دیگر با شدت بیشتر و حتی خشونت شدیدتر سرکوب می‌کند گفت: «آمریکا در کنار مردم ایران می‌ایستد و از زمان خروج ایالات متحده از برجام تا کنون ۵۳ فرد و نهاد به دلیل دست داشتن در نقض حقوق بشر یا اقدامات تروریستی مشمول تحریم شده‌اند.» مدیر سیاستگذاری وزارت خارجه آمریکا همچنین خبر داد حدود یک ماه پیش تیم مشترکی بین وزارت خارجه و وزارت خزانه‌داری آمریکا تشکیل شده که قصد دارد با سفر به مناطق مختلف جهان به دولت‌ها و شرکت‌های خصوصی خطرات ناشی از

معامله با ایران را به آنها توضیح دهد. به گفته وی این تیم تا کنون به ۱۳ کشور در اروپا و آسیای شرقی سفر کرده و در هفته جاری نیز سفرهایی به کشورهای خلیج فارس صورت خواهد گرفت. این مقام آمریکایی افزود که دولت کشورش تلاش می‌کند بیشترین تعداد از کشورهای هر چه زودتر واردات نفت خود از ایران را به صفر برسانند. وی تاکید کرد که ظرفیت بازار جهانی نفت می‌تواند کاهش شدید صادرات نفت ایران را جبران کند. او همچنین افزود که واشنگتن قصد ندارد برای تحریم‌های نفتی علیه تهران استثناء قائل شود. هوک با اشاره به اینکه ۵۰ شرکت برای کاهش روابط تجاری با ایران اعلام آمادگی کرده‌اند تاکید کرد که تحریم‌های آمریکا هرگز شامل موارد بشردوستانه، غذا و دارو نمی‌شود.

فشار به ایران برای خروج از سوریه

آمریکا در حال بیشتر کردن حلقه‌ی فشار بر رهبران جمهوری اسلامی ایران است. پیش از این جان بولتون مشاور امنیت ملی کاخ سفید گفته بود در دیدار رؤسای جمهوری ایالات متحده و روسیه که قرار است روز ۲۵ تیرماه در هلسینکی پایتخت فنلاند برگزار شود دونالد ترامپ برای خارج کردن نیروهای نظامی ایران از سوریه از ولادیمیر پوتین کمک خواهد خواست. بولتون در مصاحبه با شبکه تلویزیونی CBS دستیابی احتمالی رهبران دو کشور به چنین توافقی را یک گام چشمگیر رو به جلو خواند و گفت توافق با روسیه در این زمینه کاملاً امکان پذیر است. او در پاسخ به این پرسش که آیا فشار اسد در حال پیروزی در جنگ سوریه است گفته «فکر نمی‌کنم اسد مسئله

امارات اموال و دارایی افراد و شرکت‌های ایرانی مرتبط با پولشویی سپاه را بلوکه می‌کند



نشست هیات وزیران امارات

● **اقدامات اجرایی امارات علیه ۹ شخص و نهاد ایرانی است که اردیبهشت ماه در فهرست تحریم‌های جدید آمریکا قرار گرفتند.**

هیات اوراق بهادار امارات روز سه‌شنبه، سوم ژوئیه، بخشنامه‌ای در مورد اقدامات لازم درباره افراد و نهادهایی که امارات آنها را در فهرست «تروریسم» قرار داده، مشخص کرد. این بخشنامه خطاب به همه شرکت‌های فعال در زمینه اوراق بهادار و کالاهای مجوز دار صادر شده است و در آن تاکید شده هرگونه حساب بانکی، اموال، اوراق بهادار و کالای مرتبط با افراد و نهادهایی که نامشان در فهرست درج شده یا افراد حقیقی و حقوقی مرتبط با آنها را بلوکه کنند. این فهرست شامل ۹ شخص و نهاد ایرانی است که در پولشویی‌های مرتبط با سپاه قدس همکاری داشته‌اند و وزارت خزانه‌داری آمریکا پنجشنبه، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۷ (۱۰ مه ۲۰۱۸)، آنها را در لیست تحریم‌های خود قرار داد.

● **سعيد نجفپور - محمد حسن خدایی - مقدا امینی - محمدرضا خدمتی - فواد صالحی - شرکت جهان ارس کیش - صرافی راشد - شرکت خدمتی و شرکا**

منابع عربی گزارش داده‌اند که این بخشنامه خواستار بلوکه کردن اموال مورد استفاده از افراد و نهادهای درج شده در فهرست تروریسم توسط دولت امارات یا اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با آنها شده است. بنا بر این گزارش، هیات اوراق بهادار امارات از شرکت‌ها خواسته است تا اقدام به بلوکه کردن یا جلوگیری از استفاده از اموال، حساب‌های بانکی و کالاهای مرتبط با افراد و نهادهایی نکنند که نامشان و جزئیات مرتبط با

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و با مسؤلیت دکتر ناصر رحیمی
(استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهنده‌گی
تلفن:

020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831
فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk
Email: assot@aol.com

Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne Road Hammersmith , London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

رئیس سازمان پدافند غیرعامل: اسرائیل ابر و برف ایران را می دزدد!



پاسدار غلامرضا جلالی فرمانده دفاع غیرعامل سپاه

● رئیس سازمان پدافند غیرعامل می گوید تهدیدات در تغییر الگوی مصرف و دستکاری غذایی صورت می گیرد.
● او گفته آنها تحقیقاتی ۴ ساله داشته اند که نشان می دهد همه جا برف دارد به جز ایران!
● جلالی واردات بذر و واکسن را تهدیدآمیز خوانده است.
● او گفته که گوشت خوک تمایلات خدایی را از بین می برد.

● حسن فیروزآبادی نیز پیش تر گفته بود جاسوسان یا سوسمار، مارمولک و آفتاب پرست از نیروگاه های اتمی جاسوسی می کردند!

رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور تغییرات اقلیمی در ایران را مشکوک به دخالت خارجی ها دانسته و مدعی پدیده «بردزدی» و «برف دزدی» توسط نیروهای اسرائیل از ایران شده است.

حسن فیروزآبادی رئیس سابق نیروهای مسلح نیز پیش تر گفته بود که جاسوسان با استفاده از سوسمار، مارمولک و آفتاب پرست جاسوسی می کنند!

غلامرضا جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل در کنفرانسی با موضوع پدافند غیرعامل در حوزه کشاورزی، تغییرات اقلیمی در ایران را مشکوک به دخالت عوامل خارجی دانسته و گفته که نیروهای اسرائیلی اقدام به «بردزدی» و «برف دزدی» در ایران می کنند.

خشکسالی و افزایش دمای هوای ایران در کنار مدیریت نادرست غلط محیط زیست باعث شده تا سرزمین خشک و نیمه خشک ایران با بحران شدید آب مواجه شود. با این همه مقامات جمهوری اسلامی همواره توهم توطئه و دخالت بیگانگان در تمامی امور را دارند و از همین رو از بهمن ماه سال گذشته تا کنون بیش از ۵۰ فعال محیط زیست را با اتهام جاسوسی و ارتباط با بیگانگان بازداشت کرده اند.

اکنون کار به جایی رسیده که غلامرضا جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل گفته «نتیجه مطالعات ۴ ساله این سازمان بر روی ارتفاعات افغانستان تا مدیترانه نشان داده که همه ارتفاعات بالای دو هزار و ۲۰۰ متر در این محدوده پر از برف ولی

ارتفاعات ایران خشک بوده است.» غلامرضا جلالی گفته که اسرائیل و یکی از کشورهای همسایه در تیم های مشترکی «برهای در حال ورود به ایران را غیربارور می کنند.»

او اضافه کرده که «علاوه بر این ما با بحث بردزدی و برف دزدی نیز مواجه هستیم. این تهدیدات دائما در حال تغییرند و آن را با تهدیدات سایبری مقایسه کرده است.»

این مقام سازمان پدافند غیرعامل نسبت به واردات بذر و واکسن به ایران هشدار داده و بذر را یکی از گلوگاه های جدی تهدیدات دشمن و



نگاه به موضوع واکسن را همچون نگاه به وزارت دفاع خوانده است! غلامرضا جلالی خواستار تقویت واکسن سازی رازی در ایران شده و اضافه کرده است: «باید هم سطوح حاکمیتی حفظ شود و هم از تصدی گری دست برداریم تا بخش خصوصی بتواند در حد قابل قبولی واکسن تولید کند و ذخایر مناسبی داشته باشیم.»

رئیس سازمان پدافند غیرعامل نسبت به آنچه بذرهای عقیم کننده نامیده هشدار داده و گفته است:

«اقلام غذایی راهبردی باید تولید شود و اقلامی مثل هندوانه و محصولاتی که غذای اصلی نیست کاشته نشوند.» او پیش بینی کرده که تا چند سال آینده تهدیدات بیوسایبری بر پایه بیولوژیک و فضای سایبری شکل می گیرد!

غلامرضا جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل از شبکه های اجتماعی به عنوان تکنولوژی تهدیدآمیز نام برده و گفته است: «شبکه های اجتماعی فی نفسه فرصت های زیادی دارد اما اگر زیرساخت های این قابلیت در اختیار دشمن قرار گیرد می تواند آن را به تهدیدی علیه ما تبدیل کند.» این مقام ارشد سازمان پدافند غیرعامل از وجود تهدیدات زیستی، بیوتروریسم و ارتش های بیولوژیک خبر داده و گفته است: «امروز جنگ زیستی با هدف آسیب زدن به اقتصاد در دستور کار برخی کشورها قرار دارد و کشورهایی هستند که حملات زیستی هدفمندی انجام می دهند.»

غلامرضا جلالی آفت سه سال پیش به زیتون های رودبار و آسیب به مرغداری ها در استان البرز را نمونه هایی از حمله زیستی دانسته و گفته است ریشه و منشأ این اتفاقات معلوم نیست ولی همواره وجود دارد! او «دستکاری غذایی و تغییر الگوی مصرف» را از تهدیدات حوزه غذایی خوانده که «می تواند قابلیت های یک ملت را تغییر دهد!»

رئیس سازمان پدافند غیرعامل اضافه کرده است: «یکی از اساتید دامپزشکی در این خصوص به بنده گفت که غذای حرام مثل گوشت خوک اثرات زیستی بالایی بر انسان دارد و تمایلات خدایی را در انسان از بین می برد.»

جالب اینجاست که رئیس سازمان پدافند غیرعامل در سخنان خود به سوءمدیریتی که سالهاست محیط زیست ایران را با تهدیدات جدی روبرو کرده هیچ اشاره ای نکرده است.

پاراگراف ۹: درباره «معلم انقلاب» و «سرچشمه فیض» روشنفکران اسلامی و نواندیشان دینی



ویدئو

«روشنفکر اسلامی»، «روشنفکر دینی»، «نواندیش دینی»، «ملی- مذهبی»، این مفاهیم ترکیبی و پسوندی از کجا می آیند؟ ضرورتشان در چیست؟ چرا کسانی فکر می کنند می بایست بر عقاید مذهبی و دینی خود در فعالیت سیاسی تأکید کنند؟ مذهبی و مسلمان بودن یک «روشنفکر» یا «نواندیش» و یا «ملی گرا» چه نقشی بازی می کند و اصلا چه اهمیتی برای دیگران دارد که اینان دین و مذهبشان چیست؟! پرویز دستمالچی با کتابش «دشمنان آزادی» مهمان پاراگراف ۹ است.

کسانی که درباره اسلام سیاسی و انقلابی نوشته اند و یا حتی طرح حکومت دادماند کم نیستند از جمله خمینی، چرا شریعتی را برای بررسی نظرات اسلامی- سیاسی که دشمن آزادی هستند انتخاب کردید؟ - چرا برای جوانان مذهبی و حتی چپ آن دوران، حرف های شریعتی که در مواردی واقعا بی منطق هستند جذابیت داشت؟ - چرا الان هنوز کسانی از جمله

ملی- مذهبی ها/ «روشنفکران دینی»/ مسلمانان نواندیش، او را قبول دارند؟! مگر کتاب هایش را نخوانده اند؟! اگر خوانده اند، چطور ممکن است آدم خود را «روشنفکر» و «نواندیش» بخواند یا بداند و باز هم چنین سخنان بی سر و تهی را درباره امام و امت و امامت قبول داشته باشد؟ آن هم در شرایطی که حرف های او با جمهوری اسلامی به تحقق پیوسته! - اگر آدمی یا جریانی ملی است یا روشنفکر و یا نواندیش، چه لزومی

جمهوری اسلامی درباره کشف بمب گذاری در همایش مجاهدین خلق: کار خود «منافقین» است!



همایش شورای ملی مقاومت یا مجاهدین خلق نهم تیر در پاریس

● اتریش قصد دارد طی ۴۸ ساعت آینده مصونیت دیپلماتیک اسدی کارمند سفارت جمهوری اسلامی ایران در وین را لغو کند.

● بهرام قاسمی گفته جمهوری اسلامی هر گونه خشونت و اقدام تروریستی در هر نقطه از جهان و در هر شکل آن را محکوم و مردود می داند!

● مجله اشپیگل در گزارشی اشاره می کند که رژیم ایران در طول سال های گذشته همواره متهم به انجام حملات تروریستی در خارج از کشور شده که یکی از مشهورترین آنها ترور مخالفان جمهوری اسلامی در سال ۱۹۹۲ در رستوران میکونوس برلین است.

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی با انکار هرگونه ارتباط میان شش فرد مظنون به بمب گذاری در همایش سازمان مجاهدین خلق در پاریس، ادعا کرده افراد بازداشت شده در بلژیک از اعضای شناخته شده و عملیاتی خود این سازمان هستند.

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی با انکار هرگونه ارتباط میان شش فرد مظنون به بمب گذاری در همایش سازمان مجاهدین خلق در پاریس، ادعا کرده افراد بازداشت شده در بلژیک از اعضای شناخته شده و عملیاتی آن سازمان تروریستی امجاهدین خلق محسوب می شوند و مقامات ذیصلاح ایران آمادگی دارند تا با ارائه اسناد و مدارک لازم در جهت روشن ساختن ابعاد واقعی این سناریوی از پیش طراحی شده گروه همکارهای لازم را به عمل آورد.

او گفته «گروهک تروریستی منافقین پس از ناکامی در نشست سالانه خود و برای جبران شکست در کسب حمایت سیاسی در جهت اهداف ضد انسانی و ضد ایرانی خود و نیز با توجه به سفر موفق ریاست جمهوری اسلامی ایران به دو کشور اروپایی همانند گذشته و مبادرت به برنامه ریزی و اجرای سناریوی دیگری نمودند تا بتوانند ضمن تأثیر گذاری بر این سفر اروپایی نسبت به تخریب جایگاه و موقعیت ایران و ایرانیان نزد افکار عمومی اروپا در این مقطع حساس کنونی تلاش نمایند.» البته این سخنان در حالیست که سفر حسن روحانی به سوییس در هر حال هیچ دستاوردی نداشته و ناکام مانده است.

همزمانی این رویداد با سفر حسن روحانی به ژنو و وین موجی از انتقاد علیه سیاست های جمهوری اسلامی به راه انداخته و سازمان مجاهدین نیز با استفاده از موقعیت به تبلیغات گسترده پرداخته است.

پایگاه خبری سازمان مجاهدین خلق

ایرانی افشا و «عوامل» آن دستگیر می شوند.» سه شنبه سوم ژوئیه، وزارت خارجه اتریش از ایران خواست تا مصونیت دیپلماتیک اسدی را لغو کند. در این بیانیه تأکید شده بود چنانچه جمهوری اسلامی اقدام به این کار نکند دولت اتریش با استناد به اینکه این فرد با حکم اروپایی بازداشت شده مصونیت او را سلب خواهد کرد.

بهرام قاسمی سخنگوی وزارت خارجه در سخنانی تأکید کرده «جمهوری اسلامی ایران همانگونه که بارها اعلام کرده است هرگونه خشونت و اقدام تروریستی در هر نقطه از جهان و در هر شکل آن را محکوم و مردود می داند طبق اطلاعات موجود افراد بازداشت شده در کشور بلژیک از اعضای شناخته شده و عملیاتی آن سازمان تروریستی امجاهدین خلق محسوب می شوند و مقامات ذیصلاح ایران آمادگی دارند تا با ارائه اسناد و مدارک لازم در جهت روشن ساختن ابعاد واقعی این سناریوی از پیش طراحی شده گروه همکارهای لازم را به عمل آورد.»

او گفته «گروهک تروریستی منافقین پس از ناکامی در نشست سالانه خود و برای جبران شکست در کسب حمایت سیاسی در جهت اهداف ضد انسانی و ضد ایرانی خود و نیز با توجه به سفر موفق ریاست جمهوری اسلامی ایران به دو کشور اروپایی همانند گذشته و مبادرت به برنامه ریزی و اجرای سناریوی دیگری نمودند تا بتوانند ضمن تأثیر گذاری بر این سفر اروپایی نسبت به تخریب جایگاه و موقعیت ایران و ایرانیان نزد افکار عمومی اروپا در این مقطع حساس کنونی تلاش نمایند.» البته این سخنان در حالیست که سفر حسن روحانی به سوییس در هر حال هیچ دستاوردی نداشته و ناکام مانده است.

همزمانی این رویداد با سفر حسن روحانی به ژنو و وین موجی از انتقاد علیه سیاست های جمهوری اسلامی به راه انداخته و سازمان مجاهدین نیز با استفاده از موقعیت به تبلیغات گسترده پرداخته است.

پی نوشت: پیشنهاد های هنری کیسینجر های نظام: خانه تکانی اساسی در نظام یا از نظام!؟



ویدئو

در اینجا اهمیت پی نوشت بیش از متن است

پی نوشت یا همان پ.ن. معروف، سری جدید گزارش های کوتاه و ویدیویی کیهان لندن است که زوایای دیگری از متن و رویدادها را به نمایش می گذارد. این بار: پیشنهاد های هنری کیسینجر های نظام: خانه تکانی اساسی در نظام یا از نظام!؟

اروین خاچیکیان: با «کارمندان» می خواستم توجهات اجتماعی خودم را بیان کنم



(رضا مقصدی)

آه... می کشم برای آب

دست های من، تپه‌ی ست.
چشم های من پُر از نگاه حسرت‌ست.
آه... می کشم برای آب.
زخم می زند دوباره روزگار
بر جهان جان خرم‌ام.
خنده از لبان من گریخت.
برگ و بار من، دوباره ریخت.
در گزند بی شمار
این منم که شعله می کشم ز هر گُجای خاک.
با ترانه‌های چاک چاک.

پیشتان فضا و هنر گمشدهی درام در تلویزیون

هم هستنید. با کدام هنرمندان کار کرده‌اید و کدام یک از آثاری که برای هنرمندان دیگر تولید کرده‌اید را دوست دارید یا ندارید...
کار تولید و تنظیم آهنگ را از اواخر دهه ۲۰ زندگی‌ام آغاز کردم. فکر می‌کنم بسیاری از کارهایی که برای سیاوش قمیشی انجام داده‌ام را تصدیق می‌کنم. پس از آن برای مارتیک و حبیب و هلن و بسیاری دیگر کارهایی کرده‌ام. از خلق اثری برای این هنرمندان با استعداد که من خودمانی به آنها «بچه‌ها» می‌گویم بسیار لذت می‌برم و لحظه‌ای که خنده بر صورتشان می‌نشیند خیلی احساس رضایت می‌کنم. به زندگی آوردن یک معنای موسیقایی برای من یک دنیا مفهوم دارد و تجربه بسیار لذتبخشی است.
ناراحت‌کننده است که برخی از هنرمندان قدردان کار من به عنوان یک آهنگساز نیستند و در پایان کار فاصله می‌گیرند و یا حقوق تولید اثر را پرداخت نمی‌کنند. در ابتدا از این رفتار به شدت عصبانی می‌شدم اما بعد متوجه شدم که آنها از خودشان بیشتر از من دور می‌شوند چون دیگر به ایده‌های موسیقی آینده من دسترسی نخواهند داشت.

فرد پروانه - اروین خاچیکیان، خواننده و آهنگساز ایرانی-آمریکایی در سال ۱۹۷۳ در یک خانواده ارمنی در تهران متولد شد. از همان دوران کودکی موسیقی بخش مهمی از زندگی او بوده است.
پدر او کشیش یک کلیسای محلی بود و اروین در ۹ سالگی نواختن در کلیسا را آغاز کرد و سرانجام رهبر گروه شد. او سلیقه‌ی متنوع موسیقی‌اش را به تمرین‌های قرار داشته و خوشحالم که توانستم آن آموخته‌ها را به ریشه‌ها و جامعه خودم ببرم. چه شب‌هایی که شما در مسافرت با این گروه بی‌خوابی می‌کنید و یا فراموش می‌کنید در کدام شهر هستنید. به یاد می‌آورم که با این ستاره‌ها در اتوبوس تور یا هتل به هم فشرده بسر می‌بردیم و من برای همه آن روزها و دقیق قدردان و ممنون هستم.
● شما در برابر ۸۰ هزار نفر در گلم راک آلمان اجرا داشتید. با همکاری برخی از سمفونی‌های معتبر اروپایی در جیمیل، جی لنوو و جانی کارسون نمایش داشتید؛ این لیستی طولانی از دستاوردهای یک هنرمند پاپ ایرانی است. کدام تجربه از این اجراها را دوست داشتید؟

افسوس‌ناک است که نام‌های شناخته‌شده‌ای در دنیای راک، مثل آرای‌ام، فو فایتز، متالیکا، آزی آزبورن و ریچ آگینست ماشین، تور داشته است.
● خاطراتی هم از این گروه‌ها دارید؟
همه اینها اوقات خوشی بودند؛ چیزهای زیادی از گروه‌ها و مدیریت آنها آموختم. من در جریان نحوه ضبط و مارکتینگ و تورگردانی آنها قرار داشتم و خوشحالم که توانستم آن آموخته‌ها را به ریشه‌ها و جامعه خودم ببرم. چه شب‌هایی که شما در مسافرت با این گروه بی‌خوابی می‌کنید و یا فراموش می‌کنید در کدام شهر هستنید. به یاد می‌آورم که با این ستاره‌ها در اتوبوس تور یا هتل به هم فشرده بسر می‌بردیم و من برای همه آن روزها و دقیق قدردان و ممنون هستم.
● شما در برابر ۸۰ هزار نفر در گلم راک آلمان اجرا داشتید. با همکاری برخی از سمفونی‌های معتبر اروپایی در جیمیل، جی لنوو و جانی کارسون نمایش داشتید؛ این لیستی طولانی از دستاوردهای یک هنرمند پاپ ایرانی است. کدام تجربه از این اجراها را دوست داشتید؟

من شاهد بوده‌ام که این هنرمندان نرم نرمک از صحنه ناپدید می‌شوند چرا که آنها در قدرشناسی از دیگر کار سختی که صرف کارشان شده موفق بوده‌اند.
● پروژه بعدی شما چیست؟
من این روزها هر چه بیشتر شو و فستیوال تولید می‌کنم. برای شوی «بگذار بخواند» که پارسال در مسافرانسیسکو برگزار شد و ده زن خواننده ایرانی در آن هنرنمایی می‌کردند یک قطعه موسیقی تهیه کردم. این شو بسیار موفقیت‌آمیز بود و امسال هم قرار است شوی دوم را برگزار کنیم و به شهرهای دیگر در آمریکا و کانادا ببریم، که شروع آن در سال آینده ۲۰۱۹ خواهد بود. همچنین یکی از برنامه‌ریزان «جشنواره تالستان» در غرب کانادا، و همینطور فستیوال سالانه «چهارشنبه سوری» در استکهلم سوئد هستم، که میزبان بیش از هفت‌هزار شرکت‌کننده است.

هنرگامی که برای جمعیتی بیش از ۸۰ هزار نفر در حال اجرا هستنید هیچ نسبت خصوصی و صمیمیتی میان خواننده و جمعیت برقرار نیست. من با جمعیت ارتباطی نداشتم به عبارت دیگر نمی‌توانستم منتظر باشم که برگردم به هتل و سپس زنگ بزنم به دوستانم و در مورد جمعیت مباحثات کنم.
حاضر شدن در برنامه‌های گفتگوی تلویزیونی یک تجربه فوق‌العاده است. در ابتدا شاهد حضور شبکه‌های بزرگی بودم که نشان می‌دادند، چگونه اجراهای آنها با آنچه من از طریق شبکه‌های محلی می‌دیدم دنیاهای متفاوتی دارند.

چرا «گذرگاه» با کارهای قبلی شما متفاوت است و با کدام هنرمندان در تولید این اثر همکاری داشتید؟
-آلبوم «گذرگاه» ۹ ترانه دارد که من در ساخت آن از همکاری با یغما گلرویی، امید اولیایی، ملودی صفوی و نیکلاس نامی که از مدت‌ها پیش با هم در تولیدات همکاری داریم لذت بردم. بر این باورم که در ظرف چند سال گذشته به عنوان یک فرد از لحاظ عاطفی رشد کرده‌ام و آلبوم «گذرگاه» این دگرگونی را بازتاب می‌دهد. با کمک دوستانم توانستم اثر موسیقی خوبی منتشر کنم که شامل تلفیقی از تجربیات سال‌های گذشته عمرم باشد.

آیا برنامه‌ای در ایران انجام داشتید و آیا پیام خاصی برای خوانندگان ما دارید؟
من هواداران زیادی در ایران دارم و آخرین بار در سال ۲۰۱۶ در آنجا اجرا داشتم. با من مانند یک ستاره بزرگ هنر راک برخورد و استقبال شد و با هیچ مشکلی از سوی دولت ایران مواجه نشدم. خیلی خوشحال شدم که از همه جای ایران مردم در این کنسرت حاضر شدند اگر چه فقط در یک روز اطلاع‌رسانی شده بود.
سخن با خواننده‌های شما این است که امیدوارم توانسته باشم در این گفتگو هم تصویری از خودم ارائه بدهم. اگر بتوانم تفکر شما را از راه موسیقی در ذهنتان ارتقا بدهم آنوقت آهنگ‌های من موفق بوده‌اند.
● منبع: کیهان لایف (کیهان لندن به زبان انگلیسی)
* ترجمه از کیهان لندن

شما یک موزیسین موفق در دو زمینه هستنید؛ هم در هنر سولو و هم عضویت در گروه مشهور «کارمندان» و «سرژ تانکیان و اف.سی.سی». ارتباط شما با این گروه‌ها چگونه شکل گرفت و تفاوت آنها از نظر سبک‌های موسیقی چگونه است؟
-«کارمندان» به شکل شوخی آغاز شد؛ از آنجا نشأت گرفت که می‌خواستیم توجه‌های اجتماعی خودم را بیان کنم و شگفت‌آور اینکه مورد توجه عموم قرار گرفت. بنابراین آن را در آلبوم «گذرگاه» کمی بیشتر جدی گرفتم. مقداری از شوخی‌های اولیه که در نسخه نخست بود را بیرون کشیدیم و کوشیدم افکارم را با لحنی جدی‌تر و جسارت بیشتر بیان کنم.
اما پروژه مشترکمان با سرژ تانکیان و جوه زمخت‌تری داشت. شناخت من از سرژ به زمانی بر می‌گردد که او با گروه خود «System of Down» آثاری ارائه داد. او کاملاً سابقه‌های هارد راک داشت، و آنچه برای تور افسوس‌ناک تهیه می‌کردیم،

سندلی سرفرماندهی در عرشه بالایی سفینه نشسته و دیگر افسران و نوابران و خدمه کشتی او را احاطه کرده‌اند. وظیفه‌ای که بر عهده‌ی کرک قرار داده شده خطیر است. او وظیفه دارد به نقاط ناشناخته‌ی کیهان سفر کرده و گونه‌های حیات را در آنجاها کشف کند. کرک هر دفعه باید تصمیم‌های دشواری بگیرد که وضعیت خدمه‌ی کشتی فضایی را در سایه قرار می‌دهد. مثلاً اوست که تصمیم می‌گیرد چه کسانی در هر ماموریت از سفینه خارج شوند و چه کسانی در کشتی بمانند. یا اینکه در برخورد با افراد و موجودات مختلف چه واکنشی از خود نشان دهند. دستورهایی وی گاه باعث به دردر افتادن زیردستانش می‌شود، و او با استفاده از توانایی‌های خود باید آنها را از مخمصه نجات دهد. کرک مدیری قوی است که نقطه‌ی قوت و در عین حال ضعف‌اش احساسات انسانی اوست.
در برابر کرک آقای اسپاک (لئونارد نیمیو) قرار دارد؛ شخصیتی که با وجودی که نقش دوم است اما سرباز و اصولاً کل مجموعه‌ی پیشتان فضا به هوای او به خاطر آورده می‌شود. آقای اسپاک افسر اول یواس‌اس انترپرایز است. او نیمه‌انسان - نیمه‌ولکان است؛ نژادی که در اثر ریاضت و تمرین و ممارست بسیار، احساسات را در خود سرکوب کرده‌اند و تمام رفتارهایی‌شان بر اساس منطق است. از همین رو



کاپیتان کرک و افسران در عرشه‌ی «یواس‌اس انترپرایز»

وامی دارد.
در جریان سریال ما با سرنشینان یکی از این سفینه‌های کیهانشان پیمای به نام «یواس‌اس انترپرایز» همسفر می‌شویم و آنها را در جریان ماجراهای‌شان در سیارات، ستارگان و کیهانشان‌های مختلف همراهی می‌کنیم. در این دنیاهای مختلف از شخصیت‌ها، موجودات و مکان‌های منحصر به فرد و عجیبی دیدار می‌کنیم. دکور سریال، که وامدار پاپ آرت معاصر سریال است، گرچه زیباست اما خیلی دم‌دستی و ابتدایی است. جلوه‌های ویژه‌اش، با توجه به محدودیت‌های آن زمان، عموماً دستی و انیمیشن است و نه الکترونیک و کامپیوتری. همین جلوه‌های ویژه‌ی دستی یکی از به یادماندنی‌ترین مظاهر تکنولوژی آینده را در قالب ماشین انتقال اشعاعی که انسان‌ها را در مبدأ به اتم تبدیل کرده و در مقصد دوباره به شکل انسان درمی‌آورد در اذهان عمومی مخاطبان بر جای گذاشته است. در مجموع سریال حداقل با استانداردهای امروز از منظر فنی در حد معمولی است. آنچه منحصر به فرد است داستان، فیلمنامه، پرداخت و بازی‌های پیشتان فضاست.
محور داستان‌های اپیزودهای مختلف تقریباً همیشه درباره‌ی اجبارها و انتخاب‌های انسانی است. در قسمت‌های مختلف سریال اقتباس‌های فراوان و جالبی از اساطیر و ادبیات

کلاسیک مثل آثار شکسپیر وجود دارد که لذت تماشای سریال را برای اهالی ادبیات دوچندان می‌کند. برعکس امروز که کلیت فیلم‌های علمی-تخیلی داستاویزی شده است برای نمایش جلوه‌های ویژه، در پیشتان فضا دکور و جلوه‌های ویژه عموماً در خدمت داستان است. در هر قسمت سریال معمولاً هنرپیشه‌های مهمان معروف به نقش آدم‌ها و موجودات جدید ظاهر می‌شوند. مثلاً ریکاردو مونتالبان و جیل ایرلند و مایکل آن‌سارا (ابوسفیان در «محمد رسول‌الله») در سه قسمت سریال بازی‌های درخشانی ارائه می‌دهند. در اپیزود پیلوت سریال، نقش اول را جفری هانتز مشهور بازی می‌کرد، اما بعداً به دلایلی آن نقش را به ویلیام شاتنر دادند.
شاتنر کسی است که شخصیت کاپیتان «جیمز تی کرک» را جاودانه کرد. کرک ناخدای «یواس‌اس انترپرایز» است که معمولاً هنگامی که برای اولین بار او را می‌بینیم روی

● مخاطبان این ائتلاف و تریبون‌های دولتی فارسی‌زبان خارج کشور آنها را به غلط بخشی از اپوزیسیون تلقی می‌کنند (رسانه‌های فارسی زبان دولتی خارج کشور آنها را چنین معرفی می‌کنند) اما آنها با مبانی و سیاست‌های نظام (ضد آمریکا و ضد اسرائیل بودن، جاه طلبی‌های منطقه‌ای، مهندسی فرهنگ و جامعه با احکام دینی، عدالتگرایی توزیعی، و هویتگرایی) مخالف نیستند و اگر در خارج از کشور هستند به خاطر زندانی شدن توسط جناح سیاسی رقیب یا جستجوی شرایط زندگی و کار بهتر بوده است و نه مخالفت با مبانی و ماشین‌های سرکوب و تبلیغات رژیم.

مجید محمدی - ائتلافی اعلام نشده در خارج ایران وجود دارد که: (۱) به ندرت از مقامات جمهوری اسلامی و تصمیمات آنها در سطوح مختلف انتقاد می‌کند و بر انتقاد از دولت‌های غربی، اسرائیل و بیگانه‌ستیزی متمرکز است.

(۲) حامی مبانی نظام جمهوری اسلامی است (گسترش طلبی و حضور روحانیون در قدرت) و ایران و دولت-ملت آن را مساوی رژیم موجود می‌گیرد.

(۳) به ویژه دو ماشین سرکوب و تبلیغات نظام را مفروض گرفته و نه واقعیت قابل تغییر) و مورد نقد قرار نمی‌دهد و حتی آنها را با توجیه «غیرت» و «قدرت ملی» برای امنیت کشور مفید می‌داند (بوق تبلیغاتی نظام را رسانه ملی نام می‌دهد).

این ائتلاف شامل شش جریان مشخص است:

(۱) مارکسیسم ضد امپریالیست (دنباله‌ی حزب توده و فدائیان اکثریت) که صدای آن هم در بی‌بی‌سی فارسی و هم رادیو زمانه به خوبی شنیده می‌شود؛ رادیو فردا هم صدای برخی از آنها را منعکس می‌کند.

(۲) چپ مذهبی که خط حرکتی خود را از محمد خاتمی و همراهانش می‌گیرد (مثل برخی اعضای حلقه‌ی کبان در دهه‌ی هفتاد خورشیدی) و در برخی رسانه‌ها مثل رادیو فردا گفت‌وگوها (البته رادیو فردا گهگاه به یکی دو نفر غیر از دکوراسیون تنوع و توازن قلابی).

(۳) جریان اسلامگرایی عملگرا یا کارگزاران رژیم و نزدیکان و مباشران و کارچاق‌کن‌های آنها که در برخی رسانه‌های دولتی خارجی مثل بی‌بی‌سی فارسی نفوذ قابل توجهی دارند.

(۴) شرقگرایی ضد امپریالیست (دنباله‌ی تفکرات ادوارد سعید که مبلغ قربانی بودن همه‌ی غیرواپویان در طول تاریخ است، حتی مغول‌ها و عرب‌هایی که به ایران حمله کردند) که در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی مربوط به خاورمیانه حضور دارد.

(۵) جریان ملی-مذهبی که هنوز به دینی بودن سیاست‌ها و قوانین و حضور سیاسی و اجتماعی دین باور دارد و ناقد شکل موجود جمهوری اسلامی (و نه اصل ایده) است؛ سایت زیتون و رادیو فردا تریبون این جریان است.

(۶) اعضای لابی جمهوری اسلامی در ایالات متحده آمریکا. صدای آمریکا در دوران اوپاما تریبون این جریان بود. اکنون مواضع آنها از سایت‌هایی مثل المانیاتور و رسانه‌های چپ اروپایی و آمریکایی شنیده می‌شود.

اسامی افراد فعال و نزدیکان این شش جریان در نامه‌ها و اطلاعیه‌های مختلف و فهرست مهمانان مراسم و شام‌های مقامات و سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی در کنار هم



آب کشیدن جانماز بیگانه‌ستیزی برای تداوم تحقیر و فروپاشی

بر حل مسائل فکری یا معضلات جامعه‌ی بشری یا تبیین مسائل و مشکلات جامعه‌ی ایران نیست. از این جهت با مباحث و نظرات آنها نمی‌توان صرفاً به صورت نظری برخورد کرد و تصور کرد که می‌توان با آنها با مفاهیم مشکلات و معضلات موجود و اختلالات را حل کرد. اینها گروهی را هم‌پیمان سیاسی خود می‌دانند و گروهی را مخالف خود. با مخالفان به شکل حذفی برخورد کرده و تلاش می‌کنند با حمله‌ی شخصی آنها را از میدان به در کنند یا فضای رسانه‌ای را از آنها بستانند. با هم‌پیمانان خود که عمدتاً صاحبان منابع در کاست قدرت در داخل کشور هستند مرتباً در تماس هستند و تلاش می‌کنند از آنها فاصله نگیرند. اینها درجه حرارت سیاسی خود را با درجه حرارت هاشمی رفسنجانی (زمانی که زنده بود) یا محمد خاتمی و حسن روحانی تنظیم می‌کنند چون (به غلط) آنها را مرکز ثقل جریان‌های سیاسی عملگرا یا «میان‌رو» (کلمه‌ای بی‌معنی در جمهوری اسلامی) در داخل کشور می‌دانند. مسئله‌ی اینها قدرت است و تا احساس کنند که اترتانیوی غیر از خود آنها یا هم‌پیمانان سیاسی‌شان دارد مطرح می‌شود یا توهین و برچسب‌زنی و پرونده‌سازی سعی می‌کنند آنها را کنار بزنند.

جسم‌شان در غرب و ذهن‌شان در جمهوری اسلامی

بدین لحاظ مسائلی مثل حقوق بشر و دموکراسی برای این گروه در واقع دعوی‌های خانگی با رقیب (و نه تلاش برای استیفای حقوق شهروندان بی‌قدرت) و برای بسط قدرت بیشتر به حاشیه‌رفتگان سیاسی است و نه اینکه «زبان‌شان لال» بهاییان و همجنسگرایان و بی‌دینان و سنیان و یهودیان ایرانی در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس به عنوان نامزد شرکت کنند یا زنان در کنار دریا بیکنی و تاپ ببوشند و دختران و پسران در خیابان همدیگر را ببوسند و کمک‌های نظامی جمهوری اسلامی به حزب‌الله و حماس قطع شود. اگر کسانی خواستند چنین ناپرهیزی‌هایی بکنند بهتر است والدین آنها برایشان بلیتی خریده و آنها را به تورنتو و نیویورک و پاریس و لندن بفرستند. به همین دلیل است که فرزندان بخش داخلی این نحوه‌ی طرز تفکر در غرب مثل غربیان زندگی می‌کنند و بخش خارجی آنها در عین حضور در غرب هنوز در ایران تحت جمهوری اسلامی زندگی می‌کنند و با زندگی در غرب درنیامیخته‌اند. آنها مانند بخشی از اعراب فرانسوی یا سومالیایی‌های مینه‌سوتا یا ترک‌های آلمان در گتوهای هیت یا محفل‌محور خود زندگی می‌کنند و روابطشان عمدتاً با قوم و قبیله‌ی خودشان است.

آنها این نوع ذهنیت را با واقع‌بینی توجیه می‌کنند اما متوجه نیستند که خود بخشی از واقعیت موجود سیاسی در داخل هستند یعنی توجیه وجود یک حکومت سفاک و ناقض ابتدایی‌ترین حقوق انسان‌ها با عقب‌ماندگی جامعه یا مذهبی بودن بخشی از مردم. آنها با اینگونه استدلال‌ها مردم ایران را شایسته‌ی آزادی و دموکراسی نمی‌دانند.

پروژه‌ها

این شش جریان در ذیل برنامه‌ی حمایت از بقای جمهوری اسلامی مدام پروژه‌هایی خلق می‌کنند. داستان مخالفت با جنگ علیه جمهوری اسلامی در اروپا و آمریکا، حذف صدای اکثر انحلال‌طلبان از رسانه‌های دولتی آمریکا و بریتانیا، سر و صدا برای تحریم دروغین دارو، پرنرگ ساختن جریان قرن نوزدهمی روشنفکری چپ در ایران، طرح میراث شیعه به عنوان یکی از مقولات فرهنگ ایرانی، مخالفت با مداخله‌ی آمریکا در سوریه (که به قدرت گرفتن داعش انجامید)، و دفاع از مداخلات منطقه‌ای جمهوری اسلامی، همه و همه را باید در ذیل شش وجه مشترک بالا فهمید.

مسئله قدرت

تمرکز این شش جریان مؤتلف

بی‌نتیجه است. آنها به عنوان مثال حرکت‌های ضد حجاب اجباری را جدی نمی‌گیرند و آن را مانند روزنامه‌ی کیهان تهران دور شدن از مسائل محوری تلقی می‌کنند.

۳. مردم ایران را اگر آزاد بگذارند چون شیعه‌اند و مذهبی به همین اسلامگرایان و جمهوری اسلامی رای می‌دهند (مغالطه‌ی رسیدن از جامعه‌ی دینی مفروض به حکومت دینی). آنها معتقدند که مردم ایران میان روحانیت و مخالفان روحانیت همیشه روحانیت را برای واگذاری

روحانی. زندانی شدن در جمهوری اسلامی هدیه‌ای است که نظام به برخی از آنها داده و تا ابد می‌خواهند از این ویژگی کسب‌شده یا اعطاشده از سوی نظام به آنها منتفع شوند.

مشترکات این ائتلاف ظاهراً ناهمگون

مجموعه‌ی این افراد از یک سو محمد خاتمی و حسن روحانی و همه‌ی همکاران و نزدیکانشان در کاست قدرت در جمهوری اسلامی از سوی دیگر با وجود

تزیون اصلی	تلفی از جمهوری اسلامی	ایدئولوژی	جریان
بی‌بی‌سی فارسی/رادیو زمانه	تتها گزینده در برابر سوری‌های شدن و نفوذ سرمایه داری/مخالف جدی براندازی	مارکسیسم	جریان چپ اصلاح‌طلب غیر مذهبی (مثل فدائیان اکثریت و توده)
رادیو فردا	تتها گزینده در برابر سوری‌های شدن و تجزیه/مخالف جدی براندازی	اسلامگرایی هویتگرا/سوسیالیستی	چپ مذهبی خط امامی
بی‌بی‌سی فارسی الجزیره/Informed Comment	بدون اکثریت/مخالف جدی براندازی سکوت گذاشتن رژیم/تمرکز بر آمریکا و اسرائیل ستیزی	اسلامگرایی عملگرا	کارگران فرستادگاری (پست-کنشالی)
رادیو فردا/بی‌بی‌سی فارسی/زیتون	مخالف ابده براندازی حتی به صورت غیر خشونت‌آمیز	اسلامگرایی هویتگرا/سوسیالیستی	ملی-مذهبی
صدای آمریکا (دوره اوپاما)/المانیاتور	نظام تازفرمایی آن است	—	لابی جمهوری اسلامی

همه‌ی اختلالات فکری و جناحی و عقیدتی و منفعتی، مشترکات فکری و منفعتی نیز دارند. آنها بر این باورند که: ۱. رژیم جمهوری اسلامی با وجود همه‌ی سیاهی‌ها و زشتی‌هایش فعلاً خیرالموجودین (در میان رژیم‌های ممکن و منصور برای ایران) است و نباید برای براندازی آن اقدامی صورت داد یا حداقل امکان براندازی وجود ندارد. آنها معتقدند که حتی براندازی نرم و غیرخشونت‌آمیز را نباید مطرح ساخت چون کسانی (داخلی و خارجی) ممکن است از آن سوء استفاده کنند؛ برخی از اعضای این گروه روزی به دنبال اثبات جنایت جمهوری اسلامی علیه بشریت بودند اما تا احساس کردند که «دشمنان غربی» ممکن است از این موضوعات سوء استفاده کنند به دنبال حفظ رژیم جهت دفاع از آب و خاک خود شده و آن بدن سمت حرکت می‌کند (آمادگی) برای دموکراسی که هیچگاه روز مسابقه‌اش فرا نمی‌رسد) و باید با یکی از این جناح‌ها که دشمنی هزینه‌بر با غرب را کاهش داده یا کنار گذاشته (دشمنی و فحاشی کم‌هزینه‌اش اشکالی ندارد چون توده‌ها را بسیج می‌کند) اما همچنان اسلامگراست همکاری و همراهی کرد. در مقابل باید با کسانی که با بیگانگان همسویی

مخاطبان این ائتلاف و تریبون‌های دولتی فارسی‌زبان خارج کشور آنها را به غلط بخشی از اپوزیسیون تلقی می‌کنند (رسانه‌های فارسی زبان دولتی خارج کشور آنها را چنین معرفی می‌کنند) اما آنها با مبانی و سیاست‌های نظام (ضد آمریکا و ضد اسرائیل بودن، جاه طلبی‌های منطقه‌ای، مهندسی فرهنگ و جامعه با احکام دینی، عدالتگرایی توزیعی، و هویتگرایی) مخالف نیستند و اگر در خارج از کشور هستند به خاطر زندانی شدن توسط جناح سیاسی رقیب یا جستجوی شرایط زندگی و کار بهتر بوده است و نه مخالفت با مبانی و ماشین‌های سرکوب و تبلیغات رژیم.

برخی از اعضای این ائتلاف اصولاً تحت حکومت ولی فقیه زندگی نکرده‌اند: ناخن‌شان را لاک می‌زنند، بیکنی‌شان را در سواحل آمریکا و اروپا می‌پوشند، و شرابشان را می‌نوشند اما با سیاست‌های کشورهای که به آنها پناه داده یا حقوق پناهندگی می‌دهند مخالفند و برای جناح ظاهراً اصلاح‌طلب کار می‌کنند. تبدیل شدن به «اپوزیسیون» در خارج کشور برای این افراد ناخواسته بوده و توسط حکومت بر آنها تحمیل شده است یا اینکه این عنوان را برای کار و کسب خود مناسب می‌بینند. آنها به همان اندازه مخالف حکومت رفسنجانی و محمد خاتمی و حسن

همه‌ی تلاش‌های افراد بدون قدرت در داخل کشور بدون هماهنگی با آنها فرعی و انحرافی و

آب در خوابگه مورچگان: گرین کارت آفازاده‌ها استمرار طلبان را به تکاپو انداخته است



حسین فریدون، برادر حسن روحانی، پای ثابت تیم مذاکره کننده هسته‌ای جمهوری اسلامی بود و با تیم اوباما و جان کری ارتباط مستقیم داشت

طرف قضیه است ولی موج منفی که این ادعا در داخل کشور ایجاد می‌کند و به بی‌اعتمادی مردم به مسئولان دامن می‌زند موضوعی است که باید به صورت جدی با آقای ذوالنور مطرح شود.» از قرار معلوم برنابیز و استمرار طلبان دچار این توهم هستند که رأی‌دهندگان آمریکایی رأی خود را بر اساس رابطه‌ی کشورشان با جمهوری اسلامی خرج می‌کنند و نه با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی که خودشان در آن بسر می‌برند!

این خبرگزاری همچنین نوشته «ذوالنور ادعایی کرده که ترامپ هم آن را نوشته، این دیگر آن فن‌دک خراب مجلس نیست به روشن نشدنش در جریان آتش زدن برجام به سوژه طنز تبدیل شود، این ادعا، اعتماد مردم را نشانه گرفته و کلیت جمهوری اسلامی را در مظان اتهام قرار داده (!) آقای ذوالنور یا اسنادی دارد که این اتفاق رخ داده و موظف است آن را منتشر کند تا مسبین آن مجازات و کسانی که از این امکان استفاده کرده‌اند برکنار شوند یا سندی ندارد که باید از مجلس استعفا دهد، اینکه یک نماینده مجلس با سوء استفاده از رأی مردم به اعتماد آنها خیانت کند نه تنها بخشودنی نیست بلکه مستحق برخورد جدی است!»

به دنبال این جریان در توئیتر برای لغو گرین کارت‌ها و اجازه‌ی اقامت این آفازاده‌ها هشتمین «#RevokeThe2500» داغ شده و واکنش‌های زیادی را در میان کاربران ایرانی نیز در پی داشته است. از آنجا که خبر «دوتابعیتی» بودن برخی مقامات و مسئولان جمهوری اسلامی دروغ نبوده، و از آنجا که همه‌ی جریان‌ها رژیم اعم از اصولگرا و اصلاح طلب در عمل چه در ایران و چه در خارج ثابت کرده‌اند که فرصت طلب هستند و همه‌ی امکانات را برای خودشان و دار و دسته و خانواده‌های مافیایی خودشان می‌خواهند، و از آنجا که هم مردم می‌دانند و هم خود مقامات نیز بهتر از هر کسی با خبر هستند که اعضای خانواده‌هایشان، نه در ایران و نظام مقدس شان، بلکه در آمریکا و اروپا مشغول تحصیل و کار و زندگی هستند، بنا بر این خبر ۲۵۰۰ گرین کارت و اجازه‌ی اقامت برای وابستگان و آفازاده‌های جمهوری اسلامی خبر عجیبی نیست. موضوع اینجاست که گفته می‌شود این ۲۵۰۰ گرین کارت از سوی دولت اوباما به رژیم ایران «اعطاء» شده. وگرنه شمار وابستگان و دلبستانان جمهوری اسلامی در آمریکا و همچنین اروپا قطعاً بیش از اینهاست؛ البته بدون آنکه حکومت بتواند روی پشتیبانی آنها، به غیر از عمل بی‌خطر رأی‌دادن، حساب کند؛ زیرا فرصت طلبی و راحت طلبی عادت نیست که بتوان ترک کرد!

بر اساس این مجموعه است که استمرار طلبان به شدت به تکاپو افتاده‌اند چون حجم بزرگی از این وابستگان را اینان تشکیل می‌دهند و اصولگرایان و خانواده‌هایشان فعلاً در سایه قرار دارند تا کی دست آنها نیز در زمینه‌ی برخورداری از «مواهب غرب» بیش از این رو شود.

منتشر خواهد شد و خواهید دید که سورپرایز تیرماه آمریکا همین خبر بوده است. حالا با این توییت ترامپ، گویا ادعاهای مدیر ایسکانیز که به دانشگاه آزاد اسلامی و علی‌اکبر ولایتی مشاور امور بین‌المللی علی خامنه‌ای وابسته است رنگ واقعی‌تری به خود گرفته است.

این خبر به ویژه در جناح اصلاح طلبان استمرار طلب با واکنش‌های منفی زیادی روبرو شده و آنها به قول معروف کاسه و کوزه‌ها را بر سر مجتبی ذوالنور نماینده‌ی قم و عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی که از «جبهه پایداری» است می‌شکنند.

ذوالنور پنجم تیرماه در مصاحبه با روزنامه اعتماد از حضور برخی فرزندان مقامات جمهوری اسلامی در آمریکا و تابعیت چندگانه آنها به شدت انتقاد کرده بود. وی گفته بوده «وقتی آقای اوباما در جریان بحث برجام تصمیم گرفت به آقایان حال بدهد، به دو هزار و ۵۰۰ نفر از ایرانیان تابعیت اعطا کرد و برخی آقایان و مسئولان با یکدیگر مسابقه گذاشتند که فرزندان‌شان جزو این دو هزار و ۵۰۰ نفر باشند... امروز اگر این افراد از آمریکا اخراج شوند، مشخص می‌شود که چه کسانی زد و بند دارند و منافع ملی را به آب‌نبات آمریکا می‌فروشند.»

در این میان، علیرضا سلیمی عضو هیات نظارت بر رفتار نمایندگان در خصوص اظهارات مجتبی ذوالنور درباره اعطای حق شهروندی به ۲۵۰۰ ایرانی به وسایط «دیدهبان ایران» گفته اگر اظهارات ذوالنور صحت ندارد وزارت امور خارجه چرا واکنشی نشان نمی‌دهد؟! **بازتاب افشاگری ذوالنور در شبکه فاکس نیوز**

بعد از صحبت‌های ذوالنور، شبکه فاکس نیوز عصر سه‌شنبه در گزارشی به این موضوع پرداخته و نوشته است که «ذوالنور از کسی نام نبرد اما آنها فرزندان چندین نفر از مقامات فعلی و پیشین ایران در آمریکا هستند.» فاکس نیوز نوشت نشانه‌های این افراد در ماجرای برجام، شهروندی آمریکا را دریافت کرده‌اند وجود ندارد و روشن هم نیست که آیا منظور ذوالنور شهروندی [تابعیت] است یا گرین کارت [اجازه اقامت]. شبکه فاکس نیوز در توضیح اینکه «این فرزندان چندین نفر از مقامات فعلی و پیشین ایران» چه کسانی می‌توانند باشند از نمونه‌هایی مانند علی فریدون (فرزند حسین فریدون برادر حسن روحانی) و فاطمه اردشیر لاریجانی (فرزند علی لاریجانی رییس مجلس شورای اسلامی) نام می‌برد.

آفازادگان و استمرار طلبانی که زندگی در آمریکا را ترجیح می‌دهند یعنی «کلیت جمهوری اسلامی»!

اصلاح طلبان استمرار طلب مدعی هستند ترامپ برای جلوگیری از پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات آینده پارلمانی آمریکا این موضوع بی‌اساس را مطرح کرده است؛ از جمله خبرگزاری برنابیز نوشته «اینکه ترامپ هر ادعایی عجیبی را سند قرار می‌دهد و آن را به خورد رأی‌دهندگان آمریکایی می‌دهد یک

توییت ترامپ در مورد اینکه اوباما در جریان مذاکرات اتمی به ۲۵۰۰ ایرانی از جمله مقام‌های دولتی ایران گرین کارت داده به شدت سر و صدا کرده است.

اصلاح طلبان مدعی هستند ترامپ برای جلوگیری از پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات آینده پارلمانی آمریکا این موضوع بی‌اساس را مطرح کرده است!
برخی انگشت اتهام را به سوی مجتبی ذوالنور نماینده‌ی قم در مجلس و عضو «جبهه پایداری» افشاکننده ماجرای گرین کارت‌ها دراز می‌کنند.

دونالد ترامپ رییس جمهوری آمریکا روز سه‌شنبه در توییتی، بار دیگر با افتضاح خواندن توافق اتمی با ایران، نوشت که دولت باراک اوباما در جریان مذاکرات، به ۲۵۰۰ ایرانی- از جمله مقام‌های دولتی- گرین کارت برای اقامت در آمریکا داده است. او این موضوع را مهم و بد توصیف کرد.

خبر صدور ۲۵۰۰ گرین کارت و اجازه‌ی اقامت برای مقامات و آفازاده‌های رژیم اسلامی ایران آن هم در حالی که دریافت این امتیاز برای بسیاری از مردم جهان به ویژه از کشورهای محروم یک روز و به شمار می‌رود، بازتاب زیادی پیدا کرده و بسیاری از آمریکایی‌ها به ویژه منتقدان اوباما و طرفداران ترامپ به این توییت واکنش نشان داده‌اند. بعضی از آنها از رییس جمهوری آمریکا برای این افشاگری تشکر کرده‌اند؛ برخی اوباما و جان کری وزیر امور خارجه‌اش را به باد انتقاد گرفته و برخی دیگر رژیم ایران را متهم به انتقال جاسوس به خاک آمریکا کرده‌اند.

موج هراس از اخراج آفازاده‌ها و وابستگان جمهوری اسلامی از آمریکا چند هفته‌ای است که در ایران به راه افتاده و دو رویداد آن را جدی‌تر کرده است. اولی تشکیل کمیسیون درخواست اخراج فرزندان مسئولان جمهوری اسلامی از آمریکا و دومی خبری است که هفته گذشته ایسکانیز خبرگزاری وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی در مورد اقامت پنج هزار نفر از فرزندان مقام‌ها و مسئولان ارشد جمهوری اسلامی در آمریکا منتشر کرد و نوشت رییس خزانه‌داری ایالات متحده قصد دیپورت آنها را دارد اما خیلی زود از خروجی این خبرگزاری حذف شد. در خبرگزاری ایسکانیز ادعا شده بود ۱۴۸ میلیارد دلار دارایی آفازاده‌های ایرانی در آمریکا بلوکه شده و ۵ هزار و ۴۳۲ آفازاده در سه ماه آینده دیپورت می‌شوند. گرچه این خبر حذف شد اما در روزهای بعد مدیرعامل ایسکانیز ادعا کرد خبر اخراج آفازاده‌ها از آمریکا درست است و به خاطر مصلحت کشور حذف شد.

رضا واعظی حتی گفت تا چند روز آینده خبر ما به صورت رسمی

ایران امپراتوری شکم‌های گرسنه



کارتون از امجد رسمی در شرق الاوسط

و رود سپاه به این عرصه نیست بلکه آنها بیشتر از این نگران هستند که با دخالت سپاه آنها کل بازار مالی کشور را از دست خواهند داد؛ از نظر تاجران و بازاریان چنانچه سپاه بر بازار نیز مسلط شود برای اعمال فشار بر دولت روحانی به بهانه اینکه او در تأمین معیشت اقتصادی ناتوان و در سیاست خارجی پس از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای شکست خورده، از بازار به عنوان حربه و ابزار علیه دولت روحانی استفاده خواهد کرد و چنانچه سپاه پاسداران که احتمالاً در آینده تحریم خواهد شد بر بازار مسلط شود بازار با بحران تحریم مالی بیشتری مواجه خواهد شد و تاجران دیگر برای واردات حدود ۱۴۰۰ کالا ناتوان و درمانده خواهند ماند. ناتوانی بازاریان یعنی افزایش شدید قیمت‌ها و عدم قدرت خرید مردم ایران که این معادله در نهایت به رکود اقتصادی کامل منجر خواهد شد.

در امپراتوری «شکم‌های گرسنه»، نهادهای رسمی دولت در گزارش پایان سال ۲۰۱۷ نسبت به ۴۰ میلیون ایرانی نیازمند به کمک مالی ماهانه از جمله ۲۰ میلیون نفر که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، اعتراف کردند. این در حالیست که ارگان‌های امداد رسانی قادر نیستند به بیش از ۱۰ میلیون نفر کمک کنند. سازمان‌های غیردولتی مانند «موسسه بورگن» که برای بررسی مسائل مبارزه با فقر، رکود، فساد و سلطه شخصیت‌های متنفذ بر اقتصاد و ثروت جهان فعالیت می‌کنند در گزارشی گفته است، تنها ۵۵ درصد از جمعیت ایران بر تمام منابع کشور مسلط هستند و ۹۵ درصد دیگر در فقر و فلاکت و محرومیت و نیازمندی زندگی می‌کنند.

به همین دلیل است که این بار صدای زنگ خطر از بازار شنیده می‌شود و تظاهرات اعتراضی تهران از بازار بزرگ تهران، بازار قیصریه و بازار نساجی و پارچه‌فروشی‌ها آغاز شد. تظاهرکنندگان معترض با صدایی رسا از دولت خود خواستند که سوریه و لبنان را ترک کرده و فکری به حال مردم ایران کنند. حکایت رژیم ایران حکایت گفتاوردی است که می‌گوید «چراغی که به خانه رواست، بر مسجد حرام است». اما فرماندهان سپاه در تهران اصرار دارند که شهروندان ایران را از چراغ کشورشان محروم کنند و آن را به ساکنان «مستعمرات» خود که بیشتر آنها به ویرانه‌هایی تبدیل شده‌اند، بدهند. آنها هنوز متوجه نشده‌اند که همه‌ی امپراتوری‌هایی که مردمانی با «شکم‌های گرسنه» داشته‌اند نابود شده‌اند. مقامات جمهوری اسلامی که در حال اشغال شهرهایی خارج از مرزهای ایران در منطقه هستند هنوز نمی‌خواهند بفهمند که لشکریان امپراتوری‌های واقعی بر شکم‌های سیر می‌خزند و پیش می‌روند.

*منبع: شرق الاوسط
*نویسنده: مصطفی فحص
*ترجمه از کیهان لندن

خواهد کرد... اما همین زمامداران جمهوری اسلامی که مرزهای امپراتوری دروغین خود را با خون ملل دیگر ترسیم کرده‌اند، تا کنون نتوانسته‌اند شهروندان خود ایران را که بار هزینه بسیار سنگین این توسعه طلبی را بر دوش می‌کشند و با سخت‌ترین شرایط و بحران اقتصادی در تاریخ معاصر خود روبرو هستند، نسبت به سود این امپراتوری کاذب و سیاست‌های توسعه طلبانه و نفوذ خود در کشورهای منطقه قانع کنند.

با سقوط ارزش تومان در مقابل دلار که در نتیجه ادامه‌ی صرف



مصطفی فحص تحلیلگر مسائل خاورمیانه

هزینه‌های هنگفت نظامی، هدر دادن منابع ملی و کنترل کامل مجاری اقتصادی، تجاری و صنعتی، توسط سپاه اتفاق افتاده، رژیم جمهوری اسلامی قادر نیست مشکل سقوط ارزش پول کشور را حل کند. عدم توانایی رژیم ایران در بهبود وضعیت ارزش تومان در برابر دلار باعث شد که این بار رژیم با بازاریان و کسبه که بر بازار تسلط دارند، روبرو شود؛ رویارویی بازاریان با رژیم اسلامی که در سابق به عنوان استراتژیک رژیم در حفظ نظام شریک بودند، رویدادی جدید و مهم به شمار می‌آید. این دو متحد تا ۱۰ سال پیش هر کدام به نوعی وظیفه خود را انجام می‌دادند. تا اینکه از ده سال پیش سپاه پاسداران به تدریج برای تسلط بر اقتصاد و صنعت در ایران به ویژه در زمینه نفت و تجارت خیز برداشت؛ عملکرد سپاه باعث شد که دولت‌های متوالی جمهوری اسلامی خسارت‌های سنگینی را متحمل شوند. همچنین تسلط سپاه بر تجارت داخلی و خارجی، واردات و صادرات باعث تضعیف بازار ایران شد.

آنچه در بحران مالی، اقتصادی و سیاسی جدید ایران جلب توجه می‌کند رویارویی بازار با رژیم جمهوری اسلامی است، بازاری که وقتی تجار آن به انقلاب خمینی پیوستند، نقش مهم و برجسته‌ای در سرنگونی رژیم شاه در سال ۱۹۷۹ ایفا کردند.

اکنون کاهش نرخ ارز باعث شده که تاجران بزرگ که بر بازار مسلط هستند در برابر وارثان انقلاب خمینی بایستند؛ بازاریان نسبت به قدرت سپاه برای تسلط بر بازار و کنترل و مدیریت آن شک و تردید دارند؛ نگرانی آنها تنها به خاطر

● زمامداران ایران که برای امپراتوری دروغین خود مرزهای خونین ترسیم کرده‌اند، تا کنون نتوانسته‌اند شهروندان خود ایران را که بار هزینه بسیار سنگین این توسعه طلبی را بر دوش می‌کشند و با سخت‌ترین شرایط و بحران اقتصادی در تاریخ معاصر خود روبرو هستند، نسبت به سود این امپراتوری کاذب و سیاست‌های توسعه طلبانه و نفوذ جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه قانع کنند.

● آنچه در بحران مالی، اقتصادی و سیاسی جدید ایران جلب توجه می‌کند رویارویی بازار با رژیم جمهوری اسلامی است، بازاری که وقتی تجار آن به انقلاب خمینی پیوستند، نقش مهم و برجسته‌ای در سرنگونی رژیم شاه در سال ۱۹۷۹ ایفا کردند.

● بازاریان از این نگران هستند که با دخالت سپاه آنها کل بازار مالی کشور را از دست خواهند داد و چنانچه سپاه پاسداران که احتمالاً در آینده تحریم خواهد شد بر بازار مسلط شود بازار با بحران تحریم مالی بیشتری مواجه خواهد بود.

اگر سرلشکر قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران و معمار سیاست توسعه طلبانه رژیم اسلامی ایران، امروز می‌تواند از کنترل کشورش بر پارلمان لبنان و توانایی متحدانش در لبنان برای تشکیل «دولت مقاومت» سخن بگوید و فخر فروشی کند، همچنانکه رفیق راهش پاسدار حسین سلامی می‌تواند از دور کردن جنگ «دشمن» از تهران و تبدیل لبنان، عراق، سوریه و یمن به خط مقدم جبهه به عنوان هنری از سیاست رژیم خود در تهران مباحثات نماید، و یا اگر بازوی نظامی آنها در خارج توانسته موشک‌های بالستیک را از یمن به سوی شهرهای سعودی شلیک کند، و همچنین مقامات ایران با سیاستی پیچیده نتوانسته‌اند از طریق وساطت روسیه با تل‌آویو به توافق برسند که در ازای اعطای امتیاز حفظ مرزهای سوریه- اسرائیل به اسد، متعهد شوند که نیروهایشان را از فاصله ۳۰ کیلومتری مرزهای اسرائیل- اردن- سوریه دور کنند، و اگر رژیم ایران نتوانسته عراقی‌ها را تهدید کند که اگر وابستگان این رژیم را از حکومت عراق دور کنند، کشورشان را با جنگ داخلی روبرو



زن روز



سیمین بهبهانی

کاش من هم همچو یاران، عشق یاری داشتم
خاطری می خواستم یا خواستاری داشتم
تا کشد ز بیارخی بر چهره ام دستی ز مهر
کاش چون آینه، بر صورت غباری داشتم
ای که گفתי انتظار از مرگ جانفر ستر است
کاش جان می دادم اما انتظاری داشتم
محنت و رنج خزان این گونه جانفر سا نبود
گر نشاطی در دل از عیش بهاری داشتم
تکیه کردم بر محبت، همچو نیلوفر بر آب
اعتبار از پایه ی بی اعتباری داشتم
پای بند کس نبودم، پای بندم کس نبود
چون نسیم از گلشن گیتی گذاری داشتم
«ه سیمین» حاصل زین سوختن افسرده است
همچو اختر دولت ناپایداری داشتم



عوارض نور آبی وسایل هوشمند برای اطفال

نور آبی می تواند تأثیرات زیادی بر اختلالات خواب
اطفال بگذارد و نور انواع وسایل هوشمند مانند کامپیوتر
تبلت و تلفن همراه از این دسته اند و شب هنگام و در زمان
خواب، کودکان نباید در معرض آنرا قرار گیرند!
یک بررسی جدید شواهد تازه ای را ارائه داده تا والدین را بیشتر از
قبل متقاعد کند که باید موبایل، تبلت و کامپیوترها را از اطاق خواب
بچه ها دور کنند.

این بررسی نشان داده است که نور این وسایل می تواند میزان هورمون
ملاتونین را که خواب را کنترل می کند تحت تأثیر قرار دهد.

این تأثیر برای بچه هایی که تازه وارد دوران بلوغ شده اند بیشتر است و نور
مانیتور دستگاه های ذکر شده در این بچه ها میزان هورمون ملاتونین را تا
۳۷ درصد کاهش می دهد. مطالعات قبلی نشان داده است که ۹۶ درصد
نوجوانان در ساعات قبل از خواب حداقل از یکی از وسایل دارای مانیتور
مانند تلفن همراه، لپ تاپ یا تبلت استفاده می کنند.

محققان با بررسی ۳۰ فرد در رده سنی ۹-۱۵ سال و ۲۹ نفر دیگر با سن
۱۶-۱۱ سال متوجه شدند که هرچه نور مانیتور وسایل الکترونیک
در ساعات ابتدایی شب بیشتر باشد میزان افت هورمون
ملاتونین هم بیشتر می شود. آنها می گویند بخصوص در
شروع دوران بلوغ مغز بسیار به نور حساس شده و
سیکل خواب در شب و روز دچار تغییر خودتان را با یک
لباس زیبا و منحصر
به فرد که کاملا مناسب شمایست
تصور کنید، این ظاهر قطعا به شما
اعتماد به نفس بیشتری می دهد.

برای اینکه از چنین ظاهری بیشتر
برخوردار باشید، باید فوراً مراقبت
بیشتر از خودتان را شروع کنید و
منتظر نمانید تا اولین لکه ها و حفره
بروز کند. این همان زمانی است که
برای حفظ شادابی پوست جوانان باید
اقدام کنید، یعنی هنگامی که تازه و
شاداب است.

در اینجا برای زنان بالای ۲۵ سال
توصیه هایی داریم که می توانند با
اجرای آن روند پیر شدن را کندتر کنند.

**خطرات ناشی
از دست دادن سریع وزن
چیست؟**
کاهش وزن سریع مشکلات فیزیکی
در بدن ایجاد می کند. خطرات جدی
احتمالی عبارتند از:
• سنگ کیسه صفرا: که در ۱۲٪ تا ۲۵٪
از مردم باز دست دادن مقدار زیادی
از وزن در طول چند ماه رخ می دهد.
• کم شدن آب بدن، که می تواند با
نوشیدن مقدار زیادی مایعات جبران شود.
• سوء تغذیه، معمولاً چون از پروتئین
به اندازه کافی استفاده نمی شود.
• عدم تعادل الکترولیت، که به ندرت
می تواند زندگی کسی را تهدید کند.

زنان شاخص

الهام یعقوبیان (تهران - ۱۳۵۱)



الهام یعقوبیان، نویسنده، مترجم و
فعال حقوق بشر ایرانی معاصر است.
و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در
مدرسه اتفاق گذراند، سپس در سال
۱۳۷۳ از دانشگاه آزاد تهران، در رشته
ترجمه زبان انگلیسی فارغ التحصیل
شد. دو سال بعد از اولین نشر کتابش
در تابستان ۱۳۶۹، دومین اثر خود را
تحت عنوان «تند باد سرنوشت» به
رشته تحریر درآورد. استقبال
خوانندگان از این اثر به حدی بود
که طی مدت کوتاهی باعث گردید
که الهام بتواند چهارمین ویرایش آنرا
به زیر چاپ ببرد. الهام یعقوبیان در
اوایل دهه ۷۰ خورشیدی به عضویت
انجمن کلمیای تهران درآمد و پس
از مدتی در بخش فرهنگی به فعالیت
پرداخت. چند ماه پس از انتشار رمان
اشک شمع، در سال ۲۰۰۰ میلادی
الهام به ایالات متحده آمریکا مهاجرت
نمود و پس از استقرار در لس آنجلس
در سازمان فدراسیون یهودیان آمریکا
به عنوان مشاور و راهنمای مهاجرین
مشغول به کار شد. پس از مدتی

خطرات کاهش سریع وزن

است. این رژیم های غذایی حداقل
از سال ۱۹۵۰ بوده است. آنها همین
طور اغلب "سم زدایی" را از طریق
تنقیه قول می دهند. قرص لاغری
و مکمل ها ده ها تن از مکمل های
رژیم غذایی برای سرعت کاهش وزن
وعده می دهند. به طور کلی، آنها ادعا
می کنند برای جلوگیری از جذب مواد
مغذی، افزایش سوخت و ساز بدن، و
یا سوزاندن چربی عالی هستند. یکی
از روش های اثبات شده کاهش وزن
سریع پزشکی تحت نظارت رژیم
غذایی کم کالری (VLCD) است.
بقیه موارد تجربیات مردم در مورد
کاهش وزن است که جایگزین رژیم
صحیح و ورزش شده است.

آیا از دست دادن سریع وزن، حقیقت دارد؟

به جز رژیم های کم کالری و جراحی،
دیگر محصولات هم می توانند به
کاهش وزن کمک کنند. اما آهسته

کاهش وزن می تواند سریع و آسان
باشد البته اگر فکر می کنید ادعاهای
تبلیغاتی صحیح است.

از دست دادن حدود ۴ کیلو وزن در
روز!

هرچه قدر می خواهید بخورید و
هنوز هم وزن کم کنید!

رژیم های غذایی و فرآورده های
کاهش وزن بدن همیشه قول بدنی
باریک را می دهند. در ایالات متحده
به تنهایی، مصرف کنندگان هر سال
۳۳ میلیارد دلار صرف محصولات
کاهش وزن می کنند. آیا هر یک از
این محصولات واقعا باعث کاهش
وزن سریع می شوند؟ آیا آنها بی
خطر هستند؟ چه خطراتی ناشی از
چنین کاهش وزن سریعی است؟ ما
نگاهی به برخی از ادعاهای از دست
دادن سریع وزن و شواهد موجود
انداخته ایم.

قوانین ساده برای زنان بالای ۲۵ سال

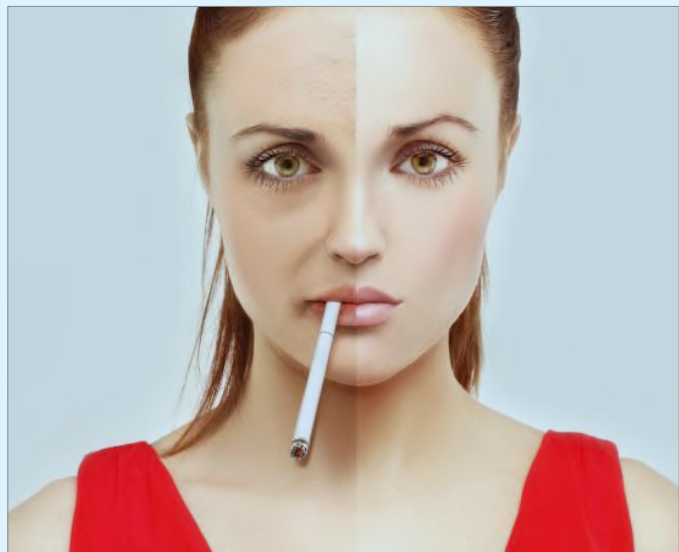
چه وقت صورتتان را لمس کردید؟
چانه خود را دست لمس کردید یا
بینی خود را پاک کرده اید یا حتی
روی شکم خوابیده اید؟ پس متوجه
شدید که چقدر پوست خود را در
معرض صدمه قرار می دهید. این
روزها گوشی های هوشمند نیز بالای
جان پوست شده اند و اغلب مردم با
سر شانه و گونه، گوشی همراه را نگه
می دارند تا بتوانند فرمان اتومبیل را
هدایت کنند.

قانون چهارم: از پوست در برابر خورشید محافظت کنید

مهم نیست که چندین متخصص
پوست از مضرات نور خورشید بر
پوست می گویند، چون هنوز هم
برخی از عاشقان پوست برنز، آماده
هرگونه مخاطره ای برای داشتن
پوستی قهوه ای رنگ هستند و
بنابراین قوانین را نادیده می گیرند.
در مقابل برای داشتن پوستی
جوان، باید مطابق حساسیت
پوستتان از کرم ضد آفتاب استفاده
کنید. چون نور خورشید می تواند
لایه های پوستی را از بین ببرد و
این لایه ها نیاز به پشتیبانی دارند.
اگر علاقمند به پوست برنز هستید،
سعی کنید از دفعات آفتاب گرفتن
کم کنید.

قانون پنجم: عادات بد را کنار بگذارید

عادات بد، بد نامیده می شوند چون
به سلامت ما آسیب می رسانند.
از آنجا که پوست ما نسبت به هر
بیماری در بدن حساس است،
بدان معنی است که هر عادت بد
به زیبایی پوست ما آسیب می زند.
پس، بعد از سن ۲۵ سالگی سعی
کنید به انسانی مستقل تبدیل
شوید که نمی خواهد به خودش
آسیب بزند و فعالیت هایی را پیش
می گیرد که مضر نیستند. بنابراین
سعی کنید عاداتی چون سیگار
کشیدن و نوشیدن مشروبات الکلی
و مواد غذایی پرچرب و فست فودها
را کاهش و حتی قطع کنید.



زیبایی شما همواره در برابر نیروهای
قدرتمندی مانند زمان، گرانش،
آلودگی و دیگر عوامل خارجی منفی
در حال مقاومت است. پس چرا کار
را سخت تر می کنید و سلامت پوست
خود را از بین می برید؟ مطمئن
نیستید که مدام پوست صورتتان
را لمس می کنید یا نه؟ آخرین بار
شماست.

چه باید بکنید: هنگام ارزیابی
لزوم استفاده از لوازم آرایشی و
یا عمل های زیبایی، از خودتان
سوال بپرسید «آیا می خواهید برای
همیشه تغییر کنید؟». اگر پاسخ
"تغییر" باشد، آن را برای ۱۰ سال
دیگر بگذارید.

قانون شماره دوم: پوست را بیش از حد خشک نگذارید

مرطوب کننده مثل مانترای (صدا)
یا آوایی که ذهن را از افکار منفی
دور می کند) است که باید برایش از
خواب بیدار شوید و آن را در طول
زندگی خود انجام دهید. شما باید ۲۴



سایر عوارض جانبی کاهش وزن
سریع عبارتند از: سردرد، تحریک
پذیری، خستگی، سرگیجه، یبوست،
بی نظمی های قاعدگی، ریزش مو، از
دست دادن عضلات. هرچه زمان رژیم
طولانی تر شود ریسک آن افزایش
می یابد.

کاهش وزن سریع همیشه ایده خوبی است؟

گرسنه نگه داشتن خودتان اصلاً ایده
خوبی نیست. رژیم های غذایی کاهش
وزن سریع می توانند اثرات بد زیادی
داشته باشند اما آیا چاقی موری
ندارد؟ به همین دلیل، بسیاری از
رژیم غذایی کم کالری (VLCDs)
در نظر گرفته می شوند و کاهش وزن
سریع برای اهداف خاص کاهش وزن
مانند جراحی می تواند اتفاق بیفتد.

فراموش نکنید در هر رژیم لاغری
لااقل روزی ۷۰ تا ۱۰۰ گرم پروتئین
مصرف کنید، و بداندید که رژیم های
غذایی به ندرت پایدار هستند و ممکن
است بعد از ترک آن چندین کیلو از
وزنتان به جای خود بازگردد.

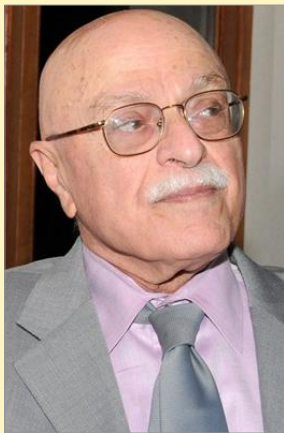
تأثیر می گذارند و حتماً باید با رژیم
و ورزش همراه باشند. بسیاری از
آن ها سبب آسیب به کبد می شوند.
در هر برنامه کاهش وزن سریع،
آنچه واقعا چربی می سوزاند یک
قرص و یا نوع مواد غذایی نیست.
این نتیجه کاهش شدید کالری،
همراه با ورزش است.

کاهش وزن سریع، چیست؟

بسیاری از بازاریابان وعده سرعت
در کاهش وزن را می دهند. بیشتر
این قول ها در این دسته قرار
می گیرند: رژیم های غذایی گرسنگی
این رژیم ها که به پاکسازی معروف
هستند شامل رژیم غذایی: آب،
آب لیمو، شربت افرا و فلفل قرمز



مردان شاخص



صدرالدین الهی (۱۳۱۳ - تهران)

دکتر صدرالدین الهی، نویسنده ایرانی، روزنامه‌نگار برجسته و استاد روزنامه‌نگاری است. نیاکانش از مدرسین حکمت الهی در دوران خود بودند. از سال آخر دبیرستان (۱۳۳۱) روزنامه‌نگار شد و کار خود را در روزنامه کیهان آغاز کرد. از سنین نوجوانی به کار روزنامه‌نگاری پرداخت و تحصیلات خود را در فرانسه به پایان برد و دیپلم‌های تخصصی دریافت نمود. در سال ۱۳۵۷ برای مطالعات دانشگاهی به «دانشگاه ایالتی سن خوزه» و «دانشگاه برکلی» به آمریکا رفت و دیگر به ایران برگشته است. صدرالدین الهی نقش برجسته‌ای در انتشار نشریه کیهان ورزشی داشت. وی، استاد روزنامه‌نگاری و در کنار مصطفی مصباح‌زاده، داریوش همایون و هوشنگ وزیری از کسانی‌ست که در پیدایش ژورنالیسم مدرن در ایران نقش به‌سزایی داشته‌اند. تحقیق، ترجمه و شعر نیز همواره مورد توجه وی بوده و در کنار حسینی‌قلی

مستعان، حمزه سردادور و ذبیح‌الله منصوری از بانیان پاورقی‌نویسی به‌عنوان ژانر مهمی از ادبیات داستانی در ایران به‌شمار می‌رود. الهی از بانیان گفت‌وگوهای مطبوعاتی به سبک مدرن با بزرگان فرهنگ و سیاست نیز هست. صدرالدین الهی با اطلاع از رمز و راز رسوم و آداب و سنت‌های ایرانیان در آثار خود از نکته‌ها و ظرائف گفته‌ها و سروده‌های شاعران ایرانی بهره می‌برد و در فصول کتاب‌هایش، هرگاه که مناسبتی دست دهد، به کار می‌برد.



تغذیه مناسب برای مردان

با افزایش سن مردان، توده‌های عضلانی بدنشان کم‌تر می‌شود و برای همین نیاز به غذاهای پروتئینی خاصی دارند تا کم شدن توده‌های عضلانی بدنشان را تا حدودی کنترل کنند. اگر چه نظرات مختلفی در مورد ویژگی‌ها و سلامت تخم مرغ وجود دارد، ولی امروزه بسیاری از متخصصان معتقدند که تخم مرغ به‌خاطر پروتئینی زیادی که دارند، می‌توانند نقش مثبتی در رژیم غذایی انسان‌ها و به‌خصوص مردان داشته باشند. ضمن اینکه تخم مرغ حاوی لویتین هم هست که می‌تواند خطر ابتلا به دژنراسیون ماکولا را کاهش دهد و همه مردان می‌توانند از تخم مرغ در وعده‌های مختلف غذایی مثل صبحانه، ناهار و شام استفاده کنند. به نظر متخصصان، خوردن انواع توت‌ها کمک می‌کند تا خطر ابتلا به سرطان‌های مختلف کاهش پیدا کند. همچنان تحقیقات بسیاری بر روی خواص توت‌ها در حال انجام است، ولی بعضی از مطالعات اخیر نشان می‌دهند که بلوبری‌ها می‌توانند التهاب را مهار کنند که در نهایت باعث کاهش خطر ابتلا به بعضی از سرطان‌ها می‌شود و حتی رشد سلول‌های سرطانی را مهار کند. البته مطالعات دیگری هستند که نشان می‌دهند انواع دیگر توت‌ها مثل تمشک و توت‌فرنگی هم خواص ضد سرطانی زیادی دارند و مثلاً خطر ابتلا به سرطان مری را ۳۰ تا ۷۰ درصد، و سرطان کولون را تا ۸۰ درصد کم‌تر می‌کنند، اما نیاز به بررسی‌های تکمیلی و نهایی دارند تا بتوانند به‌طور قطعی این تاثیر را تایید کنند. می‌توانید از انواع توت‌ها به‌عنوان میان‌وعده‌های سالم استفاده کنید، یا آن را با ماست چرب غیرالکلی، زبادی قرار می‌دهید. شما همچنین ممکن است برنامه‌های امنیت بالا را در لپ‌تاپ خود بکار ببرید اما آیا والدین شما هم این کار را انجام می‌دهند؟ شما ممکن است تفاوت بین یک پیام پاپ آپ مزاحم و یک هشدار سیستم عامل واقعی را بدانید، اما پدر و مادر شما چطور؟ قرار دادن حساب‌های شخصی در دستگاه‌های متعدد، اطلاعات حساب شما را بیشتر در معرض خطر قرار می‌دهد، چه این حساب اینستاگرام شما باشد یا هر جریان خدمات دیگر.

بیماری کبد
چرب غیرالکلی، اغلب در مراحل اولیه، علائمی ندارد، بنابراین ممکن است این بیماری نهفته بماند که در این صورت، درمان و مدیریت آن بسیار سخت و دشوار می‌شود. اما محققان می‌گویند ترکیباتی که توسط باکتری‌های روده، تولید می‌شوند، ممکن است به تشخیص زودهنگام این بیماری کمک کند. در این بیماری غیر الکلی (NAFLD)، چربی بیش از حد در کبد تولید می‌شود، بنابراین مانع از عملکرد طبیعی کبد می‌گردد.

بیماری کبد چرب و باکتری‌های روده
برخی افراد در معرض خطر ابتلا به این بیماری هستند و این بیشتر شامل افرادی می‌شود که چاق هستند و مبتلا به فشار خون بالا و دیابت نوع ۲ می‌باشند. تشخیص و درمان بیماری کبد چرب غیرالکلی (NAFLD) در مراحل اولیه سخت است، زیرا در این مراحل، علائم و نشانه‌ای وجود ندارد. این حالت ممکن است به این معنی باشد که وضعیت بیماری در حالت «پنهان» باقی بماند تا به مرحله پیشرفته رسیده و باعث آسیب کبدی شود. به همین علت، محققان به دنبال راه‌هایی برای شناسایی بیماری‌های کبدی که شروع به رشد و پیشرفت می‌کنند، هستند تا بتوانند در اسرع وقت به آن پاسخ دهند.

در حال حاضر متخصصان انگلیسی، ایتالیایی، اسپانیایی و فرانسوی اظهار می‌کنند که ممکن است با شناسایی زود هنگام بیماری کبد چرب غیرالکلی (NAFLD) و با بررسی برخی از نشانگرهای زیستی (بیومارکرز) که روزه بروز می‌دهد، به این بیماری پی برد. پروفیسور خوزه مانوئل فرناندز رئال، از دانشگاه جیرونا در اسپانیا، توضیح می‌دهد: «ارتباطات مبهیجی میان ترکیب



مرد روز



فریدون مشیری

من سکوت خویش را گم کرده‌ام
لاجرم در این هیاهو گم شدم
من که خود افسانه مردم شدم
عاقبت افسانه می‌پرداختم
ای سکوت ای مادر فریادها
ساز جانم از تو بر آوازه بود
تا در آغوش تو راهی داشتم
چون شراب کهنه شعرم تازه بود
در پناهت برگ و بار من شکفت
تو مرا بردی به شهر یادها
من ندیدم خوش تر از جادوی تو
ای سکوت ای مادر فریادها
گم شدم در این هیاهو گم شدم
تو کجایی تا بگیری داد من؟

پنج کاری که گجت‌ها را به خطر می‌اندازد

یک وبسایت برای تماشای فیلم‌های روز دنیا و آن هم به صورت رایگان! هیچ وقت زمان خوبی برای به روز رسانی نرم‌افزارهای کامپیوترمان وجود ندارد، همه ما هم این را می‌دانیم، اما با بی‌توجهی کردن به ارتقای ابزارها و نرم‌افزارها، شرایط نامنی برای کامپیوتر خود بوجود می‌آوریم. برای همین به روزرسانی نرم‌افزارها و سیستم عامل کامپیوترتان بهترین راه برای ایمن ماندن است. ما فقط در مورد برنامه‌های کوچک صحبت نمی‌کنیم، بلکه منظور حتی ویندوز کامپیوتر شما هم هست. اگر چه ارتقای سطح امنیت کامپیوتر هزینه‌بردار است ولی قطعاً باعث جلوگیری از حملات هکرها به نرم‌افزارهای قدیمی می‌شود.

رمزهای خود را در اختیار دیگران نگذارید
والدین شما از اطلاعات شبکه نت‌فلیکس خبر دارند و به صورت

همه ما می‌خواهیم از تکنولوژی در امنیت کامل استفاده کنیم، اما همچنین خواهان یک زندگی آسان و راحت هستیم. گاهی اوقات این دو با یکدیگر همخوانی ندارند. یکی از این تناقض‌ها برخورد با وپروس‌ها و بدافزارهاست. در اینجا برخی راه‌هایی که می‌توانند کامپیوتر و گجت‌های شما را در معرض خطر قرار دهند را با هم مرور می‌کنیم. این حفاظت‌ها و پیشگیری‌ها حتی شاید اصلاً به چشم نیایند ولی با اجتناب از آنها، می‌توانید از خطر وپروس‌ها در امان بمانید.

به طور غیرقانونی تلویزیون و فیلم تماشا کنید
احتمالاً لزومی ندارد که درباره راه‌های مختلف دسترسی به وبسایت‌های غیرمجاز و رایگان فیلم، برنامه‌های زنده ورزشی و آخرین برنامه‌های سرگرم‌کننده روز، بگوئیم. حتی اگر مجبور به پرداخت هزینه اندکی برای این سایت‌ها باشید، آنها سریعاً یک فایل برای شما می‌فرستند، خصوصاً وقتی مجبور به باز کردن دوباره آنها باشید و همین تازه اول خطر است.

اما جمعیت متقاضی بسیاری در این جریان آزاد و غیرقانونی جذب می‌شوند که بدافزارها را نیز در برمی‌گیرد. وقتی یک فایل را تماشا یا دانلود می‌کنید، به این معناست که به هرکسی که این متریل را تهیه کرده، اعتماد کرده‌اید و به پیامد احتمالی آن، جواب مثبت داده‌اید. اگر محتوایی که دانلود می‌کنید به صورت رایگان عرضه می‌شود، باید اول از همه، از خودتان بپرسید که آنها در ازای چه چیزی این فرایند را در اختیار شما قرار می‌دهند.

اما این به معنای پرخطر بودن همه سایت‌های رایگان یا حتی اکثریت آنها نیست. اما این یک واقعیت است که همه سایت‌هایی که می‌خواهند دستگاه شما را به انواع وپروس‌ها و بدافزارها آلوده کنند، از تمام این ترفندها برای جذب کلیک استفاده می‌کنند. یکی از این ترفندها این است که کد مخرب را درون چیزی بسیار وسوسه‌انگیز قرار دهید، مانند



تشخیص و درمان بیماری کبد چرب

غیرالکلی (NAFLD)، تعداد ژن‌هایی که توسط باکتری‌های روده ای رمزگذاری شده بودند، به تدریج کاهش یافتند و این نشان می‌دهد که میکروبیوم در ساختار میکروبی، ضعیف تر و از لحاظ تنوع، کمتر شده است. می‌دانیم که تعداد ژن‌های فعال کدگذاری شده توسط باکتری‌های روده، تقریباً ۵۰۰ برابر بیشتر از تعداد ژن‌های موجود در DNA انسان است، اما چگونه ممکن است بر سلامت و عملکرد بیولوژیکی ما تأثیر بگذارد، با این حال هنوز رمز و رازهای زیادی وجود دارد.

با این حال، دانشمندان بر این باورند که میکروبیوم روده ممکن است شاخص ضعف سلامت باشد - به عنوان مثال، افراد مبتلا به بیماری‌های متابولیکی، دارای ژن‌های فعال کمتری هستند که توسط باکتری‌های روده کدگذاری شده اند. در حال حاضر محققان در مطالعه‌ای که انجام دادند، ارتباط مشابهی در مورد این بیماری مشاهده کردند که نشان می‌داد، میکروبیوم روده ای، با علائم متابولیک کمتر در ارتباط می‌باشد و این شامل التهاب کبدی و عدم پاسخگویی به انسولین که هورمونی کلیدی برای تنظیم سطح قند خون است، می‌باشد.

محققان دریافتند که افزایش سطح فنیل استیک اسید (PAA) در موش‌های سالم، باعث تولید چربی در کبد جوندگان می‌شود. علاوه بر این، به وسیله پیوند مدفوع با نمونه‌های گرفته شده از بیماران NAFLD، موش‌هایی که میکروبیوم‌های روده ای آنها توسط آنتی‌بیوتیک‌ها از بین رفته بود، باعث بروز کبد چرب در جوندگان شد. تمام این شواهد نشان می‌دهد که یک پیوند قوی بین میکروبیوم روده ضعیف با گروه باکتری‌های تغییر یافته و پیشرفت بیماری کبد چرب غیرالکلی (NAFLD) وجود دارد. اما با این حال، معلوم نیست که آیا تغییرات در باکتری‌های روده باعث بیماری می‌شود یا بالعکس. "مقالات علمی نشان می‌دهند که تغییرات میکروبیوم، باعث ایجاد تغییراتی در برخی از بیماری‌ها می‌شود اما ممکن است حالتی از رابطه" مرغ و تخم مرغ "باشد و لزوماً علت و اثرات آن ممکن است نباشد." دکتر مارک امانوئل داموس، مولف ارشد این مقاله، توضیح می‌دهد: "تصور اینکه می‌توانیم از سیگنال‌های شیمیایی تولید شده توسط باکتری‌های خود روده برای کشف بیماری استفاده کنیم، همچنان انگیز است." او اضافه کرد: "این امکان نیز فراهم می‌شود که با انجام یک آزمایش غربالگری ساده در یک کلینیک و در یک روز، بتوانیم به علائم اولیه بیماری پی ببریم."



تجزیه و تحلیل دقیق نشان داد که سطح بالای از ترکیب فنیل استیک اسید (PAA) که توسط برخی از باکتری‌های روده آزاد می‌شود، به افزایش چربی بیش از حد در کبد و شیوع زودهنگام این بیماری ارتباط دارد. این بدان معنی است که فنیل استیک اسید (PAA) می‌تواند به عنوان یک نشانگر زیستی (بیومارکر) برای این بیماری در نظر گرفته شود و تشخیص این حالت تنها با یک آزمایش خون ساده، انجام می‌گیرد. دکتر لسلی هویلز، رئیس دانشکده امپریال کالج لندن در انگلستان، می‌گوید: "از طریق این کار ممکن است یک نشانگر زیست شناختی برای بیماری خود کشف کنیم و به طور کلی، میکروارگانیسم‌ها قطعاً تأثیری بر سلامتی ما دارند." همچنین دانشمندان دریافتند که NAFLD با برخی تغییرات در ترکیب میکروبیوم روده ارتباط دارد. **حالت مرغ و تخم مرغ**
جالب اینجاست که محققان دریافتند که با پیشرفت بیماری کبد چرب

علیرضا فغانی یکی از نامزدهای داوری مسابقه فینال جام جهانی ۲۰۱۸



علیرضا فغانی در بازی آلمان و مکزیک

● کمتر رسانه و مفسر ورزشی است که داوری علیرضا فغانی را تحسین نکرده باشد.

بسیاری از خبرگزاری‌های ورزشی و گیورزشی، علیرضا فغانی را در فهرست کاندیداهای داوری برای مسابقه فینال جام جهانی مسکو ۲۰۱۸ قرار داده‌اند. شب گذشته، شنبه ۳۰ ژوئن، دیدار حساس فرانسه و آرژانتین که با حساب چهار بر سه به سود فرانسوی‌ها تمام شد، با سوت فغانی به پایان رسید. علیرضا فغانی در این مسابقات خوش درخشید و داوری بسیار خوبی در این مسابقات ارائه کرد. به همین دلیل یکی از داورانی است که ممکن است سوت آغاز و پایان مسابقه فینال جام جهانی مسکو ۲۰۱۸ را به صدا درآورد. در حال حاضر علیرضا فغانی داور

ایرانی و بیرون کوپرس از هلند و فلیکس بریچ از آلمان جزو داورانی هستند که مورد توجه ناظران قرار گرفته‌اند. کمتر گزارش و مفسر ورزشی بوده که داوری آنها را تحسین نکند. این در حالیست که علیرضا

رئیس فدراسیون فوتبال:

کسی را برای جانشینی کیروش در نظر نداریم



مهدی تاج و کارلوس کیروش

● این بگومگوها نباید تکرار شود.

مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال ایران در نخستین دیدار خود با کارلوس کیروش سرمربی تیم ملی پس از بازگشت تیم از روسیه گفت: با کیروش برای همکاری تا بازی‌های جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۹ به توافق رسیده‌ایم و به او قول داده‌ایم امکانات و نیازهای لازم برای موفقیت در این جام را برای او تأمین کنیم. من نیز کاملاً معتقدم که باید خواست‌های او را تا حد امکان فراهم سازیم چون با جشن و شادی نمی‌شود قهرمان جام ملت‌های آسیا شد.

تاج افزود ما نباید از رقابت آسیایی خود عقب بیفتیم. چین، کره جنوبی، استرالیا و ژاپن تا بن دندان مسلح هستند، بودجه‌شان هم از ما بیشتر است. ما همه مخارج تیم ملی را با ۴۵ میلیارد تومان اداره می‌کنیم. وی اضافه کرد برنامه‌های تیم ملی از سوی هیئت رئیسه سازمان لیگ ابلاغ شده و باشگاه‌ها آن را تأیید کرده‌اند بنابراین یک مربی در یک باشگاه حق ندارد مصوبه تأیید شده را زیر پا بگذارد و سازمان لیگ مسئول تمامی این موارد است و همه دست اندرکاران فوتبال باید برای موفقیت تیم ملی در این مسابقات همکاری کنند. با وزیر ورزش هم صحبت کرده‌ام و

قرار شده این خرد جمعی اجرا شود. در مورد دیدارهای آماده‌سازی برای جام آسیا قرار است با ژاپن و کره جنوبی بازی دوستانه داشته باشیم و برای بازی تمرینی با این دو کشور به کره جنوبی و ژاپن برویم که البته هزینه دارد. رفت و آمد به آنجا هم دو روز زمان می‌برد، انتظار داریم دولت به ما نگاه ملی داشته باشد، همانطور که در همه جای دنیا فوتبال از حمایت‌های دولتی برخوردار است ما منابع لازم را برای اجرای برنامه‌ها نداریم و اگر دولت می‌خواهد باز هم شادی مردم را ببیند باید هزینه کند. تاج درباره برگزاری بازی دوستانه با تیم ملی برزیل گفت: در این مورد مذاکرات مقدماتی صورت گرفته ولی دیدار تدارکاتی با برزیل در حال

برانکو سرمربی پرسپولیس:

جانشینی کیروش تعیین شده!



برانکو و کیروش

جنگ لفظی کارلوس کیروش سرمربی پرتغالی تیم ملی فوتبال و برانکو ایوانکوویچ سرمربی اهل کرواسی تیم پرسپولیس همچنان ادامه دارد.

آن دو هر از گاهی به دلایل گوناگون با یکدیگر مجادله می‌کنند. کیروش یک روز پس از بازگشت از بازی‌های جام جهانی روسیه انگشت اتهام و انتقاد را به سوی برانکو به عنوان یکی از کسانی که در کار آماده‌سازی تیم ملی کارشکنی نموده نشانه رفت و حالا برانکو در صدد پاسخگویی به سر مربی تیم ملی برآمده و به کیروش برچسب دروغگوئی می‌زند و ادعا می‌کند که وی به خاطر عدم نتیجه‌گیری در جام جهانی سعی دارد توجهات را منحرف کند!

سرمربی پرسپولیس می‌گوید حرف‌های کیروش را درباره اخلاقی در آماده‌سازی تیم ملی قبول ندارم و می‌دانم که او این روزها نگران است که دل‌پنج جایی او را بگیرد! برانکو به نشریه جوتارنی لیست چاپ کرواسی گفته، کیروش از دست ما عصبانی است. من چهار سال

سکوت کردم ولی حالا دیگر باید بطور مستقیم به گفته‌های او واکنش نشان دهم. همه می‌دانیم کیروش از کجا می‌آید در حالی که ما در کشوری با فرهنگ تحصیل کرده‌ایم، ایران در روسیه نشان داد بازیکنانی در سطح جهانی دارد اما از بدشانسی مربیانی از قبیل زلاتکو دالیچ ندارد. او ادامه داد که کیروش جلال حسینی کاپیتان پرسپولیس را برای بازی در تیم ملی دعوت نکرد چون کارشکنی می‌کنند با قدرت بایستد.

بازی‌های تنیس ویمبلدون: صعود نادال و جاکوچ، فدرر، سرینا و ونوس



رافائل نادال؛ ۵ ژوئیه ۲۰۱۸

۶ بر یک، ۶ بر ۲ و ۶ بر ۳ راهی دور سوم این رقابت‌ها شد. جاکوویچ در سومین دور با کایل ادمنوند تنیس‌باز انگلیسی مسابقه خواهد داشت. مارین چلیچ تنیس‌باز اهل کرواسی و قهرمان تورنمنت ۲۰۱۸ کوئینز کلاب لندن و سید سوم این گراند

جمهوری چک ۶ بر ۳ و ۶ بر ۳ باخت و با ویمبلدون خداحافظی کرد. ونوس ویلیامز ۳۸ ساله برنده پنج گراند اسلم ویمبلدون در یک بازی کم نقص از الکساندرا دولگرو ۴ بر ۶، ۶ بر صفر و ۶ بر یک برد و به دور سوم راه یافت.

● **شارپوا، کویتوا، آزارنکا و ماگاروزا قهرمانان پیشین ویمبلدون حذف شدند.**

راجر فدرر تنیس‌باز ۳۶ ساله سوئیس و ۸ بار برنده گراند اسلم ویمبلدون روز چهارشنبه با پیروزی



نواک جاکوچ



ونوس ویلیامز

اسلم در دور دوم بازی‌ها به گیدو پلا از آرژانتین باخت و از دور رقابت‌ها بیرون رفت. نیک کریوس تنیس‌باز جنجالی اهل استرالیا که مدتی عنوان «پسر بد» تنیس را یدک می‌کشید روز پنجشنبه باز با داور مسابقه که به او اخطار داده بود، درگیری لفظی پیدا کرد ولی سرانجام ۶ بر ۳، ۶ بر ۴ و ۷ بر ۵ بر هواس پیروز شد.

کی نیشی کوری تنیس‌باز ژاپنی برنارد تامیک از استرالیا را ۶ بر ۲، ۳ بر ۶، ۶ بر ۷ و ۶ بر ۵ حذف کرد. خوان دل پوترو تنیس‌باز اهل آرژانتین و قهرمان گراند اسلم آمریکا ۶ بر ۴، ۶ بر یک و ۶ بر ۲ فیلیسیانو لویز از اسپانیا را از دور این رقابت‌ها خارج نمود.

گاریبینه موگاروزا تنیس‌باز ۲۳ ساله اسپانیایی و قهرمان ویمبلدون سال گذشته در دومین دور مسابقه‌ها به ون یوتوانک تنیس‌باز بلژیکی نفر ۴۷ دختران جهان ۵ بر ۶، ۷ بر ۲ و ۶ بر یک باخت.

سیمونا هالپ نفر اول رده‌بندی تنیس زنان از رومانی سبستانی ژنگ تنیس‌باز چینی را ۷ بر ۵ و ۶ بر صفر مغلوب کرد.

سرینا خواهر کوچکتر ونوس و دارنده ۷ عنوان قهرمانی ویمبلدون نیز با غلبه بر ویکتوریا توموا ۶ بر ۴ و ۶ بر یک راهی دور سوم شد. او در سومین دور با تاتجانا ماربا یا کریستینا ملادوویچ تنیس‌باز فرانسوی به میدان خواهد رفت. نتیجه بازی دومینیک تیم تنیس‌باز اتریشی و نفر هفتم جهان مقابل بقتاتیس تنیس‌باز اهل قبرس که غالباً در فرانسه تمرین می‌کند در حالی که ۶ بر ۴، ۷ بر ۵ و ۲ بر صفر به سود تیم بود به دلیل ناراحتی دست بقتاتیس به نفع تیم پایان یافت. در بازی دیگر خاچانوف تنیس‌باز روس ۶ بر ۱، ۷ بر ۳، ۶ بر ۶ و ۷ بر ۵ دیوید فر تنیس‌باز اسپانیایی را شکست داد.

رافائل نادال نفر اول رده‌بندی تنیس مردان جهان و قهرمان ۱۷ گراند اسلم روز پنجشنبه با پیروزی بر میخائیل کوکاشکین تنیس‌باز اهل قزاقستان با حساب ۶ بر ۴، ۶ بر ۳ و ۶ بر ۴ به دور سوم این تورنمنت صعود کرد. نواک جاکوویچ برنده سه دوره بازی‌های ویمبلدون و نفر اول پیشین جهان از صربستان نیز با غلبه بر هوراکیو زبالوس از آرژانتین با حساب

بر لوکاس لاکو تنیس‌باز اهل اسلواکی و نفر هفتم مردان جهان با حساب ۶ بر ۴ و ۶ بر ۱ به سومین دور این تورنمنت راه یافت.

پترا کویتوا تنیس‌باز اهل جمهوری چک و برنده دو دوره بازی‌های ویمبلدون و نفر هشتم «سید» دختران، امسال ۶ بر ۴، ۴ بر ۶ و ۶ بر صفر به الیاکساندرا ساسنووویچ نفر پنجاهم دختران جهان از بلاروس باخت و از دور رقابت‌ها بیرون رفت. نظیر همین اتفاق برای ماربا شارپوا قهرمان پیشین این تورنمنت روی داد. او که قهرمانی ۵ گراند اسلم را در کارنامه خود دارد ۶ بر ۷، ۷ بر ۶ و ۶ بر ۴ مقابل ویتالیا دپالانکو مغلوب و حذف شد.

کارولین وژنیاکی تنیس‌باز ۲۷ ساله دانمارکی برنده گراند اسلم استرالیا در دور دوم از اکاترینا ماکارووا ۶ بر ۴، ۶ بر ۷ و ۵ بر ۳ شکست خورد. ویکتوریا آذرینکا تنیس‌باز اهل بلاروس و قهرمان گراند اسلم استرالیا روز چهارشنبه به کارولینا پلیسکووا از

غول‌کشی در جام جهانی روسیه:

پس از آلمان و آرژانتین، حذف اسپانیا بعد از پرتغال



و پرتغال در کنار ایران و مراکش، به مرحله یک چهارم نهایی نرسیدند. جام جهانی روسیه فرصتی برای غول‌کشی تیم‌های حاشیه‌نشین شده که کسی امید می‌بخشد به صعود آنها به مراحل بالاتر نداشت. در سایر بازی‌ها با حذف تیم‌های کلمبیان، دانمارک، مکزیک و سوئیس از گردونه مسابقات، تیم‌های برزیل، بلژیک، سوئد، کرواسی و انگلیس به دور بعد راه یافتند.

اسپانیایی‌ها را مهار کرد و در روزی که فیلیپ ششم پادشاه اسپانیا، مدوودف نخست وزیر روسیه و همسرش و جانی اینفانتینو رییس فیفا مهمان ویژه این دیدار بودند روسیه با این پیروزی شیرین به مرحله بعدی صعود کرد. دیروز هم تیم فوتبال اروگوئه توانست با نتیجه دو بر یک تیم پرتغال را شکست دهد و در بازی دوم، جدال پر گل فرانسه و آرژانتین با نتیجه چهار بر یک به سود فرانسوی‌ها تمام شد تا بعد از کریستیانو رونالدو رقیب همیشگی او لیونل مسی نیز با دیگر هم‌تیمی‌ها چمدان‌های خود را بسته و روسیه را ترک کنند.

بزرگترین اتفاق این جام تا امروز حذف یکی از شانس‌های قهرمانی یعنی تیم آلمان بود. یک نتیجه‌ی جالب هم تا حالا این بود که هیچ کدام از تیم‌های گروه معروف به «گروه مرگ» شامل اسپانیا

● **در روزی که پادشاه اسپانیا و نخست وزیر روسیه از نزدیک بازی را تماشا می‌کردند پنتالی‌ها هواداران و بازیکنان تیم میزبان را غرق در شادی کرد.**

در مرحله یک هشتم نهایی رقابت‌های جام جهانی ۲۰۱۸ روز شنبه، ۱۰ تیر، تیم فوتبال روسیه ناباورانه در ضربات پنتالی توانست تیم پر ستاره اسپانیا را از گردونه رقابت‌ها خارج کند. جام جهانی ۲۰۱۸ بدون مسی و رونالدو و ستارگان آلمان و اسپانیا ادامه می‌یابد. بازی روسیه و اسپانیا در ۱۲۰ دقیقه نفسگیر یک بر یک مساوی تمام شد و کار به ضربات پنتالی کشید. ستاره پنتالی‌ها کسی نبود جز ایگور آکنیف دروازه‌بان روسیه که دو پنتالی

معصومه ابتکار: حضور زنان در ورزشگاه‌ها ادامه خواهد داشت



در ورزشگاه آزادی؛ بازی ایران و اسپانیا

معاون حسن روحانی در امور زنان گفته است: خانم‌ها در روزهای اخیر دوبار در ورزشگاه صد هزار نفری مبارزه تیم ملی فوتبال ایران با تیم‌های اسپانیا و پرتغال را در نهایت نظم و آرامش تماشا کردند و بنابراین هیچ دلیلی وجود ندارد که این روند ادامه پیدا نکند. معصومه ابتکار به ایلنا گفته امیدواریم برای ورود بانوان به استادیوم‌ها بعد از این مشکلی پیش نیاید. آنها اوایل این هفته مسابقات جام ملت‌های والیبال را در تهران از نزدیک دیدند. او اضافه کرده اصولاً در هر مکان عمومی مانند پارک، سینما، تاتر، کنسرت، رستوران، رعایت یک سری شئون لازم است، ورزشگاه هم تفاوتی با مکان‌های دیگر ندارد.

او در مورد اظهارات دادستان کل جمهوری اسلامی و مخالفت او با راه دادن بانوان به ورزشگاه‌ها به دلیل کنار رفتن روسری زنان و نمایان شدن موی آنان در انتظار عمومی و رقصیدن هنگام شادی و تشویق تیم ایران مقابل پرتغال هم گفت: نظر

افراد متفاوت است ولی مهم این است که ما قانونی برای این مسئله نداریم. رفتن به ورزشگاه برای زنان خلاف شرع نیست ضمن آنکه شئون‌ها هم رعایت می‌شود. وی افزود فضای نشاط برای دختران و مادران باید فراهم شود این گروه هم

هدسار به جواد نکونام در صدا و سیمای جمهوری اسلامی: از بی‌آبی در خرمشهر چیزی نگو!



جواد نکونام و عادل فردوسی‌پور

جواد نکونام سرمربی نساجی و کاپیتان پیشین تیم ملی ایران در استودیو برنامه ۲۰۱۸ به عنوان کارشناس مسابقات جام جهانی حاضر شد تا بازی ژاپن و بلژیک را تحلیل کند.

نکونام در اینستاگرام خود در روایتی از این برنامه می‌نویسد: «اینکه از مردم خوزستان، از بی‌آبی، تشنگی زن و مرد و پیر و جوان و بچه‌هاشون بگیم و از مسئولان بخواهیم مشکلو حل کنن، چیز عجیبیه؟ واقعا عجیبه که از مسئولان بخواهیم برای کسانی که جنگیدن و جوشونو دادن تا مرز و بوم ما به دست دشمن نیفته فکری کنن؟ پریشب که به شبکه سوم و برنامه عادل فردوسی‌پور رفته بودم، بعد از خواهش من برای حل مشکل از استان خوزستان، دوستان با عادل فردوسی‌پور تماس گرفتن و گفتن به نکونام بگو... تو این چند روز تصاویر تلخ و باورنکردنی از وضع بد مردم خوزستان دیدم که تصمیم گرفتم جلوی دوربین عاجزانه از مسئولان بخوام فکری به حال بی‌آبی‌ها مردم رنج‌کشیده کنند. امیدوارم همین‌قدر که سریع

پهگیر بودن تا من حرفی درباره وضع مردم خوزستان ندم، به همین سرعت به راهکاری پیدا می‌کردن و واسه حل مشکل این مردم. اگه لازم باشه باز هم از مشکلات این مردم شریف حرف [حرف] می‌زنم. همینجا دوباره از مسئولان می‌خواهم فکری به حال این مردم کنن.» بحران آب در خوزستان جدی است و خیلی از هنرمندان و چهره‌های

ورزشی نسبت به این مسئله احساس مسئولیت کرده و واکنش نشان می‌دهند. بعضی‌ها پولی جمع کردند تا آب آشامیدنی به نواحی مختلف این استان ارسال کنند و برخی به مسئولان فشار می‌آورند فکری به حال اوضاع نکنند؛ ولی تا امروز از دولتی‌ها کسی به خوزستان سر نزده و انگار نه انگار که آن منطقه، آب، یعنی مایه‌ی حیات، ندارد!

دیپلماسی ورزش‌های تابستانی پس از موفقیت المپیک زمستانی



بدون تردید المپیک زمستانی پیونگ چانگ در کره جنوبی نقش بسیار موثری در خروج رهبر کره شمالی، خانواده او، مقامات و مسئولان آن کشور از لاک اسرارآمیز خود و معاشرت با دنیای خارج داشت.

آنچه مردم دنیا در ۷۰ سال گذشته از کره شمالی می‌دانستند به عکس‌ها و فیلم‌های رژه ارتش در مراسم ملی در میدان اصلی شهر پیونگ یانگ خلاصه می‌شد تا آنکه کمتر از یک سال پیش المپیک زمستانی پیونگ چانگ در کره جنوبی فرصتی طلایی در اختیار کیم جونگ اون رهبر در اروپا مدرسه رفته‌ی کره جنوبی که به گفته خودش جهان‌بینی و افق‌های روشنتری نسبت به پدر و پدر بزرگش دارد قرار داد تا با عذری موجه یعنی حضور در بازی‌های المپیک در کره جنوبی که سال‌ها در شرایط جنگی با آن بسر می‌برد باب رفاقت و رفت و آمد را با جهان آزاد باز کند. کره شمالی در المپیک زمستانی به عنوان یک رویداد جهانی حضور یافت. ورزشکاران آن کشور با همتایان کره جنوبی و کپی‌تالیست خود زیر یک پرچم رژه رفتند. هاکی‌بازان دو کشور در قالب یک تیم با رقیبان‌شان مسابقه دادند. در مراسم پایانی بازی‌ها نیز هیأت بلندپایه دیگری از پیونگ یانگ در جایگاه مخصوص نشست و از آن پس به قول معروف سر قرقره باز شد و از لطف المپیک زمستانی کیم جونگ اون بعد از سال‌ها انزوا پای خود را از چهارپایوری کره شمالی بیرون گذاشت.

او چند بار به ناحیه مرزی دو کره رفت. سه بار به چین سفر کرد و برای دیدار با دونالد ترامپ به سنگاپور رفت و قرار است به زودی به مسکو سفر کند. در حال حاضر هم این دید و بازدیدها در سطح مقامات پیونگ یانگ و ژنرال‌های آن و همکاران کره جنوبی و آمریکایی آنها از سنول، واشنگتن و نیویورک ادامه دارد.

مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا تا کنون سه بار در پیونگ یانگ با رهبر کره شمالی دیدار و گفتگو کرده و در جریان ملاقات کیم جونگ اون و دونالد ترامپ در سنگاپور خط تلفن مستقیم میان آن دو برقرار شد. حالا کره جنوبی تصمیم گرفته تا بارش مجدد برف در پیونگ چانگ برای معاشرت بیشتر با همسایه شمالی از ورزش‌های تابستانی استفاده کند و در شروع این برنامه روز سه‌شنبه این هفته کاروان بزرگی از بازیکنان چند تیم بسکتبال آن

کشور را روانه پیونگ یانگ کرده است. بسکتبال ورزش مورد علاقه رهبر کره شمالی است و همه از دوستی نزدیک او با دنیس رادمن بسکتبالیست معروف آمریکایی بازیکن پیشین تیم شیگاگو بولز خبر دارند.

در تیم کره شمالی ری میونگ هون با ۲۳۵ سانتیمتر قد بلندترین بازیکن جهان است. قرار است تیم‌های بسکتبال کره جنوبی چند مسابقه با تیم‌های کره شمالی در شهرهای مختلف برگزار کنند. آخرین بار تیم‌های بسکتبال کره شمالی و جنوبی در سال ۲۰۰۳ به مناسبت افتتاح یک سالن ورزش که از سوی شرکت هیوندای کره جنوبی در پیونگ یانگ ساخته شده بود به کره شمالی رفتند.

قرار است تیم بسکتبال کره شمالی به کره جنوبی سفر کند و مسابقات دیگری نیز در فوتبال، والیبال و هاکی بین تیم‌های ملی دو کشور برگزار شود.

دیدار مسعود شجاعی با بسیجی‌ها و اهدای سه دستگاه آب‌شیرین کن



● شجاعی در نشست با اعضای بسیج دانشگاه «شهید چمران» درباره سوی خودش مطرح شده بود، صحبت کرد و در نهایت طرفین به این نتیجه رسیدند که هدف اصلی هر قشر و تفکری کمک به هموطنانی است که با شرایط سخت موجود دست و پنجه نرم می‌کنند.

مسعود شجاعی کاپیتان خوزستانی تیم ملی فوتبال این روزها بیش از گذشته به وضعیت بدی که مردم به ویژه از نظر معیشت گرفتار آن هستند اعتراض می‌کند. نتیجه این اعتراض‌ها افزایش محبوبیت او در بین اکثریت معترض و شنیدن توهین و تهدید از سوی تندروهاست.

با این حال او کار خودش را می‌کند از جمله برای آگاه ساختن دلوآبسانی که دست‌کم اهل چند دقیقه شنیدن هستند. نبود آب شیرین در شهرهای جنوبی از جمله آبادان و خرمشهر این فوتبالیست را به خوزستان کشانده است.

خبرگزاری تسنیم نزدیک به سپاه در مورد این سفر نوشته بسیج دانشجویی دانشگاه شهید چمران اهواز در نامه‌ای

از شجاعی خواست که با توجه به دغدغه‌هایش، در مناطق محروم حضور یابد، اقدامی که با پاسخ مثبت بازیکن تیم ملی روبرو شد و او اعلام کرد که هرچه زودتر هماهنگی‌های لازم را انجام داده و به مناطق محروم خواهد آمد. شجاعی پوستر «گروه جهادی شهید چمران» اهواز را به‌منظور کمک به مردم خوزستان در صفحه شخصی‌اش قرار داد و از آنها تشکر کرد.

شجاعی چهارشنبه، به دفتر بسیج دانشجویی دانشگاه «شهید چمران» اهواز رفت و پس از گفتگو در خصوص کمک به خرمشهر و آبادان، اعلام کرد که مبلغی به‌عنوان کمک از سوی

اعضای تیم ملی فوتبال پرداخت می‌شود. همچنین سه دستگاه آب‌شیرین‌کن نیز در اختیار مناطق محروم قرار داده خواهد شد. شجاعی تأکید کرده که این کمک‌ها از طرف شخص او نیست و از طرف بازیکنان تیم ملی است. شجاعی که اصلاً آبادانی است، در نشست با اعضای بسیج دانشگاه «شهید چمران» درباره بسیاری از مسائل که از سوی خودش مطرح شده بود، صحبت کرد و در نهایت طرفین به این نتیجه رسیدند که هدف اصلی هر قشر و تفکری کمک به هموطنانی است که با شرایط سخت موجود دست و پنجه نرم می‌کنند.

پیشنهاد تیم‌های آلمان، اسپانیا و ایتالیا به بیرانوند



علیرضا بیرانوند دروازه‌بان ایران ضربه پنالتی کریستیانو رونالدو را مهار می‌کند؛ ۲۵ ژوئن ۲۰۱۸

علیرضا بیرانوند دروازه‌بان خرم‌آبادی تیم پرسپولیس با مهار ضربه پنالتی کریستیانو رونالدو و نمایش کاملاً چشمگیر در سه بازی ایران مقابل تیم‌های اسپانیا، پرتغال و مراکش در جام جهانی روسیه مورد توجه چند تیم در ایتالیا، اسپانیا و آلمان قرار گرفته است.

بیرانوند مدتی قبل قرارداد خود را تا سال ۱۴۰۰ با باشگاه پرسپولیس تمدید کرد زیرا پیش‌بینی نمی‌کرد در جام جهانی بدرخشد و پیشنهادات جالب از تیم‌های صاحب نام دنیا دریافت کند.

قرار است وی هفته آینده در بازگشت از خرم‌آباد که به گفته خودش در ایام نوجوانی در آن منطقه چوپانی می‌کرده است، در جلسه‌ای با مسئولان باشگاه پرسپولیس در مورد آینده خود، ادامه کار یا جدا شدن از این باشگاه گفتگو خواهد کرد. در حال حاضر از یک سو مهلت خرید بازیکن برای پرسپولیس به پایان

رسیده و این تیم فرصت جایگزین کردن بیرانوند را ندارد و از طرف دیگر وی قطعاً به یک پیشنهاد جالب در تیم‌های خارجی پاسخ مثبت خواهد داد. آینده خوبی برای او پیش‌بینی لحظاتی پس از آنکه بیرانوند مانع

ورود ضربه پنالتی رونالدو بازیکن تیم پرتغال به دروازه ایران شد، رسانه‌های پرتیتر و پرسنل و پربیننده دنیا جرأت و مهارت بیرانوند را ستودند و آینده خوبی برای او پیش‌بینی نمودند.

اوزان مسابقات وزنه‌برداری تغییر کرد



هیأت اجرای فدراسیون جهانی وزنه‌برداری روز پنجشنبه در تاشکند ازبکستان با حضور دکتر تاماش آیان رئیس فدراسیون جهانی تشکیل جلسه داد.

در این جلسه تغییر وزن‌های این ورزش در مسابقات المپیک جهانی به تصویب رسید و از این پس رقابت‌های قاره‌ای و بین‌المللی جهانی برای زنان و مردان در ۱۰ وزن و بازی‌های المپیک در ۷ وزن انجام می‌گیرد.

ده وزن آقایان چنین است: ۵۵، ۶۱، ۶۷، ۷۳، ۸۱، ۸۹، ۹۶، ۱۰۲، ۱۰۹ و ۱۰۹+ کیلوگرم.

ده وزن خانم‌ها هم از این قرار است: ۴۵، ۴۹، ۵۵، ۵۹، ۶۴، ۷۱، ۷۶، ۸۱، ۸۷ و ۸۷+ کیلوگرم.

هفت وزن مردان در المپیک عبارتند از: ۶۱، ۶۷، ۷۳، ۸۱، ۹۶، ۱۰۹ و ۱۰۹+ کیلوگرم.

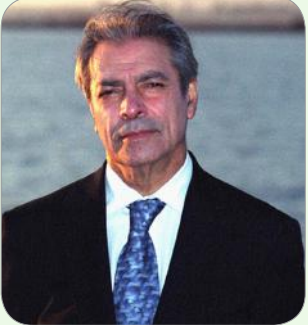
هفت وزن دختران نیز در المپیک به این صورت است: ۴۹، ۵۵، ۵۹، ۶۱، ۶۷، ۷۳، ۸۱، ۸۷ و ۸۷+ کیلوگرم.

۶۱، ۶۷، ۷۳، ۸۱، ۸۹، ۹۶، ۱۰۲، ۱۰۹+ کیلوگرم.

در رده نوجوانان نیز از این پس در مسابقه‌های قاره‌ای، بین‌المللی و جهانی تغییراتی به این شکل دیده می‌شود:

در رده دختران نوجوان: ۴۰، ۴۵، ۴۹، ۵۵، ۵۹، ۶۴، ۷۱، ۷۶، ۸۱، ۸۱+ کیلوگرم.

در رده پسران نوجوان: ۴۹، ۵۵، ۶۱، ۶۷، ۷۳، ۸۱، ۸۷ و ۸۷+ کیلوگرم.



داریوش همایون
(۵ مهر ۱۳۰۷، تهران - ۸ بهمن ۱۳۸۹، ژنو)

خود بر جای گذاشت که بنا بر شرایط موجود در خاورمیانه، بسیاری از آنها همچنان معتبرند و گویی همین امروز نگاشته شده‌اند. مقالات قدیمی‌وی در دهه‌های سی تا پنجاه خورشیدی همچنین بازتاب مستند موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران هستند. از همین رو ما به بازنشر گلچینی از آثار داریوش همایون می‌پردازیم که در سال‌های تبعید پس از انقلاب ۵۷ با کیهان لندن نیز همکاری نزدیک داشت. مقالاتی که در این ستون می‌خوانید، از آرشیو کیهان لندن انتخاب شده‌اند.

داریوش همایون روزنامه‌نگاری برجسته، نظریه‌پردازی جستجوگر و نوچو، و سیاستمداری ملی‌گرا و میهن‌دوست بود که بر نقش موثر ایران در مناسبات منطقه‌ای و جهانی آگاهی داشت. وی سال‌های طولانی در روزنامه‌های معتبر ایران قلم زد و از بنیانگذاران اصلی روزنامه‌ی «آیندگان» بود که صفحه‌های نوین در تاریخچه‌ی روزنامه‌نگاری ایران گشود. همایون مهارت روزنامه‌نگاری و تسلط خود بر زبان فارسی را با ایده‌های سیاسی خویش در هم آمیخت و از دهه‌ی ۳۰ خورشیدی به این سو، نوشته‌هایی از

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۷۶)

نازشر

(کیهان لندن شماره ۱۲۵۷)

احمد احرار

از طرف دیگر، نخست‌وزیر بر این عقیده است که بازگشت اعلی حضرت به ایران، آن هم در این موقع حساس، جو سیاسی تهران را بی‌نهایت وخیم و آشفته خواهد ساخت و کار به جایی خواهد کشید که ایشان دیگر نتوانند در سمت فعلی خود به عنوان نخست‌وزیر باقی بمانند...

خود من با نظر نخست‌وزیر موافقم که از نظر مصالح مشترک ایران و انگلیس بهتر است که معظم‌له چند ماهی دیگر در اروپا بمانند و با مراجعت به ایران اوضاع آشفته این کشور را آشفته‌تر نسازند...

با دریافت این تلگراف، لرد کرزن دست به کار شد و سفیر انگلستان در فرانسه را مأمور کرد با کمک نصرت‌الدوله، به هر گونه مقتضی است احمدشاه را از فکر بازگشت منصرف کند.

در تلگرافی محرمانه به تاریخ ۱۳ آوریل، لرد داری به لندن گزارش داد: «امروز شاهزاده فیروزمیرزا (نصرت‌الدوله) را ملاقات و با تأکید به وی خاطر نشان کردم که به علل و ملاحظات صحتی بهتر است اعلی حضرت حرکت خود را به ایران تا پایان فصل گرما به تأخیر اندازند. خود حضرت والا کاملاً با این امر موافق بود و قول داد متنتهای سعی خود را در این

است دولت انگلستان به دولت ایران دستور دهد که این مبلغ را مستقیماً به حساب نصرت‌الدوله در پاریس واریز کنند تا به مصارف لازم سفر برسد اما اگر سرانجام تصمیم بر این شد که ایشان از راه بغداد - کاظمین - کرمانشاه به تهران بازگردند در آن صورت پول بیشتری مورد نیاز خواهد بود زیرا به‌عنوان پادشاه ایران ناگزیرند به زیارت عتبات عالیات هم بروند و این خود هزینه‌های جنسی را ایجاب می‌کند. اعلی حضرت یادآور شد که پدر بزرگش ناصرالدینشاه زمانی که به سفر عتبات رفت در حدود ده میلیون فرانک خرج کرد ولی خود ایشان تصمیم ندارند مخارجی در این حدود متحمل شوند و حد اقل مخارجی که مجموعه سفر، به دلیل رعایت شؤون پادشاهی، در بر خواهد داشت یک میلیون فرانک است... شاه می‌فرمود چندین تلگراف در همین موضوع برای نخست‌وزیر فرستاده ولی پاسخی دریافت نکرده است، از این رو، با تأکید از من خواست فوریت مسأله را به لندن تفهیم و درخواست کنم که در این باره تصمیم‌گیری کنند و اطلاع بدهند کدام یک از دو مسیر پیشنهاد شده برای مراجعتشان مناسبتر است. راجع به مخارج مسافرت هم درخواست اعلی حضرت این است که عالیجناب (لرد کرزن) مستقیماً به وثوق‌الدوله

احمدشاه در اواسط خردادماه ۱۲۹۹ به تهران بازگشت. این هم شکست دیگری بود برای وثوق‌الدوله که یقین داشت با مراجعت شاه به کشور، مخالفان قرارداد او را با خود همراه و به جبهه‌گیری در برابر دولت وادار می‌کنند.

هدف وثوق‌الدوله این بود که شاه تا اواخر پاییز در اروپا بماند و زمانی که کشور باز گردد که موجبات تصویب قرارداد از هر جهت فراهم گشته باشد. برای این منظور، از دولت انگلیس نیز کمک خواست و همین، احمدشاه را به تعجیل در بازگشت مصمم ساخت زیرا تصور می‌کرد توطئه‌ای به‌قصد برکناری او در میان است.

در نخستین روزهای فروردین (۱۳م مارس ۱۹۲۰) لرد داری سفیر انگلیس در پاریس به درخواست احمدشاه او را در هتلی که اقامت داشت ملاقات کرد و در گزارشی که بلافاصله برای لرد کرزن فرستاد نوشت: «... شاه به‌شرح مشکلاتی پرداخت که در موضوع بازگشت به ایران با آن روبرو شده است. به‌گفته شاه، دولت وثوق‌الدوله انواع موانع و محذورات را عمداً پیش آورده است تا او نتواند به کشورش بازگردد. پس از این مقدمه به مطلبی پرداخت که لازم دیده بود درباره‌اش با من مذاکره کند، یعنی چگونگی بازگشتش به ایران. از مجموع مذاکراتی که با هم



احمدشاه قاجار در میدان اسب دوانی پاریس

موضوع به خرج دهد». اما، در تلگراف بعدی، سفیر انگلیس در فرانسه به لرد کرزن اطلاع داد که از تلاش خود نتیجه نگرفته است: «پرنس فیروز به من اطلاع داد که شاه لجوجانه بر تصمیم خود ایستاده است که باید هرچه زودتر به ایران بازگردد. معظم‌له ظاهراً این عقیده را پیدا کرده است که این همه اشکالتراشی و موانع پی‌درپی که مقامات انگلیسی در راه بازگشتش به ایران ایجاد می‌کنند خود دلیل محکمی است بر این که می‌خواهند از وجودش در ایران خلاص شوند.

گاهی می‌گوید اگر از مراجعتش جلوگیری شود استعفا خواهد کرد. گاهی می‌گوید اگر انگلستان وسایل مراجعتش را فراهم نکند از فرانسه یا آمریکا درخواست خواهد کرد وسیله نقلیه دریایی در اختیارش بگذارند تا محتاج انگلیسی‌ها نباشد. به نظر پرنس فیروز بهتر آنست که ما مخالفت نکنیم و بگذاریم شاه طبق همان برنامه‌ای که در نظر گرفته است اول ماه مه از بندر ماریس به سوی ایران حرکت کند... بدین سان، احمدشاه و همراهان در ۲۸ آوریل ۱۹۲۰ از بندر ماریس (جنوب فرانسه) با کشتی مسافری متعلق به یک شرکت انگلیسی عازم ایران شدند و پس از زیارت کربلا و نجف و کاظمین، روز دوم ژوئن (۱۳ خرداد) به تهران بازگشتند.

تلگراف فرماید که وجوه مورد نیاز را تهیه و فکر ایشان را از این جهت آسوده کنند».

در همین حال، وثوق‌الدوله نیز از طریق وزیرمختار انگلیس در تهران خواستار آن بود که دولت انگلستان به هر ترتیب مقتضی و مناسب تشخیص می‌دهد، شاه را از قصد بازگشت فوری به کشور منصرف کند. سر پرسی کاکس در تاریخ ۹ آوریل ۱۹۲۰ (بیستم فروردین ۱۲۹۹) تلگرافی با قید «فوق‌العاده مهم و فوری» به لندن مخابره کرد و تقاضای وثوق‌الدوله را به اطلاع وزیر امور خارجه رسانید: «جناب اشراف وثوق‌الدوله از من خواسته است درباره موضوع بازگشت اعلی حضرت به ایران و مسیریایی که ممکن است انتخاب کند با عالیجناب تماس فوری بگیرم و مشکلاتی را که ورود ایشان به ایران در این موقع نامناسب ایجاد خواهد کرد، به نظراتان برسانم.

بنا بر آخرین اخبار رسیده به تهران، اعلی حضرت خیال دارند در اواخر ماه آوریل خاک فرانسه را ترک گفته در عرشه یکی از ناوچه‌های ما رهسپار ایران شوند. طبق این برنامه، موقی که اعلی حضرت به خلیج فارس می‌رسند ماه ژوئن آغاز شده است و تحمل گرمای شدید خلیج فارس در این موسم سال برای شخصی به وزن و تنومندی و حالت مزاجی ایشان فوق‌العاده دشوار و خطرناک است.

داشتم به این نتیجه رسیدیم که برای بازگشت اعلی حضرت دو مسیر وجود دارد. یکی راه قفقاز و بادکوبه و انزلی است و دیگر، راه بصره و بغداد و خانقین و کرمانشاه. خود اعلی حضرت راه قفقاز را ترجیح می‌دهد که راه کوتاهتری است با آب و هوای معتدلتر و سازگارتر با مزاج ایشان. اما با توجه به شرایط کنونی روسیه، مسافرت از این طریق خالی از خطر نیست. این راه را در صورتی انتخاب خواهد کرد که امنیت جان و مالش را دولت انگلیس تضمین کند. اما در خصوص راه دیگر، نظر اعلی حضرت این بود که اگر بنا باشد از این طریق بازگردد باید هرچه زودتر حرکت کند تا قبل از فرا رسیدن تابستان و شدت گرفتن گرما در آن نواحی خود را به ایران برساند. در غیر این صورت مجبور خواهد بود سفرش را شش ماه به‌تأخیر بیندازد و غیبت طولانی او در این دوران برای کشورش خطرناک است زیرا تمایلات بالشویکی رفته‌رفته دارد در ایران آشکار می‌شود و ممکن است به آن درجه برسد که راه را برای روی کار آمدن یک رژیم کمونیستی هموار سازد».

در ملاقات با لرد داری، احمدشاه از هزینه سفر نیز سخن گفته بود: «در مورد هزینه سفر، شاه می‌فرماید از هر کدام از این دو راه که به ایران بازگردد مخارجش کمتر از چهارصد هزار فرانک خواهد شد. لذا مایل

سیاست پدر و مادر می خواهد

کیهان لندن شماره ۱۱۳۷ - ۳۰ آذر ماه ۱۳۸۵

نازشر

فرق دارد) بسر بریم؟ آیا کسان را به سبب گذشته سیاسی شان به زندان می‌اندازیم؟ آیا سازمان‌های سیاسی مخالف خود را غیر قانونی می‌کنیم و راه فعالیت سیاسی را بر آنها می‌بندیم یا به مخالفان خود به اندازه خودمان آزادی سخن می‌دهیم؟ آیا به «هرکس یک رای یکبار» اعتقاد داریم یا می‌پذیریم که مردم می‌توانند نظر خود را تغییر دهند و آنکه امروز اکثریت دارد می‌تواند فردا در اقلیت بیفتد و اقلیت می‌باید امکان آن را بیابد که اکثریت شود؟ آیا فردا می‌خواهیم ۲۸ مرداد یا ۲۲ بهمن را همچون سند محکومیت بکاربریم و بهانه بی بهره ساختن کسان از حقوق مدنی سازیم؟ (فراموش نمی‌باید کرد که ۲۲ بهمن هم هست، اگر چه به اندازه رویداد دیگر به رخ کشیده نمی‌شود.) نیاز به تذکر ندارد که در

اخلاقی بدهیم به پدید آمدن یک فرهنگ سیاسی تازه کمک خواهیم کرد که جامعه بزرگ‌تر ایرانی را نیز به کار خواهد آمد. کسانی می‌توانند این سخن درست را تکرار کنند که سیاست بی قدرت معنی ندارد، ولی اجتماع سیاسی تبعیدی با سیاست قدرت به جایی نرسیده است و نمی‌تواند برسد - به این دلیل ساده که قدرت در ایران است و او در ایران نیست. در بحثی از بهبودی پویا قدرت و بیرون آمدن از سودای پیش افتادن یا واپس ماندن، یکی از دوستان چپ اعتراض کرد که فلان شخصیت اگر حتی راه برود برایش تبلیغی است. ولی در اینهمه سال‌ها و با اینهمه تبلیغ‌ها باز ما همگان در کجائیم؟ حتی یک نام مشهور در این دورافتادگی از صحنه واقعی، تا اندازه معینی کار می‌کند. از این گذشته اگر پای

زبان فارسی در ضرب المثل‌های ویرانگر خود، ویرانگر فرهنگ و جامعه، ضرب المثل است: من نوکر بادمجان نیستم؛ دستی که به دندان نتوان برد بیوس؛ هر که در است ما دالانیم؛ سیلی نقد به از حلوی نسیه است؛ ما با کسی شیر نخورده ایم؛ دیگی که برای من نجوشد ... مردم ما برای آنکه اخلاق و استواری منش (کاراکتر) را از زندگی خود بیرون ببرند از این دستور عمل‌های جایگرفته در ژرفای فرهنگ و روان ایرانی فراوان دارند. از این میان «سیاست پدر و مادر ندارد» یکی از خطرناکترین و رایج‌ترین است. سیاست که از جمله ریشه در فرهنگ دارد، اخلاق و فرهنگ و جامعه را می‌سازد و پیداست از سیاستی که پدر و مادر ندارد، یعنی در یک خلاء اخلاقی ورزیده می‌شود، چه در می‌آید. (عوامل اقتصادی و نفوذ



آزادمنش‌ترین کشورها نیز گروه‌های فاشیستی و تروریستی که در کنار دشمن با میهن خود جنگیده‌اند و از این ارباب بیگانه به خدمت آن ارباب بیگانه در می‌آیند، همچنانکه گروه‌های مسلح، اجازه فعالیت سیاسی ندارند و از مقوله ما بیرون‌اند. در باره آثار پرده‌های این سیاست تازه که می‌خواهد پاره‌های کمبودهای بنیادی جامعه سیاسی ایران را برطرف سازد مبالغه نمی‌توان کرد. حتی جامعه‌ای فرورفته در نیهیلیسم را، که اندک اندک وصف حال ایران است، می‌توان با نشان دادن سرمشق‌های والائی بهتر کرد. بی اعتقادی و ناراستی و بی اخلاقی پرده‌هاست، جانی که ما هستیم را می‌آورد. از همین روست که شرافتمندی و درستی و پابندی به اصول در میان ایرانیان بیش از جامعه‌های سالم‌تر ستایش انگیز است. می‌توان از جاهائی که وسوسه زیر پا گذاشتن ارزش‌های اخلاقی عقیده را به عنوان واقعیت زندگی پذیرفتن، ارج گفتار درست و کردار بجای آن که هر سو باشد دانستن، و ادب سیاسی را رعایت کردن - در یک کلام از فضای قبیله ای به سپهر شهروندی درآمدن.

پیش افتادن نیز در میان باشد، بیرون آمدن از فضای راکد بیست سی ساله گذشته استراتژی بهتری خواهد بود. گروه‌های مخالفان اگر بجای اولویت دادن به قدرت سیاسی دورتر اندکی در پی اعتبار اخلاقی در دسترس‌تر باشند در چشم دوست و دشمن بهتر جلوه خواهند کرد. اعتبار اخلاقی در اینجا به معنی متفاوت بودن هر چه بیشتر از روحیه بسیجی و حزب اللهی است که گوئی همه پلیدی فرهنگ و سیاست و جامعه را در خود آورده است. * * *

زمینه اصلی دگرگونی در سیاست و فرهنگ، رویکرد به دگراندیشان است - همان دشمنان پیشین که پرده‌هاست، جانی که ما هستیم را می‌آورد. از همین روست که شرافتمندی و درستی و پابندی به اصول در میان ایرانیان بیش از جامعه‌های سالم‌تر ستایش انگیز است. می‌توان از جاهائی که وسوسه زیر پا گذاشتن ارزش‌های اخلاقی عقیده را به عنوان واقعیت زندگی پذیرفتن، ارج گفتار درست و کردار بجای آن که هر سو باشد دانستن، و ادب سیاسی را رعایت کردن - در یک کلام از فضای قبیله ای به سپهر شهروندی درآمدن. آنچه گروه‌های بزرگی از ایرانیان فرهیخته و با انگیزه در بیرون ایران می‌کنند نموداری از نظامی است که به جای جمهوری اسلامی می‌خواهند. ما فردا در ایران خیال داریم در چه نظام سیاسی (که با شکل حکومت پادشاهی یا جمهوری

خارجی در شکل دادن سیاست موضوع دیگری است.) ما ناپاکی و دروغ را در سیاست خود مسلم می‌گیریم زیرا در زندگی شخصی نیز پیمان شکنی و دورویی را از مقوله زرنگی می‌شماریم. تنها سیاست ما نیست که پدر و مادر ندارد. تا هنگامی که زرنگی در تعبیر زشت خود برای ما فضیلتی باشد به عنوان یک جامعه محکوم به تحمل شرایطی هستیم که جامعه‌هایی با زرنگی کمتر و خردمندی بیشتر لحظه‌ای زیربارش نمی‌روند. اما در اینجا سخن از درس بیهوده اخلاق نیست.

بن بست سیاست ایران را می‌باید از جایی گشود یا آغاز به گشودن کرد. بن بست سیاست به این معنی است که انرژی اجتماعی بجای ساختن و پیش رفتن در رکود و ویرانگری و واپس رفتن صرف شود؛ نیروهای بجای آنکه برهم انباشته شوند یکدیگر را خنثی کنند؛ موفقیت و پیش افتادن تحمل نشود. این بن بست در تمامیتش، در سطح جامعه، چنان گسترده و ژرف است که دستی هم به آن نمی‌توان زد. ما ناگزیریم از جای کوچک تر آغاز کنیم - از اجتماع کوچک سیاسی تبعیدی. سبب آن است که اجتماع تبعیدی آزادترین بخش جامعه ایرانی است، هم از سرکوبگری رژیم، هم از رقابت بر سر پول و مقام. این هردو به او آزادی عملی می‌دهد که دگرگونی رویکرد را آسان‌تر می‌کند. اگر ما بتوانیم اندکی اولویت را از پویا قدرت به عامل

گذاشتن چنان سرمشق عملی، بزرگترین خدمتی است که سیاستگران تبعیدی می‌توانند به بهکرد سیاست ایران بکنند.

خورخه لوئیس بورخس گاهی ساکت، گاهی پر حرف!

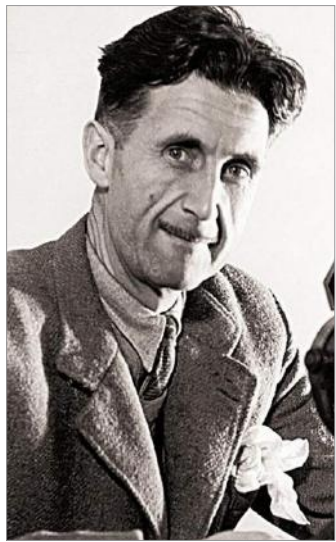


سرش را بالا می‌گرفت و مستقیم به روبه‌رو زل می‌زد؛ انگار نه انگار که نابیناست. شبیه مکبث به نظر می‌رسید. دست‌هایش را به عصایش تکیه می‌داد. می‌توانست ساعت‌ها، همین‌طور زل زده اما اگر کسی از او سؤال می‌کرد یا به حرفش می‌گرفت، دیگر نمی‌شد جلو حرف زدنش را گرفت. عاشق حرف زدن بود. می‌توانست درباره مداد دم دستش، ۲ ساعت تمام حرف بزند و از گنجینه عظیم کتاب‌هایی که قبل از نابینایی، به ۶ زبان خوانده بود، قصه‌ها و شعرها و حکایات مرتبط نقل کند. بیشتر از حرف زدن، عشق کتاب و کتاب خواندن داشت. خودش می‌گفت بیشتر از هر کس دیگری در آمریکای جنوبی کتاب خوانده. وقتی که نابینا شد، دور و بری‌هایش می‌گفتند او تنها به این خاطر ازدواج کرد که همسرش برایش کتاب بخواند! بهترین کتاب‌های عمرش، «دایره‌المعارف بریتانیکا»، «هزار و یک شب» و «انجیل» ترجمه رادکلیف (اولین مترجم انجیل به لاتین) بودند. جز کتاب، عاشق نقشه‌جغرافیایی هم بود. از ساعت شنی، هزار تو و شکل هرم لذت می‌برد. شعر می‌گفت و دوست

بد نیست بدانید

- والت دیسنی خالق کارتون موش و گربه (تام و جری) خودش از موش می‌ترسید!
- تنها شاه ورق بازی که ریش ندارد، شاه دل است
- سیب از قهوه برای بیدار نگه داشتن تأثیرگذارتر است
- از مایع درون نارگیل کاملاً نرسیده می‌توان به عنوان پلاسمای خون استفاده کرد
- هیچ کاغذی را نمی‌توان بیش از ۷ بار تا کرد
- آمار کشته شدن افراد با لگد الاغ و دیگر چهارپایان در برخی از کشورها از سقوط هواپیما و کشته شدن توسط کوسه بیشتر است
- کالری مصرفی توسط افراد برای خوابیدن از نگاه کردن تلویزیون بیشتر است
- برخی از درخت‌های تیره بلوط تا سنشان از ۵۰ سال نگذرد، میوه نمی‌دهند
- اولین خط‌های موازی کالاهای استاندارد روی آدامس ریگلی گذارده شد
- شرکت هواپیمایی آمریکن ایرلاین در سال ۱۹۸۷ میلادی با حذف چند عدد زیتون از غذای مسافران سالانه ۴۰ هزار دلار صرفه‌جویی کرد
- ونوس تنها سیاره‌ای است که جهت حرکتش در جهت حرکت عقربه ساعت است
- اولین صاحب و بنیانگذار کمپانی دخانیات «مالبرو» از سرطان ریه درگذشت
- مروارید در سرکه حل می‌شود
- یک گاو را می‌توان از پله بالا برد ولی بردن آن روبره پایین غیرممکن است!
- صدای اردک اکو ندارد، علتش را کسی نمی‌داند
- زرافه کاملاً لال است و تار صوتی ندارد

خالق مزرعه حیوانات



جورج ارول



مزرعه حیوانات

تأمل برانگیزتر است که عمده بحث نیز حول آن صورت می‌گیرد.

روش شناسی جورج ارول ارول نویسنده‌ای عمیقاً انفرادی و درونگراست، همانطور که بایسته فردی چون اوست. چنانکه خود می‌گوید: «احساس می‌کردی که تو را از حق مسلم خودت محروم داشته‌اند. واقع امر اینکه تا آنجا که به یادداشت تفاوت چندان چندان فاحشی در روند امر نبود، هیچوقت غذای کافی برای خوردن نبود. جوراب و لباس زیر پر از سوراخ بود و اثاثیه‌ها همواره زهوار در رفته، اتاق‌ها پر حرارت، قطارهای زیرزمینی شلوغ، خانه‌ها در حال ویرانی، نان به رنگ تیره.»

ارول نویسنده‌ای است که در تمام آثارش به یک موضوع نظر داشته است: سیاست؛ آن هم در زمانه‌ای که همه چیز با تغییر ماهوی معنا در ناسامانی محض فرو رفته؛ عصر جنگ‌های جهانی، دوران تصادم ایدئولوژی‌هایی که در نهایت با مرگ ایدئولوژی، خود ایدئولوژی تازه‌ای را فراهم آورد؛ عصر بی‌یقینی.

منتشره حکایت از قرار گرفتن این اثر در فهرست پرفروشترین کلاسیک‌های ۲۰۰۲، دارد. تا اینکه بین سال‌های ۳۷ - ۱۹۳۵ مصادف با رویدادهایی چون به حکومت رسیدن هیتلر در آلمان، جنگ‌های داخلی اسپانیا و... به اذعان خویش از بی‌تصمیمی درآمد و راه خویش را در زندگی شناخت؛ مسیری که او را به عنوان نویسنده‌ای یگانه، جاودان نگهداشته است: «هر خطی از نوشته‌های جدی من که از ۱۹۳۶ تا کنون به رشته تحریر درآمده به گونه‌ای مستقیم یا غیر مستقیم علیه نظام توتالیتر و به خاطر نخله اجتماعی انسان‌گرایانه بوده است. وی در سال ۱۹۴۸ پس از پایان نگارش آخرین کتاب خویش درگذشت. دو اثر گران سنگ «مزرعه حیوانات» (Animal Farm) و «۱۹۸۴» از او به یادگار مانده است. نوشتار حاضر نیز بیشتر به تحلیل این دو متن اتکا دارد. اگر چه به سبب انتشار ترجمه‌های مختلف، سادگی و بی‌پیرایگی اثر و حجم اندک، مزرعه حیوانات به نسبت کتاب دیگر او «۱۹۸۴» شناخته شده‌تر است، لیکن «۱۹۸۴» اثری به مراتب

جورج ارول (George Orwell) با نام اصلی اریک بلر (Eric Blair) در ۱۹۰۳ میلادی در لندن به دنیا آمد. وی دومین فرزند خانواده ۵ نفره بود. دوران نوجوانی او مصادف با جنگ جهانی اول (۱۸ - ۱۹۱۴ میلادی) شد که اولین تأثیرات را بر شکل‌گیری روان ارول جوان نهاد. در جوانی مدتی در شمال غربی انگلستان، لندن و فرانسه (پاریس) به کارگری گذراند و سپس به عنوان گارد سلطنتی انگلستان در برمه گماشته شد. فقر و شکست حاصل از این موارد چنان بر او تأثیر گذارد که خود می‌گوید: «فقر طبیعی‌ام را نسبت به دولتمردان افزون ساخت و برای اولین بار از وجود طبقات زحمتکش آگاهم کرد و شغلم بر بومه، شناختی از ماهیت امپریالیسم به من داده بود.» براساس این تجربیات «روزهای برمه» را نگاشت. ارول در ۱۹۳۰ چون برخی دیگر نویسندگان آزادیخواه به اسپانیا رفت و علیه استیلای ژنرال فرانکو مبارزه کرد. حاصل این سفر اثر ارزشمند دیگری به نام «بیعت با کاتالونیا» (Homage to Catalonia) بود؛ کتابی که آمارهای

۸	۵				۶
۷			۹		۵
۶			۲		۷
	۵	۳	۷		۲
			۸		۵
		۱	۳	۷	۴
	۹		۶	۸	۱
		۸	۴	۵	۷
۴	۱				۳

جدول اعداد (سودوکو)

عمودی:

۱- کشوری است	شبی طولانی
۲- محکم - حرفه‌ای	۱۰- از شعرای معروف، معاصر و فقید ایران
۳- پیکر - جواهر - منظره	۱۱- نوعی زراعت - طرف راست
۴- پیشوا - کند زبان	
۵- بالا و والا - بزرگتر	
۶- گلی است - رایحه	
۷- وحشی - لقب باقرخان در انقلاب مشروطه	
۸- مستقیم - دیباچه	
۹- از پادشاهان ایران قبل از یورش عرب‌ها -	

افقی:

۱- از فلاسفه معروف انگلیس در قرن گذشته	۷- شهری در آلمان - مقدس‌ترین
۲- ورزشی است	۸- اطاعت
۳- شهری تاریخی در ایران - قسمتی از گیاه - استواری	۹- تکرار یک حرف - مادر به عربی
۴- صمغی دودکردنی و خوشبو - ناستوار و لوزان - او	۱۰- چاشنی - از شهرهای عراق - تکرار یک حرف
۵- سنگی است	۱۱- سلطان جاز ایران - جعبه به‌نمایش گذاشتن کالا
۶- تکرار یک حرف - از سیاستمدان دوران پهلوی و رهبر یکی از احزاب مهم سیاسی	

حل جدول شماره قبل

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۹	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

حل جدول شماره قبل

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۹	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

جدول اعداد (سودوکو)

عمودی:

- نویسنده و داستانسرای نام‌آور و برجسته معاصر ایران
- از شعرای نوپرداز و فقید کشور ما - از پوشاک مردانه
- علامت - خردمند و دانا - از حشرات موزی
- اغلب حیوانات دارند - از شهرهای ایالات متحده آمریکا
- آزرم - شهری در ایران - تیرگی
- واژگون - اظهار - مار بی‌سر
- پیدا نشدنی - تنگدستی - امانت‌دار
- تاقچه - آهنگساز برجسته روس و خالق آهنگ شهرزاد
- دالان - کشتی - تکرار یک حرف - از مبهمات
- خوراکی است - قسمتی از اندام - نوعی پارچه
- اثری از بزرگ علوی
- قشر - از معدنی‌ها - لکه روی پوست
- آگاهی و تدبیر - فصلی است - شکوه - سفری دینی
- واحد - موجودی افسانه‌ای - پایتخت کشوری است
- جاهل - از شهرهای تاریخی آسیای میانه

افقی:

- از قهرمانان پیشین وزنه‌برداری ایران و جهان
- شاعر و ترانه‌سرای برجسته ایران - اساس
- از وحوش - فوری - آجیل و نقل
- زاپاس - نوعی وسیله نقلیه سنتی - خاتمه
- لحظه - نیکی - بیرق
- از شهرهای ایران - بخشی از مسجد - کوشش
- دهشت‌زده و حیران - داستان - ورزشی است
- حتم - پایتخت کشوری است - از اعداد
- هنری است - زرنگ
- دو دلی - از مصالح ساختمانی - لغزان - علامت جمع
- از پادشاهان ایران قبل از حمله اعراب - اسرار - آن سوی

ویلیام سالیوان آخرین سفیر آمریکا در ایران، دیپلماتی کهنه کار با سی و دو سال پیشینه خدمت بود که در سال ۱۳۵۷ ناظر دگرگونی اوضاع ایران و پیروزی انقلاب اسلامی شد.

سالیوان پس از پایان تحصیلات و اخذ گواهینامه فوق لیسانس از آموزشگاه حقوق و دیپلماسی تاجر، در دوران جنگ جهانی دوم افسر نیروی دریایی بود و در ناوشکنهای گوناگون خدمت کرد. در زمان جنگ کره نیز مشاور سیاسی ژنرال مک آرتور فرمانده کل قوای متفقین در خاور دور بود. سپس وارد خدمت وزارت خارجه شد و پس از طی مدارج و احراز مشاغل گوناگون دیپلماتیک، در مراحل نهایی مذاکرات صلح ویتنام که در پاریس صورت گرفت، با حفظ سمت سفارت در لائوس دستیار اول هنری کیسینجر وزیر خارجه وقت آمریکا بود. آخرین سمتهای سالیوان سفارت در فیلیپین و ایران بود.

سالیوان در ۱۸ خرداد ۱۳۵۶ وارد تهران شد. با روند حوادث در طول سال ۱۳۵۷ از طرفدار سازش هرچه سریعتر میان نیروهای مذهبی انقلابی و ارتش بود که با سیاست کاخ سفید و بخصوص برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر هماهنگی نداشت. به همین جهت در بجنوبه انقلاب کارتر درصدد برکناری او برآمد ولی مشاورانش او را از این کار بازداشتند. تا اینکه سرانجام در فروردین ۱۳۵۸، دو ماه پس از پیروزی انقلاب به واشنگتن فراخوانده شد و به محض ورود از خدمت وزارت خارجه بازنشسته گردید. سالیوان مقاله زیر را یک سال بعد یعنی پیش از انتشار خاطراتش در مجله «فارین افروز» منتشر ساخت.

سرزمین ایران که در رأس خلیج فارس قرار گرفته و سرتاسر سواحل شمالی و شرقی این خلیج را در بر دارد، همیشه مانعی برای پیشرفت مقاصد جاه طلبانه دولت‌هایی بوده است که سودای دست‌اندازی به سوی اقیانوس هند و شبه جزیره عربستان را در سر می‌پرورانده‌اند. استقلال و تمامیت ارضی ایران اثرات این سد جغرافیایی را در عرض سالیهای اخیر تحکیم و تقویت کرده و هر نوع طرح و نقشه‌ای را که شوروی‌ها احتمالاً برای ورود به این منطقه (هندوستان و خاورمیانه عربی) داشته‌اند بر هم زده است.

در سالیهای اخیر وضع طوری شده است که دولت آمریکا ۳۰ درصد احتیاجات انرژی خود را از نفت خام حوزه خلیج فارس تأمین می‌کند. در حالی که اروپای غربی ۶۰ درصد و ژاپن متجاوز از ۷۰ درصد نیازهای خود را از همین رهگذر، یعنی چاههای نفت حوزه خلیج به دست می‌آورد. با توجه به این ارقام، حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران اهمیت خاصی در نظر آمریکا و سایر متحدانش در اروپای غربی پیدا کرده است. متقابلاً (و از نقطه نظر محاسبات استراتژیک) اگر ایران تجزیه شود، یا رژیمی در داخل این کشور پا بگیرد که اقتصاد ایران را وابسته به شوروی و بلوک شرق سازد، چنین حادثه‌ای را باید پیروزی بزرگی برای شوروی حساب کرد. (یادآوری - مقاله قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نوشته شده است)

در نتیجه، سیاست دولت آمریکا در قبال هر نوع بحرانی در ایران، منطقاً باید همین باشد که اولاً تمامیت ارضی این کشور را حفظ کند و ثانیاً از وابستگی اقتصادی ایران به شوروی (که نتیجه‌اش تسلط سیاسی روس‌ها بر این کشور است) جلوگیری نماید. در عین حال، مسائل دیگری هم هست که با توجه به منافع درازمدت آمریکا در ایران حقا باید مورد توجه قرار گیرد. این مسائل عبارتند از: رفاه و آسایش مردم ایران، احترام به حقوق بشر، و تأمین آزادی‌های سیاسی در این کشور.

بحرانی که در سال ۱۹۷۸ به وقوع پیوست، به سرعت گسترش یافت ولی به هر تقدیر، ظهور خود بحران آن طور هم که بعضی‌ها فکر می‌کنند چندان ناگهانی نبود که ما امکان آن را قبلاً

مخالفان شاه در وزارت خارجه آمریکا سقوط شاه را به هر قیمت خواستار بودند

گروههای مختلف مذهبی و غیرمذهبی در ایران، اختلافات را کنار گذاشتند و بر ضد شاه و رژیم او متحد شدند



انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه سفیر آمریکا در تهران (۱)

بحث و نقد بسیار درباره کتاب دکتر نهانودی (آخرین روزها) نشان از آن داشت که عطش حقیقت‌یابی درباره انقلاب اسلامی و علل و عوامل آن، پس از ۲۷ سال و اندی با وجود انتشار کتابها و اسناد و خاطرات فراوان، هنوز در ایران و بین ایرانیان فرونشسته است. بدیهی است رویدادی بدان اهمیت را که از شگفتی‌های تاریخ قرن بیستم به شمار است، از یک زاویه و با یک نگاه نمی‌توان شناسایی و در باره آن داوری کرد. باید به روایات گوناگون از کم و کیف وقایع گوش سپرد و نوشته‌ها و اسناد مختلف را از نظر گذراند تا دست کم به بخشی از حقیقت پی برد. در این میان، خاطرات اشخاصی که مستقیماً در وقایع سالهای ۵۷-۵۶ نقش داشته‌اند - اعم از داخلی و خارجی - راهنمای مهمی در راهیابی به حقایق است. سفیر وقت ایالات متحده آمریکا در تهران - ویلیام سالیوان - از این جمله است. بخشی از خاطرات او را برای مطالعه شما برگزیده‌ایم که در چند شماره می‌خوانید.

پیش‌بینی نکرده و راههای مواجهه با طوفان و طرق حفظ منافع حیاتی آمریکا را در ایران، از نظر دور داشته باشیم. برای روبه رو شدن با طوفانی که به وقوع پیوست، راههای مختلفی وجود داشت که در موقعش به واشنگتن گزارش داده شده بود ولی برای انتخاب بهترین راه در میان راههای پیشنهاد شده، یک نوع معرفت سیاسی و حس تشخیص دقیق

و در دفتر رئیس جمهور، روی این مسئله بود که: آیا شاه حقیقتاً میل دارد این انقلاب را با به کار بردن قوای مسلح سرکوب کند یا نه؟ بارها و بارها شاه به خود من گفته بود که برای درهم شکستن انقلاب متوسل به قوه قهریه نخواهد شد زیرا «در شأن و مقام سلطنت نیست که ملت خود را کشتار کند.» این حرف

حساب و برنامه‌ریزی کرد. عقیده شخصی من این است که وزارت خارجه به طور کلی مفهوم گزارشهای مرا درک می‌کرد و نتایجی را که در آنها پیش‌بینی شده بود قبول داشت، ولی متأسفانه افرادی بودند در همین وزارتخانه، که به علت تجاوزاتی که رژیم شاه نسبت به حقوق بشر مرتکب شده بود، چنان با شخص وی ضدیت



سالیوان (نفر چهارم از سمت راست) به همراه جیمی کارتر در نشستی با محمدرضا شاه

پیدا کرده بودند که سقوط او را به هر قیمتی که بود از خدای می‌خواستند بی آنکه فکر کنند که چنین سقوطی چه عواقبی برای آمریکا و متفقانش دربر خواهد داشت. بنابراین هنگامی که وزارت خارجه آمریکا به استاد گزارشهای من اظهار نظر کرد که رژیم شاه در مقابل این انقلابی که شروع شده دوام نخواهد کرد، بسیاری از عناصر ذی‌نفعی که در دستگاه بوروکراسی واشنگتن دور رئیس جمهور کارتر را گرفته بودند (مخصوصاً در شورای امنیت ملی که بیشتر اعضای آن با کمال ساده‌لوحی خیال می‌کردند که این انقلاب یک انقلاب ساده مذهبی است.) همه‌شان نظرات و فرضیه‌های صحیح وزارت خارجه - و تلوخا نظرات سفارت آمریکا در تهران - را حمل بر این می‌کردند که این اظهارنظرها دایر بر اینکه شاه نخواهد توانست در مقابل انقلابی که شروع شده پایداری کند، فقط معرفت نظرات و احساسات شخصی آن دسته از اعضای وزارت خارجه است که باطنا با شاه مخالفند و او را مسئول نقض حقوق بشر در ایران می‌دانند. این تردیدی که در داخل شورای امنیت ملی نسبت به صحت گزارشهایی که ما می‌فرستادیم وجود داشت، اثر خود را به طور صریح در آن تعلیمات و دستورهایی که از واشنگتن به ما می‌رسید بخشیده بود زیرا از یک طرف دستورهایی که می‌رسید ضد و نقیض بود و از طرف دیگر در قبال یک رشته مسائلی که درباره آنها کسب تکلیف می‌کردیم و اهمیت موضوع ایجاب می‌کرد که پاسخ قاطع و فوری به آنها داده شود، هیچ گونه جوابی دریافت نمی‌کردیم زیرا کسانی که مسئول ارسال پاسخ‌های لازم بودند، ظاهراً به این دلیل که نمی‌توانستند در متن آن پاسخ‌ها توافق کنند، به طور کلی از ارسال جواب خودداری می‌کردند! یکی از مهمترین موارد اختلاف نظر در شورای امنیت ملی

آذربایجانی‌ها و عناصری که در سایر نقاط پهنای ایران سکنی دارند. ۸ - رؤسای عشایر قدیمی ایران که قدرت شاه آنها را مجبور به ترک کشور کرده بود و اکنون در آستانه انقلاب هم‌هشان دوباره به خاک وطن سرازیر شده بودند.

۹ - اعضای حزب توده یعنی کمونیست‌هایی که طرفدار شوروی بودند. ۱۰ - سایر گروه‌های کمونیستی نظیر چریک‌های فدایی خلق و کمونیستهای طرفدار چین و غیره که چندان میانه‌ای با حزب توده و اتحاد جماهیر شوروی نداشتند.

این دسته‌ها و گروه‌ها که همگی با سلسله پهلوی مخالف بودند و هر کدام دلیل خاصی برای این مخالفت داشتند، حاضر بودند فقط برای یک هدف منفی - یعنی برداشتن شاه - گرد هم جمع شوند و گرنه جز این، هدف مشترکی نداشتند.

تنها رهبری که توانست خود را در رأس این همه گروه‌های مختلف المنافع قرار دهد آیت‌الله روح‌الله خمینی بود که با شور و هیجانی بی‌مانند که مخالفت شخصی‌اش با دودمان پهلوی در آن بی‌تأثیر نبود، سرانجام موفق شد که به این سیل خروشان ملی یک نوع هویت و خصیصه مذهبی ببخشد و آن را در چشم ایرانیان به صورت جهادی اکبر که هر مسلمانی موظف به شرکت در آن می‌باشد جلوه دهد.

تلگرامهایی که می‌فرستادم و کاخ سفید آنها را با نظر سوءظن می‌نگریست

سفارت آمریکا در تهران در گزارشهایی که به وزارت متبوعش می‌فرستاد دائماً می‌کوشید که ماهیت پیچیده و منفی انقلاب ایران را به اولیای مسئول وزارتخانه گوشزد کند و آنها را متوجه سازد که سیاستی که ایران در دوره بعد از شاه پیش خواهد گرفت از آن سیاست‌هایی نخواهد بود که قابل پیش‌بینی باشد و بشود رویش

هماهنگ باشد!

یک نیروی بی‌مصرف
در این فضای حساس که پای مرگ و زندگی رژیم در کار بود، طراحان سیاست خارجی آمریکا دیگر خط مشی مشترکی نداشتند بلکه هر مقامی به تناسب سلیقه خود سیاستی را در ایران تعقیب می‌کرد. در نوامبر ۱۹۷۸ برژینسکی شروع کرد برای رئیس جمهور سیاست خارجی مستقلی طرح کند و نوعی «سفارتخانه ویژه» برای خود در ایران به‌وجود آورد. پیک مخصوص این «سفارتخانه» اردشیر زاهدی سفیر شاه در واشنگتن بود که حالا، به خواهش برژینسکی، با عجله به تهران حرکت کرد. وی مأموریتی ویژه بر عهده داشت و آن این بود که تردید و دو دلی شاه را از بین ببرد و او را وادار سازد تا این انقلاب دامن‌گستر را با قوه قهریه سرکوب کند. زاهدی با روحی سرشار از تعصب و امید قدم به تهران گذاشت و در عرض مدتی که در ایران بود مکرر شاه را ملاقات کرد و ماحصل مذاکرات خود را همه‌روزه با تلفن عمومی بین‌المللی (که تمام صحبت‌های آن را روسها با وسایل مجهزی که در اختیار داشتند گوش می‌دادند) به برژینسکی گزارش می‌داد. در عین حال شروع کرد ماحصل همین مذاکراتی را که با شاه انجام می‌داد با تلفن به اطلاع من برساند. ولی من که می‌دانستم خطوط ارتباطی تهران چندان امن نیست و نامرحمان ممکن است به این صحبت‌ها گوش دهند، از او خواهش کردم که مکالمه تلفنی را موقوف کند و به‌جای آن قرار گذاشتم که او را در منزل شخصی‌اش در حصارک بینم و نتیجه حرف‌ها و عملیاتش را ارزیابی کنم.

زاهدی مردی خوش‌مشرب است. ویژگی خیال‌پروری و افسانه‌بافی ایرانی را به حد کمال داراست و اعتمادی سرشار و آمیخته به خوش‌بینی نسبت به استعداد خود و مفید بودن عملیاتی که انجام می‌دهد دارد. پدرش در حدود بیست و پنج سال پیش یک کودتای موفق نظامی را که در نتیجه آن، شاه دوباره توانست مالک تاج و تخت از دست‌رفته‌اش گردد، هدایت کرده و به ثمر رسانده بود. خود اردشیر هم در آن قضایا نقشی برعهده داشت و حالا پس از گذشت یک

ربع قرن ظاهراً چنین تصور می‌کرد که تکرار عملیات تابستان ۱۳۳۲ در زمستان ۱۳۵۷ اجراءشدنی است. من در منزل شخصی او در حصارک عده زیادی از افسران ارشد ارتش را که در کودتای ۱۳۳۲ شرکت کرده بودند ملاقات کردم، اما همچنانکه در عالم خیال لیاقت و جربره عمل آنها را ارزیابی می‌کردم، به این نتیجه رسیدم که این پهلوانان ۲۵ سال پیش همه‌شان در حال حاضر پهلوان پنبه‌هایی هستند که انتظار هیچ گونه شوق‌قلمری را از آنها نباید داشت.

مهمترین دلیل بدبینی من درک این حقیقت تلخ بود که در سال ۱۳۳۲ افسران جزء و نفرات ارتش تقریباً بلااستثناء از این فرماندهان عالی‌رتبه اطاعت می‌کردند در حالی که در اوضاع دگرگون شده ۱۳۵۷، قضیه کاملاً معکوس شده بود به این معنی که طرفداران دیروزی شاه (در بین سربازان و افسران جزء) همگی باطناً متمایل به اردوی مخالفان سلطنت بودند. بنابراین کلیه این امرای ارتش، سرلشکران و سپهبدان و ارتشبدان، در چشم من فرماندهانی بودند که نفرات و لشکرهای لازم را در اختیار نداشتند.

از قضا، خود شاه هم کاملاً این نکته را درک کرده بود زیرا دائماً از من می‌خواست به واشنگتن هشدار بدهم که زیاد به حرف‌ها و گزارشهای خوش‌بینانه اردشیر اطمینان نکنند زیرا وی به علت دوری متممادی در ایران دیگر نمی‌تواند واقعیت قضایا را آنطور که باید و شاید درک کند. بدبختانه تمام این گزارشها و هشدارها به‌جای آنکه تأثیری مثبت در محافل نزدیک به رئیس جمهور ببخشد، سوء ظنی را که در آن تاریخ نسبت به اعمال ما در تهران وجود داشت تشدید و حفره اختلاف نظر میان سفارت آمریکا در تهران و دفتر برژینسکی در واشنگتن را عمیقتر می‌کرد.

«دنباله دارد»

هومن خلعتیری

در جمهوری اسلامی جای کاباره و دیسکو خالی است!



مانی تهرانی - یکی از دست‌اندازهای بزرگ فرهنگی انقلاب سال ۱۳۵۷ در ایران، خفه کردن صدای موسیقی در جامعه بود که با طاعوتی و فاسد خواندن آن بسیاری از هنرمندان به فرار از ایران و یا سکوت و همکاری با انقلابیون وادار شدند. هر آنچه جز سرودهای انقلابی بود، «حرام» و هر گونه آموزش و حتی گوش کردن به موسیقی جرم و سزاوار مجازات خوانده شد. نوازندگان و خوانندگان بسیاری که در ایران ماندند گوشه عزلت گزیدند و خاموش شدند و مانند گوگوش - یکی از مهمترین آوازخوانان پاپ ایرانی - سکوت اختیار کردند. بیست سال بعد که وی موفق شد از کشور خارج شود، خبر مهاجرتش در سرخط رسانه‌های جهان جای گرفت. کمتر از یک دهه پیش تلویزیون «منوتو» با برنامه «آکادمی موسیقی گوگوش» برای اولین بار برنامه سرگرم‌کننده‌ی علاقمندان خوانندگی را به فضای رسانه‌ای فارسی‌زبان آورد. هیأت داوران و مربیان این برنامه که ابتدا وظیفه انتخاب شرکت‌کنندگان و سپس تمرین روزانه و پرورش برگزیدگان برای اجراهای هفتگی را بر عهده داشت از گوگوش، هومن خلعتیری (رهبر ارکستر و دانش‌آموخته اتریش) و بابک سعیدی (نوازنده پیشین گروه زنده‌یاد ناصر عبداللهی) تشکیل شده بود.

امروز که از برگزاری سه دوره این آکادمی و تجربه‌های مشابه آن سال‌ها گذشته می‌توان گفت این دسته از برنامه‌ها علاوه بر سرگرمی‌یافت ترویج فرهنگ موسیقی در میان عامه مردم نیز شد. اگرچه برخی منتقدان می‌گویند این حرکات، کاسیکارانه و در جهت فریب افکار عمومی است و معتقدند که از این راه هیچ هنرمند ماندگاری ساخته و پرداخته نمی‌شود. کیهان لندن در همین زمینه با هومن خلعتیری گفتگو کرده است.

آیا می‌توان موسیقی را به دو دسته با پرئسیپ و بی‌پرئسیپ تقسیم‌بندی کرد؟

-دلم می‌خواهد بگویم چنین تعریفی وجود ندارد، اما این اواخر به حدی شاهد کارهای دم دستی و بی‌ریشه و به زبان عامیانه چرت - با عمر یک تا سه روز - هستیم که ناچاریم بگویم متأسفانه این دسته‌بندی وجود پیدا شده. البته نباید کتمان کرد که قبل وجود نداشته؛ حتماً بوده ولی در محدوده خودش باقی می‌ماند و پخش نمی‌شود. متأسفانه در حال حاضر و در دنیای اینترنت، این موسیقی بی‌پرئسیپ (به قول شما) در کسری از ثانیه پخش شده و گوش و ذهن ما را آلوده می‌کند. در حالی که به نظر من موسیقی بد وجود خارجی ندارد، موسیقی وقتی بد است که درست و اصولی روی آن کار نشده باشد. این اواخر به حدی موسیقی‌های دم دستی که نه، حتی دم پای تولید شده، اینقدر «چیپ» و ارزان که نه شعر و نه کلام دارد و نه صدا. سازه ۹۵٪ سمپل و کامپیوتر. صداها همه تیون شده. این آشنفتگی در حد افتضاح است که وقتی همان خواننده‌ها، روی صحنه زنده اجرا می‌کنند دهان مخاطب از حیرت باز می‌ماند. با این توضیح مختصر، خود به خود موسیقی بی‌پرئسیپ معنی پیدا می‌کند.

این دسته از خواننده‌ها هم می‌گویند ما موسیقی خود نداریم و ذائقه مخاطب مشخص می‌کند بد و خوب کدام است.

-خیر! ذائقه باید پرورش پیدا کند. مخاطب عام که توان تشخیص خوب را از بد ندارد. شما از مخاطب ۱۱ تا ۱۷ ساله که به مقتضای سنش موسیقی اکتیو لازم دارد چه انتظاری دارید؟ به این مخاطب باید موسیقی اکتیو خوب تحویل داد. شعر مناسب تحویل داد. شما جلوی دستان بچه هر چه شکلات و آبنبات و تنقلات بگذارید می‌خورد، اما پدر و مادر عاقل برای حفظ سلامت بچه تنقلات را کنترل شده به او می‌دهد. ما باید به مخاطب موسیقی جنس خوب بدهیم و او را درست بار بیابوریم. باید گوش و فرهنگ مخاطب را تقویت کنیم. ممکن است من مخاطب این قطره (این موسیقی) به دهانم تلخ بیاید و دوست نداشته باشم ولی پزشک من می‌داند که این قطره تلخ دمزه مرا از فلج شدن، نجات خواهد داد. بعدها (بعد از سن تین ایجری و نوجوانی -

جوانی) متوجه می‌شوم آن پزشک یا آن پدرمادر چه لطفی به من کرده‌اند. البته که هر موسیقی جایی دارد. زنده‌یاد مرتضی حنانه یک بار به من گفت فکر می‌کنی توی عروسی می‌شود سمفونی پنج پتهوون را پخش کرد؟ و ادامه داد که: نه! باید موسیقی «مبارک‌باد» پخش کنیم و درست هم می‌گفت. بنابراین من نمی‌گویم موسیقی شش و هشت بد است. نمی‌گویم موسیقی رقص و شاد بد است. ولی حتی «مبارک‌باد» هم روی موسیقی دستگاهی ساخته شده است. موسیقی روی هجای کلمات نشسته و تلفیق درست شعر و موسیقی درستی دارد. اگر گوش جامعه را درست پرورش ندهیم، خود به خود به سمت موسیقی خوب و سطح بالا نخواهیم رفت. تازه ما الان در مورد موسیقی پاپیولار صحبت می‌کنیم. طیف‌های دیگر موسیقی بماند... فقط که ذائقه مردم مهم نیست! زنده‌یاد فرامرز پایور می‌گفت موسیقی خوب است که عوام دوست داشته باشند و خواص (منظورش متخصص موسیقی بود) هم تأیید کنند!

شما به عنوان یک موزیسین کلاسیک دانش‌آموخته یکی از مراکز مهم موسیقی جهان، چطور از فضای متفاوتی مانند آکادمی موسیقی گوگوش سر در آوردید؟

-رود من به آکادمی قصه دارد. بارها در مصاحبه‌هایم تعریف کرده‌ام. پیش از تولد تلویزیون «منوتو» دفتر موسیقی وزارت ارشاد جمهوری اسلامی ایران برای یک دوره فشرده ده روزه همکاری با گروه کر تالار وحدت از من دعوت کرد. بعد از آنکه پذیرفتم و وارد خاک ایران شدم همه آن مدیرانی که مدام با من در تماس بودند، هیچکدام گوشی تلفن بر نداشتند و به تماس‌هایم جواب ندادند. برای یک برنامه ده روزه دعوتم کرده بودند، اما چنان پاپوشی برایم دوختند و پای مرا به حراست و... کشاندند و دست آخر هم نگذاشتند برنامه انجام شود. به این ترتیب من با دل چرکین به اتریش بازگشتم.

تعداد زیادی از هنرمندان و نخبگان ایرانی در سفر به ایران با تجربه مشابه شما روبرو شده‌اند، مشکل و ریشه این نوع رفتار مسئولان جمهوری اسلامی در چیست؟

-من قبل از آن هم به ایران سفر داشته‌ام. هم برای دیدار و حتی به دعوت وزارت ارشاد برای کنسرت. در تالار رودکی سه شب کنسرت با گروه کر و ارکستر سمفونیک هم داشته‌ام! پوسترش هست. می‌خواهم بگویم چیز جدیدی نبود! ولی آن بار گول رؤسا را خوردم و به ایران رفتم. باید قبول کنیم که مدیران دولتی از موسیقی هیچ اطلاعی ندارند. یکی دوتا مشاوره‌نری هم دارند که بد در بدتر هستند. هر دوره هم از دوره قبل

بدتر شده. شما از مدیر موسیقی که به ساز ویولون ارکستر سمفونیک می‌گوید «همزون» چه توقعی دارید؟ وقتی نمی‌داند «پولت» در ارکستر چیست، دیگر فاتحه در زمان دولت نهم و دهم، مدیران موسیقی چنان بلایی بر سر گروه کر و ارکستر سمفونیک آوردند که اصل ریشه موسیقی کلاسیک در مملکت ما سوزانده شد و تا سال‌ها محو شد. ریشه گروه کر ارکستر سمفونیک تهران از همان زمان سوخت! طبقه ششم تالار رودکی به انبار لباس و اتاق تمرین تأثیر تبدیل شده... بروید سر بزیند... تاسف‌بار است...

می‌توان گفت فراری دادن شما از کشور هم برای خودتان و هم برای مردم ایران سبب خیر شد؟

-نمی‌دانم اسمش فراری دادن بود یا ندانسته چنین اشتباهی را انجام دادند ولی بله... این اشتباه مدیران وقت موسیقی، به خیر من تمام شد. حتی من به آقای بابک رضایی - مسئول وقت دفتر موسیقی ارشاد که دیگر دود شد و محو شد - پیغامی دادم و گفتم من به اندازه تمام سال‌های عمرم از شما متشکر خواهم بود، چون درست است که من در میان موزیسین‌ها ایرانی و بخصوص هم‌نسلاتم جزو اسامی شناخته‌شده بودم، اما شما کاری کردید که حالا هشتاد میلیون ایرانی تاحتی سیستم بلوچستان مرا بشناسند. فکر می‌کنم اگر می‌دانست چنین شهرتی برای من اتفاق خواهد افتاد، مرا نگه می‌داشتند.

بعد از آن ده روز که من سرخورده شده و برگشتم به اتریش برای انجام فستیوال موسیقی خودم، مورد دومی کار در ایران به من پیشنهاد شد. قرار بود کنسرتی به مناسبت ده سالگی ارکستر پارسیان برگزار شود و دو تن از اعضای اصلی آن به من تلفن کردند که هومن بیا ارکستر ما ده ساله شده و می‌خواهیم یک کنسرت برگزار کنیم و تو بیا رهبریش را به عهده بگیر. بعد این دوستان برای دریافت مجوز به آقای علی ترابی - که همین الان دوباره در عرصه مدیریت موسیقی فعال شده و در دولت نهم و دهم هم در تصمیم‌گیری‌ها فعال بود - مراجعه کردند و ایشان اول با بهبه و چه‌چه استقبال کرد، اما به محض اینکه در فرم مجوز جلوی اسم رهبر ارکستر اسم هومن خلعتیری را دیده بود، به صراحت گفته بود نمی‌شود! من آنجا مطمئن شدم داسی زده شده و سعی شده ریشه من بریده بشود و حالا حالا‌ها قرار نیست اجازه فعالیت هنری در کشور داشته باشم. برای همین وقتی که از تلویزیون «منوتو» - که آن موقع هنوز پا نگرفته و شروع به کار نکرده بود - به من تلفن کردند و برای همکاری در آکادمی از من دعوت کردند با کمال میل پذیرفتم و رفتم. من مخصوصاً به برنامه آکادمی رفتم تا همان افرادی که پای مرا

از ایران بریده بودند، هر شب در خانه‌هایشان مرا در تلویزیون تماشا کنند والا نه پدر من اهل تلویزیون بوده و نه مادرم! من عمداً به آن برنامه رفتم تا همان مدیران و تصمیم‌گیران وقت، متوجه بشوند که سعی به دفع چه کسی داشته‌اند.

آیا از نظر محتوا آن موسیقی که شما در اتریش آموختید با استعدادیابی آکادمی متفاوت است؟

-من در اتریش رهبری کر هم آموختم. شما یاد می‌گیرید که چگونه با خواننده‌های آماتور کار بکنید. از طرفی با خواننده‌های حرفه‌ای در اپرا هم کار می‌کنم و اپراهای بسیاری روی صحنه بردام. شاید تنها ایرانی باشم که این همه اپرا - به صورت زنده اجرا شده و نه سی‌دی و استودیو - روی صحنه برده و رهبری کرده‌ام. دقیقاً همان تجربه را روی بچه‌های آکادمی هم پیاده کردم. البته فلسفه و کانسپت برنامه آکادمی با برنامه «استیج» کاملاً متفاوت است. در آکادمی بچه‌ها باید متوسط و حتی ضعیف می‌بودند و تا درس بگیرند و کم‌کم پیشرفت کنند و بالا بیایند. در طول این دوران، مردم هم با خلیقات و روحیات بچه‌ها آشنا بشوند و در آخر به آنها رای بدهند. فراموش نکنید که ما فقط مربی بودیم و رای مردم دخیل بود. در حالی که فلسفه «استیج» این بود که بچه‌ها از همان ابتدا در سطح خوبی باشند و بتوانند بطور زنده جلوی دوربین اجرا کنند. بعلاوه اون ۴ مربی خودشان آهنگساز و تنظیم‌کننده بودند در صورتی که نه من آهنگساز هستم و نه خانم گوگوش. ما منتور و مربی بودیم و تنظیم‌ها همه متعلق به بابک سعیدی بود. در کامنت‌های فیسبوک من در زمان آکادمی می‌گفتند شما چطور می‌توانید هفت تا غاز بیابورید و هفت تا خواننده تحویل بدهید؟! این شاید طنز بود ولی واقعاً هم همینطور بود. پیشرفت هفتگی هنرجوها کاملاً محرز بود و وقتی بچه‌ها با «پلی‌بک» موزیک می‌رفتند روی صحنه، واقعاً می‌خواندند. خیلی‌ها فکر می‌کردند این پیشرفت امکان ندارد و اینها حتماً لب می‌زنند! گاهی که شعر یادشان می‌رفت یا فالش می‌خواندند من خوشحال بودم... چون اقلاً ثابت می‌شد که اجرا زنده است و «پلی‌بک» نیست! حرف و حدیث زیاد بود.

امروز که سال‌هاست تجربه آکادمی را پشت سر گذاشته‌اید در باره‌اش چه فکر می‌کنید؟

-یکی از انگیزه‌های اصلی من برای حضور در آکادمی بحث فرهنگسازي بود. اینکه مردم آگاه شوند که نت چیست، سلفژ چیست، کلاس آواز باید رفت و آواز را باید با مربی خواند و... صدا البته که آکادمی یک برنامه سرگرم‌کننده بود، اما به هر حال همین یادگیری و شناخت کلی موسیقی هم برای مردم ارزشمند

و طبابت باشد. خوانندگی هم در همه جای دنیا همینطور است. شما فارغ‌التحصیل دانشگاه موسیقی «گرتس» هم که باشید، بعد از پایان تحصیلات، دانشگاه دنبال پیدا کردن صحنه اپرا و موقعیت کنسرت برای شما نخواهد بود! در برنامه‌هایی مثل «سوپراستار» و «ووپس» و... اعضای ژوری اسپانسر و تهیه‌کننده موسیقی هم هستند. بنابراین روی یک شرکت‌کننده سرمایه‌گذاری می‌کنند و از او پول می‌سازند و معمولاً بعد از یکی دو سال، درآمدزایی آن فرد از بازار موسیقی محو می‌شود. یعنی او را معروف می‌کنند تا از او پول بسازند، اما اینکه مسیر فرد چگونه ادامه پیدا کند: اول به خودش بستگی دارد و بعد هم برای ادامه مسیر به یک سرمایه بزرگ نیاز دارد. بحث تغییرات اجتماعی هم وجود دارد و شاید در بحث امروز ما نمی‌توانیم روی امروز بدون هزینه هنگفت نمی‌توان خواننده‌ای را لاتسه کرد و بدون پول شاعر و آهنگساز و تنظیم‌کننده خوب پیدا نمی‌شود. یا باید هزینه کرد و یا باید با محافل خاص در ارتباط بود که شما را معرفی و حمایت مجازی و حقیقی بکنند. دوران‌هایده و ابی و گوگوش هم همین بوده، الان هم هست و مطمئن باشید این روند ادامه خواهد داشت!

بنابراین آکادمی‌های غیر ایرانی با ایرانی تفاوت ماهوی ندارند؟

-خیر. تفاوتی ندارند. من هر سال برنامه‌های استعدادیابی موسیقی تلویزیون آلمان و تلویزیون‌های آمریکا را تماشا می‌کنم. حقیقت داستان یک بیزنس ولی همراه با تفریح و سرگرمی است. هر که می‌گوید اینطور نیست، اطلاع کافی ندارد.

در برنامه‌های مشابه غربی گاهی شاهد کارهایی هم می‌بینیم، اما آنها نیز در همان حد باقی می‌مانند و از آنها خواننده بزرگ ساخته نمی‌شود. چرا؟

-دقیقاً همینطور است. عرض کردم که برای ساختن خواننده بزرگ، اسپانسر بزرگ می‌خواهد. این اسپانسر می‌تواند اسم بزرگ، پول و این ارتباطات با افراد خاص باشد. آخرین نکته مهم «محتوای کار و کیفیت کار» هنرمند است. یعنی کمتر هنرمندی یافت می‌شود که تنها از صدا و اجرای خوبش به حد بالایی رسیده باشد که مخاطب را جذب کند و خودش ماندگار شود. فاکتورهای مهم دیگری هم در کار است که برای خوانندگان ایرانی و غیر ایرانی فرقی نمی‌کند.

به عنوان مثال شما در تجربه آکادمی به حنجره‌ای نظیر زنده‌یاد هایده برخورد کرده‌اید؟

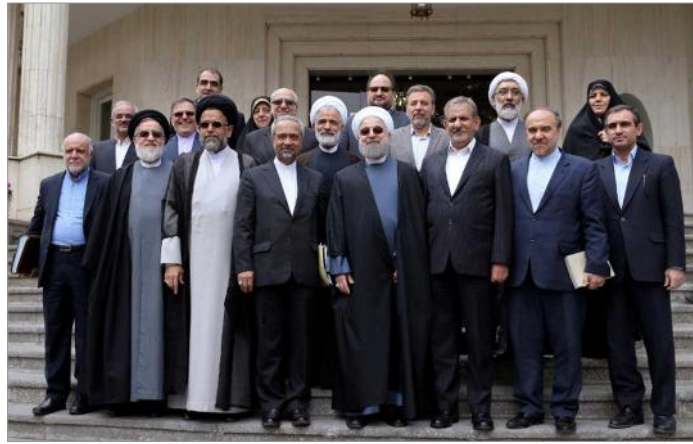
-بله. شاید در فیلم تست‌ها هم دیده باشید! ما مواردی روبرو شدیم که به آنها گفتم تو که به این خوبی می‌خوانی، اینچا چه می‌کنی؟ ما اینجا متوسط رو به پایین می‌خواهیم تا او را با آموزش و ذمه‌داری بالاتر ببریم. تو با این صدا و اجرا، همان روز اول همه را درو می‌کنی و این با مفهوم برنامه آکادمی اصلاً جور در نمی‌آید! من حتی یکبار به آقای کیوان عباسی گفتم تفاوت ما با نمونه‌های خارجی این است که آنها یک سال به دنبال کاندیدا می‌گردند. کاندیداها از زیر دست ژوری‌های مختلف رد می‌شوند تا بالاخره به داور اصلی می‌رسند؛ پس از تست‌های مختلف در نهایت از میان انبوه کاندیداها ده تن انتخاب می‌شوند و به همین دلیل این ده تن حقیقتاً الک شده و تاپ هستند. در حالی که برای آکادمی ایرانی ما متقاضیان سه تا چهار کیلومتر توی خیابان به صف می‌ایستند و ظرف مدت سه تا چهار روز از میان این افراد ده تن انتخاب می‌شوند.

آیا می‌توان گفت خلایق ذاتی هنرمندان امروز ایران نسبت به نسل‌های قبلی کمتر شده؟

-خیر. اتفاقاً به نظر من خلایق ذاتی هنرمندان نسبت به گذشته بیشتر هم شده و یا شاید آن زمان که اینترنت و فضای مجازی نبود خلایق‌ها هم به اندازه کافی امکان بروز نداشت و دیده نمی‌شد. الان زمانه عوض شده و به راحتی می‌توانند در فضای مجازی عرضه شوند ولی این کافی نیست. فضای مجازی مکان عرضه هنر موسیقی نیست. یکی از نقایص امروز موسیقی ما که بسیار ضربه زده، نبودن جایی برای ارائه نوازندگی و خوانندگی و یا بهتر بگویم جایی به نام کلوب یا کباب‌خانه است.

ادامه در صفحه ۱۷

جهانگیری ایجاد تغییرات در کابینه را تایید کرد



● جهانگیری: تغییر در کابینه مجموعه‌های همیشه مثبت است و آقای رئیس‌جمهور تغییراتی در دولت انجام خواهد داد.

● منتقدان دولت می‌گویند تیم اقتصادی دولت شامل وزرای کار، نفت، صنعت، اقتصاد و رئیس بانک مرکزی عملکرد نامطلوبی داشته‌اند و باید هر چه زودتر تغییر کنند.

داشته‌اند و بحران در بازارها و افزایش قیمت‌ها به دلیل عملکرد نامطلوب این تیم است.

این در حالیست که با وجود خروج آمریکا از برجام هنوز تحریم‌های اقتصادی بازنگشته و مشخص نیست با شرایط بحرانی اقتصاد ایران، در ماه نوامبر و بازگشت تحریم‌ها اقتصاد ایران در چه وضعیتی قرار خواهد گرفت. محسن بیگلری عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی در همین رابطه با انتشار یادداشتی نوشته است: «وضعیت معیشتی و اقتصادی مردم هم کاملا زیر سوال است و شرایط بحرانی برای مردم به وجود آمده و مردم نمی‌دانند که باید چه کاری انجام دهند و چه رفتاری داشته باشند. به عنوان مثال اگر ظرف یک ماه پیش کسی می‌توانست با ۵۰ میلیون تومان خودرو بخرد، حالا باید با ۷۰ میلیون تومان همان خودرو را بخرد و این اصلا اتفاق جالبی نیست.

او در ادامه نوشته است: «در این شرایط و با توجه به وضعیتی که به وجود آمده، اولاً باید رییس‌جمهور به میان مردم بیاید و شرایط را برای مردم

پیشتر و در روز جمعه هشتم تیرماه نیز محمد باقر نوبخت، دیگر معاون حسن روحانی، از الزامی بودن تغییر در برنامه‌های اقتصادی دولت خبر داده بود اما از ایجاد تغییرات در کابینه سخنی به میان نیاورده بود. منتقدان سیاست‌های اقتصادی دولت می‌گویند تیم اقتصادی دولت شامل وزرای کار، نفت، صنعت، اقتصاد و رئیس بانک مرکزی عملکرد نامطلوبی

اسحاق جهانگیری: مطمئنیم که نفت را در حد نیاز خواهیم فروخت



ملک سلمان پادشاه عربستان

● ترامپ در گفتگوی تلفنی از ملک سلمان خواست برای جبران نفت حذف شده ایران از بازار، تولید نفت را بالا ببرد و سعودی‌ها در بیانیه‌ای رسماً قبول کردند.

● جهانگیری ادعا کرده سعودی‌ها نمی‌توانند اضافه شدن چند میلیون بشکه نفت به بازار جهان را اداره کنند.

● «نفت خام را در بورس عرضه خواهیم کرد تا بخش خصوصی نفت بخرد و صادر کند».

روز شنبه نهم تیر برای راهکار مقابله با تحریم‌های آمریکا ادعا کرد «نفت خام را در بورس عرضه خواهیم کرد تا بخش خصوصی نفت بخرد و صادر کند». در واقع شبیه همان کاری که در گذشته جمهوری اسلامی انجام داد و از درون آن امثال بابک زنجانی‌ها در آمدند.

جهانگیری در بخشی از سخنان خود گفت «مشکلات مثل اتاق باروتی است که جرقه‌ای برای یک اتفاق زده شود؛ جرقه هم گاهی ممکن است یک تلاطم باشد [...] دلیلی ندارد که اگر صدای یک مشکل درآمده، احساس کنیم که چه می‌خواهد بشود. هیچی نمی‌شود. ما بهتر از گذشته اگر راهبرد خوبی را انتخاب کنیم، می‌توانیم کشور را اداره کنیم!»

پیش‌بینی جهانگیری از آینده نفت

به گفته معاون اول روحانی «آمریکا می‌خواهد نفت ایران فروش نرود؛ یعنی می‌خواهند تا ابان ماه فروش نفت ایران را به صفر برسانند. اما این یک جنگ روانی است. کسی که کمترین شناخت با فضای بین‌المللی دارد، به خوبی می‌داند که این امکان‌پذیر نیست؛ سعودی نمی‌تواند اداره کند که چند میلیون بشکه نفت به نفت جهان اضافه کند. اگر هر کشوری به جای ایران بخواهد نفت را تأمین کند، خیانت به ملت ایران و جامعه بین‌المللی است.»

او همچنین گفت «با کشورهای

● ستاد «اقتصاد مقاومتی» گفته اصلی‌ترین برنامه در بحران فعلی معاملات تهراتی با همدان نفت در برابر کالا است.

● جهانگیری معاون اول روحانی تأکید کرده باید تلاش کنیم تحت هر شرایط کالاها را اساسی مورد نیاز به کشور وارد شود.

● پزشک‌های نایب رییس مجلس گفته اگر دولت نیازهای اقشار آسیب‌پذیر جامعه را تأمین کند و زندگی مردم جریان عادی خود را داشته باشد، دشمنان هرچقدر هم که تلاش کنند مردم پشت‌مسئولان خواهند ایستاد.

● سیاست «نفت در برابر کالا» یعنی تقویت بازار تولید و صادرات کشورهای دریافت‌کننده نفت ایران و نابودی بازار تولید داخلی و صادرات نفت بدون درآمد برای خود ایران!

جلسه ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی روز دوشنبه، دهم تیرماه، به ریاست اسحاق جهانگیری معاون اول حسن روحانی و با حضور جمعی از وزرا و سپاهی‌ها و قضایی‌ها برگزار شد. نوبخت رییس سازمان برنامه و بودجه، شریعتمداری وزیر صنعت، ربیعی وزیر کار، سیف رییس کل بانک مرکزی، زنگنه وزیر نفت، حاتمی وزیر دفاع، حتی وزیر کشاورزی، اردکانیان وزیر نیرو، ستاری معاون علمی و فناوری، آخوندی وزیر راه، پزشک‌های نایب رییس مجلس، ابتکار معاون امور زنان و دولت‌آبادی دادستان کل دادگاه‌های انقلاب و عبداللهی فرمانده قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیای سپاه پاسداران اعضای این جلسه بودند.

در این جلسه جهانگیری در مقدمه شرحی درباره اوضاع بحرانی که نظام با آن روبروست داده و گفت در شرایط جدید افزایش قیمت برخی از کالاها، طبقات ضعیف جامعه در تأمین نیازهای اصلی زندگی با مشکل مواجه می‌شوند و درآمد آنها کاهش پیدا می‌کند که ضرورت دارد بطور جدی به این طبقات توجه و از آسیب رسیدن به آنها جلوگیری شود.

او از رییس سازمان برنامه و بودجه و وزیر کار خواست جلساتی را در مورد راهکارهای تأمین منابع لازم را برای کمک به اقشار کم‌درآمد جامعه در جهت جلوگیری از آسیب دیدن طبقات ضعیف پیدا کنند.

اصلی‌ترین موضوعی که در این نشست مطرح شده سیاست نفت در برابر کالا بود که به خاطر فرار از بار منفی ناشی از بیان آن که گویای وخامت اوضاع نظام است اسم آن را «ساز و کار تهاتر» گذاشت و گفت که ایران در مقابل تحریم‌های آمریکا دست‌بسته نخواهد بود و از روش‌های مختلف برای بی‌اثر کردن تحریم‌ها استفاده خواهد کرد.

طبق آنچه معاون روحانی گفت قرار است کارگروهی تحت عنوان «کمیت تهاتر» تشکیل شود که وزرای نفت، صنعت، خارجه، اقتصاد، کشاورزی و رییس سازمان برنامه و بودجه اعضای آن هستند و محور آن وزارت نفت است و کار اصلی آن تهاتر نفت: یعنی نفت بدهند و کالا وارد کنند!

او تأکید کرده دولت در تحریم‌های پیش رو روش‌های مختلفی را به کار خواهد گرفت تا صادرات نفت کشور کاهش پیدا نکند. وی حتی تأکید کرده «استمرار صادرات نفت نماد پیروزی ملت ایران در مقابل تحریم‌های آمریکا است و با برنامه‌ریزی و مدیریت توانمند وزارت نفت، امیدوارم شاهد این موفقیت بزرگ باشیم و ثابت کنیم که ادعای آمریکا مبنی بر متوقف کردن صادرات نفت ایران واهی است.»

جهانگیری تأکید کرد باید تلاش کنیم تحت هر شرایط کالاها را اساسی مورد نیاز به کشور وارد شود

برنامه دولت برای «تهاتر» یعنی سیاست «نفت در برابر کالا»؛ اقتصاد مقاومتی یا اقتصاد جنگی؟!



جلسه ستاد اقتصاد مقاومتی، دوشنبه ۱۱ تیرماه

و ذخایر کالاها را اساسی وضعیتی اطمینان‌بخش داشته باشد. دولت روحانی «موفقیت» در پیش گرفتن سیاست مبادله‌ی نفت با کالا را در همین جهت ارزیابی می‌کند. جمهوری اسلامی تمام تمرکز و تلاش خود را بر این نکته متمرکز کرده که جریان صادرات نفت متوقف نشود حتی اگر به جای پول، «کالا» از مشتریان خود بگیرد. این سیاست یعنی تقویت بازار تولید و صادرات کشورهای دریافت‌کننده نفت و نابودی بازار تولید داخلی و صادرات نفت بدون درآمد برای ایران!

از سوی دیگر جهانگیری در حالی ابراز امیدواری می‌کند که راهکار فروش نفت در برابر کالا تمرینش باشد که یکی از هفت شرط خامنه‌ای برای ماندن در برجام تضمین فروش کامل نفت ایران توسط اروپایی‌ها بود ضمن اینکه شرط دیگرش تضمین بانک‌های اروپایی برای ادامه تجارت



جیره بندی سوخت و کالاها را اساسی در دهه‌ی شصت خورشیدی همزمان با سال‌های جنگ ایران و عراق

با جمهوری اسلامی است. هیچ یک از این شروط تحقق نیافته و با این راهکارها هم تحقق نخواهد یافت.

نگرانی‌های مجموعه‌ی نظام از تحریم‌های آمریکا در این جلسه هم بروز کرد. مسعود پزشک‌های نایب رییس مجلس شورای اسلامی خطاب به اعضای ستاد «اقتصاد مقاومتی» گفت اگر دولت نیازهای اقشار آسیب‌پذیر جامعه را تأمین کند و زندگی مردم جریان عادی خود را داشته باشد، دشمنان هرچقدر هم که تلاش کنند مردم پشت‌مسئولان خواهند ایستاد.

نفت در برابر کالا و تجربه‌ی صدام حسین دورانی که صدام حسین دیکتاتور عراق هنوز در رأس کار بود، سازمان ملل تحریم‌های شدیدی علیه رژیم بعث وضع کرد که اصلی‌ترین آن نفت در برابر غذا و دارو بود. روال کار این بود که پول فروش نفت عراق به صندوق ویژه‌ای زیر نظر سازمان ملل اریز می‌شد و عراق زیر نظر بازرسان از آن پول برای خرید مواد غذایی و دارو استفاده می‌کرد که این مبادله تا سرنگونی صدام ادامه پیدا کرد.

برایان هوک مشاور سیاستگذاری وزارت خارجه آمریکا دوشنبه‌شب، چهارم اوت (۱۳ مردادماه)، در سخنانی به بیان راهبردهای جدید آمریکا در خروج رژیم ایران پرداخت و از جمله گفت «دولت کشورش تلاش می‌کند بیشترین تعداد از کشورهای هر چه زودتر واردات نفت خود از ایران را به صفر برسانند». وی تأکید کرد «تحریم‌های آمریکا هرگز شامل موارد بشردوستانه، غذا و دارو نمی‌شود».

تحریم‌های آمریکا یکجانبه است. فریز نفتی ایران تحت فشار واشنگتن و همکاری عربستان و تا حدود زیادی روسیه اجرا خواهد شد و در چنین شرایطی اروپایی‌ها و آسیایی‌ها

مجبورند قطع واردات نفت از ایران را رعایت کنند تا تحت تحریم و جریمه‌های آمریکا قرار نگیرند. در مورد رژیم صدام اما تمام دنیا موظف بود از قطعنامه‌ی سازمان ملل تبعیت کند. از این روست که دولتمردان آمریکا در اظهارات خود عنوان می‌کنند که در تلاش‌اند خرید نفت از ایران به صفر برسد.

نکته اینجاست که ایران برای فروش نفت خود در قبال غذا و دارو و نیازهای ضروری شهروندان با محدودیت روبرو نیست، بنابراین هدف از تشکیل ستاد «اقتصاد مقاومتی» نمی‌تواند فقط پیدا کردن روزه‌هایی برای تهیه نیازهای اساسی قشر آسیب‌پذیر باشد زیرا تحت تحریم‌های آمریکا این حوزه‌ها با هیچ محدودیتی روبرو نیست که جمهوری اسلامی بخواهد برای آن فکری بکند بلکه رژیم به دنبال راهکارهایی است که بتواند این تحریم‌ها را دور بزند و پول نقد به دست آورد. جمهوری اسلامی به

خوبی می‌داند ادامه‌ی سیاست «نفت در برابر کالا» در بلندمدت ممکن نیست همچنان که صدام حسین را نیز به سقوط رساند. وزارت خزانه‌داری آمریکا بر اساس سوابق جمهوری اسلامی در دور زدن تحریم‌ها پیش از آغاز فریز نفتی ابتدا اصلی‌ترین شبکه‌های پولشویی را که رژیم از طریق آنها اقدام به جابجایی ارز می‌کرد شناسایی و کور کرد چنانکه محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی که روز یکشنبه، سوم تیرماه، با فاعالین اقتصادی در اتاق بازرگانی ایران دیدار کرد و به تشریح وضعیت جمهوری اسلامی پس از خروج آمریکا از برجام پرداخت، در این مورد نیز گفت «آمریکایی‌ها مجاری تنفسی ما را شناسایی کردند، اگر به اندازه کافی شناسایی نکرده بودند با دستگیری رضا ضراب و پسر آقای صدراشمی اینهارا شناسایی کردند».

در روزهای گذشته اسحاق جهانگیری معاون اول حسن روحانی از عرضه نفت خام ایران در بورس داخلی خبر داد. با این هدف که «بخش خصوصی»، البته وابسته و ساخته و پرداخته‌ی دولت، نفت را بخرد و صادر کند یعنی همان ترفندی که سال‌ها قبل امتحان پس داد و امثال بابک زنجانی‌ها از درون آن بیرون آمدند. البته جهانگیری نگفته حتی اگر این «بخش خصوصی» بتواند نفت را بفروشد، پول فروش نفت قرار است از چه طریق دریافت شود وقتی بانک‌ها به دلیل شرایط تحریم‌ها حاضر با همکاری با بخش دولتی و خصوصی جمهوری اسلامی ایران نیستند! ضمن اینکه باید یادآوری کرد یکی دیگر از شروط خامنه‌ای تضمین بانک‌های اروپایی برای تجارت با ایران بود. شرطی که مانند دیگر شروط علی خامنه‌ای امکان تحقق ندارد.

مراسم خاکسپاری و یادبود بانو سوگل آیرم (وین)



درگذشت ناگهانی بانو سوگل آیرم فعال حقوق بشر و مبارز خستگی‌ناپذیر علیه رژیم جمهوری اسلامی بسیاری از هم‌میهنان و مبارزین را در بهت فرو برد.

سوگل آیرم از نسل سوخته فاجعه سال ۵۷، در نوجوانی مجبور به ترک وطن شد. او با تلاش و پرقدردان تحصيلات عالی خود را با بهترین نتیجه به پایان رساند و با دلی که از عشق وطن شعله‌ور بود با فعالیت در امور حقوق بشر و مبارزه برای ایران آزاد و سکولار لحظه‌ای از پای ننشست. بانویی مبارز که به سیستم پادشاهی پارلمانی باور داشت و برای اتحاد و همگرایی بین دسته‌ها و گروه‌های مخالف رژیم جمهوری اسلامی تلاش می‌کرد. سوگل بانو از جان و مال خود در کمک به هم‌میهنان که به دلایل اجتماعی و سیاسی مجبور به ترک وطن می‌شدند تا آخرین لحظات عمر کوتاه خود دریغ نداشت. حتی پس از پایان زندگی خود با اهدای اعضای بدن خویش نهایت بشردوستی خود را به اثبات رساند. از انساندوستی و توانایی‌های او به راحتی می‌توان ساعت‌ها سخن گفت.

او با تلاش بسیار در رایزنی با مقامات و احزاب سیاسی در اتریش و سایر مقامات بین‌المللی سعی بر شناساندن ماهیت حقیقی رژیم ستمگر جمهوری اسلامی داشت و از هر فرصتی برای رساندن صدای مردم تحت ستم ایران به گوش جهانیان استفاده می‌کرد. این بانوی فرهیخته و متوازن به چهار زبان تسلط کامل داشت و به همین جهت به سادگی قادر به توجیه و توضیح مسائل و مشکلات ایران و ایرانی بود. سوگل مهربان، صمیمی و با مرام بود، میهن‌دوستی را شعار نمی‌داد، بلکه آن را با قلبش احساس و با اراده قوی ثابت می‌کرد. فقدان مبارز حق‌طلب و انساندوستی همچون سوگل آیرم بار سنگینی از اندوه بر دوش خانواده محترم و همه مبارزان راه آزادی میهن خواهد بود. باشد که راه او برای ایرانی آزاد و سکولار به زودی به ثمر برسد.

مراسم دفن خاکستر سوگل آیرم در آرامستان مرکزی شهر وین:
جمعه ۱۳ ژوئیه ۲۰۱۸؛ ساعت ۸:۵۵
Freitag 13.07.2018
Zentralfriedhof vor dem Eingang links

تحسن پدر عبدالله بزرگزاده در مقابل مقر سپاه سلمان ایرانشهر



بوسایت کمپین فعالین بلوچ می‌نویسد، با گذشت ۲۰ روز بازداشت و بی‌خبری از عبدالله بزرگزاده پدر نامبرده در مقابل مقر اصلی سپاه پاسداران در شهرستان ایرانشهر تحسن کرد.

غلام قادر بزرگزاده سربازی در این باره گفت: «تا امروز به هر جا مراجعه کردیم هیچ خبری به ما ندادند، شکنجه شده، اذیت روحی و جسمی بود که بازداشتش کردند.»

عبدالله بزرگزاده برادر «حبیب‌الله سربازی مدیر کمپین فعالین بلوچ» است که پیش از این در گفتگویی با کیهان لندن درباره وضعیت نامعلوم بردارش صحبت کرده بود. پدر عبدالله بزرگزاده نیز در فایل صوتی که در اختیار کیهان لندن قرار داد نسبت به وضعیت ناروشن فرزندش به شدت ابراز نگرانی کرد و از مقامات مسئول خواست تا پاسخگوی این دستگیری مهیوم و مشکوک باشند.

برای افزایش یا کاهش صدا از کلیدهای بالا و پایین استفاده کنید. حمیدی مدیرکل دادگستری استان مدعی شده است که عبدالله بزرگزاده «در حال تهیه فیلم و مستندات تجمع برای رسانه‌های خارجی و جوسازی بوده است» در حالی که بنا بر قوانین بین‌المللی فیلمبرداری از یک تجمع مدنی عمومی جرم محسوب نمی‌شود.

هومن خلعتبری: در جمهوری اسلامی جای کاباره و ...

● اسم کاباره موسیقی سبک و کم‌مایه را به ذهن می‌آورد...
-خیر! ذهن شما اشتباه می‌کند! مثلاً کاباره لیدو پاریس بسیار سطح بالایی دارد همراه با ارکستر بزرگ و صحنه‌ای که دیزاین هنرمندان‌های دارد و اجراهای بی‌نظیری در آن به روی صحنه می‌رود.

● در فضای بحث ما اما کاباره ایرانی به ذهن می‌آید...

-ببینید، یک چرخه را برای شما مثال می‌زنم. در قدیم موزیسین‌ها اعم از خواننده و یا نوازنده هر روز از خواب که بیدار می‌شدند به سراغ همکاریانشان می‌رفتند و در استودیویی یا سالنی دور هم جمع می‌شدند و به تنظیم چند آهنگ یا گروه‌نوازی مشغول می‌شدند. نوازنده‌هایی هم بودند که در استودیوها یا رادیو درگیر ضبط موسیقی بودند. این گروه‌های موسیقی، شب‌ها به کلوپ‌ها یا کاباره‌ها می‌رفتند. همه نوع محلی هم از سطح پایین تا گران و حسابی وجود داشت. کاباره‌هایی بود که به خوانندگان تاپ دستمزد بسیار بالا می‌دادند، جاهای سطح پایین‌تری هم بودند که در قبال صرف شام و مشروب رایگان (گاهی بدون دستمزد) همان آهنگ‌هایی را که در طول روز با هم تمرین کرده بودند، دوباره شب اجرا و در حقیقت با آن تمرین روزانه، شب‌ها امرار معاش هم می‌کردند. همانطور که گفتیم، خواننده‌ها و گروه‌های سطح پایین در کاباره‌های سطح پایین اجرا می‌کردند و خواننده‌ها و گروه‌های سطح بالا در کاباره‌های تاپ اجرا می‌کردند. ساعت یک یا دو صبح هم که کاباره تعطیل می‌شد یا به دیسکو می‌رفتند و یا به خانه می‌رفتند و می‌خوابیدند و دوباره فردا برنامه‌شان همین بود و هر روز به همین رویه می‌چرخید. بعد از انقلاب حذف کلوپ با موسیقی زنده و یا کاباره، چرخه کار موسیقی و موزیسین‌ها را مختل کرد. نوازنده تمرین می‌کند و نمی‌داند کجا به روی صحنه برود! فقط که این ارکستر و آن گروه نیست. فقط در عروسی ساززدن کافی نیست. پس جایی برای ارائه ندارند! تمرین می‌کنند ولی کجا ارائه بدهند؟! علاوه‌شما ببینید، الان کنسرت‌هایی که در ایران برگزار می‌شود در حقیقت تلاشی برای احیای همان کارکرد دیسکو و کاباره است: دود و صدا و رقص و نور و جیغ و هیاهو... من که می‌گویم سیرک یا دیسکو!

● یا کاباره اسلامی...!

-شما مختارید هر اسمی روی آن بگذارید ولی به نظر من ۸۰ درصد کنسرت‌ها کاباره است. فقط شام و مشروب نمی‌دهند! سال‌هاست مدیر برنامه‌های موسیقی متوجه شده‌اند که جای چنین فضایی مانند کاباره برای تخلیه‌ی هیجان نسل جوان جامعه در کشور خالی است و به راحتی با ارتباطات دولتی که دارند، این کنسرت‌ها را برگزار می‌کنند. البته نه همه ولی حقیقتاً ۸۰٪ همین است. رقص نور و لیزر و دود و جیغ و داد... ملت هم در جای خودشان می‌رقصدند! خوب همین دیسکو هست دیگر! شما دقت کنید تا قبل از انقلاب که آن همه آزادی موسیقی وجود داشت، چرا اینچنین کنسرت‌ها اصلاً نبود؟ وجود خارجی نداشت! در تمام آن چندین سال شاید دو یا سه کنسرت در استادیوم ورزشی برگزار شده و البته گاهی در کاخ جوانان... ولی دیگر نمی‌بینید! چون کاباره بوده دیسکو بوده! کلاب بوده! هر کس هم علاقه داشته، انتخاب می‌کرده و به آن محل‌ها می‌رفته. کنسرت موسیقی جدی هم جا و محیط و فضای خودش را داشته. عیسی به دین خود، موسی به دین خود!

● بعضی از خواننده‌های نسل جدید ایرانی در دبی و اروپا و لس آنجلس در مقایسه با خواننده‌های دهه چهل پنجاه خورشیدی یا خلافت فردی ندارند و یا شیوه تربیت خواننده و نظارت فنی تغییر کرده که بازه دو نسل با هم تناسبی ندارد.

-دقیقاً همین نکته آخری که گفتید درست است و البته جمعیت هم زیاد شده و خود به خود تنوع پیدا شده.

آب هر چه جمع‌تر باشد، عمق بیشتری دارد و این نکته در مورد خواننده‌ها و شعر و موسیقی هم صادق است. امروز به آقبانوسی وسیع و پراکنده از خواننده و نوازنده تبدیل شده‌ایم ولی به عمق یک بند انگشت!

● این تغییر و تحول ولی جهانی است...

-بله، در سطح موسیقی پاپ جهان همینطور است. شاهکارهای دهه‌های شصت تا نود میلادی امروز تکرار نمی‌شود. هنوز مردم صفحات آن دوره را کپی و گوش می‌کنند: آبا، بیتلز، بیجیز و پینک فلوید. حتی مایکل جکسون!

● زنده کردن شرایط قدیم

موسیقی چقدر ممکن و مفید است و امروز چه باید کرد؟
-به اندازه‌ای که جمعیت زیاد شده، دقت و مراقبت و حواس جمعی دست اندرکاران موسیقی افزایش پیدا نکرده. برای همین است که الان موسیقی پاپ ایران با این همه نوازنده و خواننده، کم عمق است. خیلی از خواننده‌ها و موزیسین‌ها ثروت‌اش را دارند ولی جواب نمی‌دهد و اثری باقی نمی‌ماند! امروز تولید موسیقی هم آسان شده و با یک لپ‌تاپ و برنامه کامپیوتری و یک میکروفون می‌توان هم شعر گفت و هم آهنگش را ساخت و هم تنظیم کرد و در آخر این اثر هنری را به «رادیو جوان» می‌دهید یا به پسرخاله و دخترعمه و البته دو روز بعد هم فراموش شده است. حالا شما می‌پول خرج کنید تا در صدر ترانه‌ها باقی بماند و به چشم بیاید ولی حتی پول هم کمکی نمی‌کند و خیلی زود حذف و بهتر بگویم محو می‌شود!

● یعنی موسیقی حرفه‌ای پاپ رو به انقراض است؟

-اصلاً منقرض شده! امروز از چهل اثر تولیدی پاپ، ۳۸ مورد به درد بخور نیست و این هوادارانی که می‌بینیم قربان صدقه خواننده‌ها می‌روند و در کنسرت‌ها جیغ می‌زنند همان تین ایچ‌هایی هستند که در واقع مشتری دیسکو و یا کاباره‌اند. قبل از انقلاب این همه کنسرت برگزار نمی‌شد. ما یک چرخه اجتماعی سالم و جایی برای عرضه و تقاضا نداریم!

● اما همچنان فرهنگ مخاطب موسیقی عوض نشده؛ ماه گذشته هفده هزار تن به کنسرت گوغوش در هالیوود رفتند.

-بله، اما گوغوش تک است و شرایط برای همه هنرمندان اینطور نیست. این ثابت شده است. البته باید بگویم این کنسرت قبل از شروع فصل فعالیت هالیوودپال برگزار شد. می‌دانید که چون آن منطقه کوهستانی و بخصوص شب‌های سردی دارد، دوره کاری‌اش هم از اواسط ماه ژوئن به بعد است. کنسرت گوغوش وسط ماه مه بود که مردم بسیاری شرکت کردند و برای نشستن در آنجا باید صندلی و پتو همراه می‌داشتند.

-شرایط بازار پاپ ایرانی که می‌گویید بر روی کار موزیسین‌های جدی مثل شما هم تأثیر گذاشته آیا همه ناچار شده‌اند به ساز زمانه برقصند؟

-من در مورد خودم می‌توانم بگویم. خوشبختانه یا بدبختانه موسیقی من به فضای موسیقی ایرانی ربطی ندارد. چون موسیقی کلاسیک و اپرا و سمفونی کار می‌کنم که همه از موسیقی غربی نشأت گرفته. به موسیقی ایرانی گاهی و تنها از سر علاقه شخصی می‌پردازم. بله من منتور

ولی ما باید از هنرستان‌های موسیقی و خواست و نظارت دولت شروع کنیم. اتفاقاً تازگی آقای لوریس چکناواریان در مصاحبه با وبسایت موسیقی ما دقیقاً به همین نکته اشاره کرد. پرورش موسیقی کار دولت است. دولت باید بخواهد تا هنرستان و مدرسه موسیقی درست کند و موزیسین‌های خوب را دعوت کند که به بچه‌ها موسیقی را بیاموزند شاید بعد از چند نسل این تلاش‌ها جواب بدهد و جامعه ثمره آن را ببیند! شاید تلاش فردی بی‌تأثیر نیست و هر کسی ممکن است روزی به مقصد برسد، اما اینکه چه کار باید کرد که جریان پیشروی موسیقی ما دوباره به حرکت درآید، این کار دولت است. اگر جمهوری اسلامی که این همه برای مسابقات قرآنی هزینه می‌کند، برای موسیقی هم هزینه می‌کند، امروز موسیقی کلاسیک و پاپ ایرانی اوضاع متفاوتی می‌داشت. ما باید قبول کنیم که حکومت ایران علاقه‌ای به این موضوع ندارد و در تمام این چهل سال، باری به هر جهت به موضوع نگاه کرده. ما با سیلی صورت خودمان را سرخ نگه داشته‌ایم ولی در عمق خودمان به این موضوع واقفیم که فقط و فقط با تلاش‌های فردی یا گروهی خود موزیسین‌ها این چرخ لنگان لنگان رو به جلو حرکت کرده... خیلی‌ها می‌خواهند با نه و اما و اگر واقعیت را کتمان کنند ولی نه... قبول کنیم که اینطور نیست و موسیقی مورد علاقه حکومت نیست. موسیقی مثل کشور آذربایجان یا ارمنستان مورد علاقه حکومت نیست! مدرک کاردانی و کارشناسی در رشته مداحی هست، حتی رشته خدای مسجدها درست شده ولی بعد از چهار سال حتی یک سالن کنسرت استاندارد در ایران ساخته نشده! آن ساختمانی هم که خواست ساخته بشود و کلنگ‌اش توسط هربرت فن کارایان مشهور زده شد با وقوع انقلاب رها شد و بعد هم تبدیل شد به سالن کنفرانس سران اسلامی! در عرض شش ماه کار شبانه‌روزی، برای کنفرانس سران کشورهای اسلامی ساخته شد! در عرض شش ماه...!

● ولی با همه این تلاش‌های اسلامی برای تعلیم قرآن و... چرا مردم به آموزشگاه‌های موسیقی روی آورده‌اند؟!

-همینطور است، هر چیز را که ممنوع کنند آدمیزاد به آن تشنه‌تر می‌شود. یک بار در «آکادمی» هم گفتم که به درخت تبر زدن به نیت اینکه ببرند و قطع کند، غافل از اینکه با وجود ریشه‌های قوی در عمق خاک، این تنه دوباره جوانه می‌زند و شاخ و برگ‌های سبز و پر طراوتش دوباره سر می‌زند و از نو می‌روید. و الان این جوانه‌ها روئیده. من این جوانه‌های سبز و تازه را می‌بینم.

از صفحه ۱۵

Mentor بعضی خواننده‌های ایرانی هم هستم ولی به قول معروف نان شب من به موسیقی ایرانی وابسته نیست و این است که چون سواد و مطالعه‌ام در زمینه موسیقی کم نیست، پس انتخاب می‌کنم. در کنارش، گاهی برای ارتباط با بچه‌های داخل ایران، مسترکلاس‌هایی هم برگزار می‌کنم. این هست که شرایط موسیقی و ساز زمانه برای من نیست.

● اتفاقاً سبک موسیقی شما

در ایران هواداران فراوانی دارد اما مهجور است. علاقمندان این نوع موسیقی در ایران چه راه‌هایی پیش رو دارند؟

-در همه جا اینطور علاقمند هست



ولی ما باید از هنرستان‌های موسیقی و خواست و نظارت دولت شروع کنیم. اتفاقاً تازگی آقای لوریس چکناواریان در مصاحبه با وبسایت موسیقی ما دقیقاً به همین نکته اشاره کرد. پرورش موسیقی کار دولت است. دولت باید بخواهد تا هنرستان و مدرسه موسیقی درست کند و موزیسین‌های خوب را دعوت کند که به بچه‌ها موسیقی را بیاموزند شاید بعد از چند نسل این تلاش‌ها جواب بدهد و جامعه ثمره آن را ببیند! شاید تلاش فردی بی‌تأثیر نیست و هر کسی ممکن است روزی به مقصد برسد، اما اینکه چه کار باید کرد که جریان پیشروی موسیقی ما دوباره به حرکت درآید، این کار دولت است. اگر جمهوری اسلامی که این همه برای مسابقات قرآنی هزینه می‌کند، برای موسیقی هم هزینه می‌کند، امروز موسیقی کلاسیک و پاپ ایرانی اوضاع متفاوتی می‌داشت. ما باید قبول کنیم که حکومت ایران علاقه‌ای به این موضوع ندارد و در تمام این چهل سال، باری به هر جهت به موضوع نگاه کرده. ما با سیلی صورت خودمان را سرخ نگه داشته‌ایم ولی در عمق خودمان به این موضوع واقفیم که فقط و فقط با تلاش‌های فردی یا گروهی خود موزیسین‌ها این چرخ لنگان لنگان رو به جلو حرکت کرده... خیلی‌ها می‌خواهند با نه و اما و اگر واقعیت را کتمان کنند ولی نه... قبول کنیم که اینطور نیست و موسیقی مورد علاقه حکومت نیست. موسیقی مثل کشور آذربایجان یا ارمنستان مورد علاقه حکومت نیست! مدرک کاردانی و کارشناسی در رشته مداحی هست، حتی رشته خدای مسجدها درست شده ولی بعد از چهار سال حتی یک سالن کنسرت استاندارد در ایران ساخته نشده! آن ساختمانی هم که خواست ساخته بشود و کلنگ‌اش توسط هربرت فن کارایان مشهور زده شد با وقوع انقلاب رها شد و بعد هم تبدیل شد به سالن کنفرانس سران اسلامی! در عرض شش ماه کار شبانه‌روزی، برای کنفرانس سران کشورهای اسلامی ساخته شد! در عرض شش ماه...!



امنیتی رژیم کشته شدند. حمایت از این معترضان است که بیش از همه به سود اروپاست چرا که این افراد ارزش‌های ما را به اشتراک می‌گذارند. ایرانیانی که می‌خواهند در صلح و آزادی زندگی کنند، از ماه‌ها قبل علیه این موضوع اعتراض می‌کنند که رژیم ایران میلیاردها خرج گروه‌های تروریستی در سوریه و لبنان و غزه می‌کند. رژیم ایران تمام منطقه را به هرج و مرج کشانده است که دامنه‌ی پیامدهایش به اروپا نیز می‌رسد؛ و آنوقت شما می‌خواهید آن را با تشریفات نظامی و ضیافت پاسخ بدهید؟!

بهرتر است همبستگی خود را با ایرانیان معترض نشان بدهید! اگر شما نمی‌خواهید برای ملاقات با دگراندیشان به زندان اوین بروید، که اتفاقاً چندان هم دور از سفارت اتریش در تهران نیست، دست کم با بستگان و وکیلان این دگراندیشان ملاقات کنید که از دست رژیم مهمان شما فرار کرده‌اند! آنها از جمله در اتریش زندگی می‌کنند؛ آن هم در نگرانی مداوم برای آنهایی در دفاع از ارزش‌های مشترک ما: آزادی و دموکراسی و حقوق بشر، به زندان می‌افتند. ارزش‌های جهانشمولی که شامل مردم ایران نیز می‌شود.

آقایان صدراعظم و رئیس جمهور اتریش، وقتی شما به دگراندیشان ایرانی خیانت می‌کنید، همزمان به ارزش‌های اروپایی نیز خیانت کرده‌اید.

اما آخرین دلیل که کم‌اهمیت‌تر از آنهاست دیگر نیست. توافق اتمی و نزدیکی اروپا به جمهوری اسلامی هیچ روزنه‌ای را بر آنچه امید می‌رفت نگشود بلکه برعکس، رژیم ایران به روش تهاجمی خود با شدت بیشتری ادامه داد.

به قول معروف، ابلهانه اینجاست که کسی کاری را در شرایط واحد تکرار کند و انتظار نتیجه‌ی دیگری را داشته باشد! از تقریباً ۴۰ سال پیش اروپا لجوجانه بر «دیالوگ انتقادی» با رژیم ملایان اصرار می‌ورزد. آیا واقعا کسی انتظار نتیجه‌ی دیگری دارد؟! آیا می‌خواهید ۴۰ سال دیگر امیدوار باشید که اگر ما با آنها خوب و مهربان باشیم، ملایان یک روزی به تروریسم خود پایان بدهند؟! اروپا

روزنامه آلمانی «بیلد»: اروپا حق ندارد برای جلادان و تروریست‌ها فرش قرمز پهن کند



می‌دهد. به گفته‌ی آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر رژیم ایران، تا سال ۲۰۴۰ اسرائیل نابود خواهد شد. همچنین خامنه‌ای اسرائیل را «غده سرطانی» خوانده است. علاوه بر اینها، رژیم ایران همچنان به برنامه‌های موشکی خود ادامه می‌دهد و با دست و دل‌بازی شبه‌نظامیان را در مرزهای اسرائیل مجز می‌کند. در حال حاضر نزدیک به ۱۶۰ هزار موشک در اختیار

سوریه، بیش از ۱۱ میلیون نفر، به دلیل جنگ گریخته‌اند. اکثر این فراریان از برابر بمباران شهرهایشان توسط رژیم دیکتاتور اسد و شرکای ایرانی‌اش فرار کرده‌اند. گروه‌های شبه‌نظامی با فرماندهان ایرانی میلیون‌ها سوری را به فرار از کشور خود واداشته‌اند. در افغانستان نیز تصویری مشابه وجود دارد. نیروهای نظامی ایران افراد طالبان را آموزش

در پاریس مشارکت داشته در آلمان دستگیر شد. این فرد به عنوان مأمور اطلاعاتی رژیم ایران نماینده سوم سفارت جمهوری اسلامی در اتریش از مصونیت سیاسی نیز برخوردار شده است. به عبارت روشن‌تر: رژیم ایران از خاک اتریش، تروریسم دولتی و عملیات انفجاری را در قلب اروپا سازماندهی می‌کند.

شبه‌نظامی مانند حماس و حزب‌الله و جهاد اسلامی را حمایت مالی و تسلیحاتی می‌کند. این تروریسم تنها در خاورمیانه فعال نیست بلکه مدت‌هاست به اروپا نیز رسیده است. آیا عملیات انتحاری حزب‌الله را در اتوبوس مسافربری فرودگاه بورگاس در بلغارستان در سال ۲۰۱۲ به یاد می‌آورید؟ هفت کشته بر جای گذاشت. یا سلسله عملیات

● «بیلد» به دولت اتریش: رژیم مهمان شما از سال‌ها پیش رکورددار «بزرگترین حامی دولتی تروریسم» است.

● آقایان صدراعظم و رئیس جمهور اتریش، وقتی شما به دگراندیشان ایرانی خیانت می‌کنید، همزمان به ارزش‌های اروپایی نیز خیانت کرده‌اید.

● ابلهانه اینجاست که کسی کاری را در شرایط واحد تکرار کند و انتظار نتیجه‌ی دیگری را داشته باشد! از تقریباً ۴۰ سال پیش اروپا لجوجانه بر «دیالوگ انتقادی» با رژیم ملایان اصرار می‌ورزد. آیا واقعا کسی انتظار نتیجه‌ی دیگری دارد؟! آیا می‌خواهید ۴۰ سال دیگر امیدوار باشید که اگر ما با آنها خوب و مهربان باشیم، ملایان یک روزی به تروریسم خود پایان بدهند؟!

● اروپا باید دشمنی آشتی‌ناپذیر رژیم ملایان را در برابر همسایگانش، در برابر مردمان خودش، و همچنین در برابر راه و روش زندگی ما، جدی بگیرد.

روزنامه معروف و پرتیراژ «بیلد» چاپ آلمان روز سه‌شنبه سوم ژوئیه در گزارشی نسبت به سفر حسن روحانی به اروپا هشدار داد.

حسن روحانی پس از سفر به سویس روز چهارشنبه ۴ ژوئیه به وین رفته تا در گفتگو با دولت این کشور نیز برای خنثی کردن تحریم‌های آمریکا تلاش کند. «بیلد» می‌نویسد، در شرایطی که اروپا با پیامدهای بحران مهاجرت و پناهجویی دست و پنجه نرم می‌کند، یکی از مسئولان اصلی این بحران، حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی ایران، برای یک دیدار



آلساندرو وان در پلن رئیس جمهوری اتریش و حسن روحانی؛ وین ۴ ژوئیه ۲۰۱۸



آلساندرو وان در پلن رئیس جمهوری اتریش و حسن روحانی؛ وین ۴ ژوئیه ۲۰۱۸

باید دشمنی آشتی‌ناپذیر رژیم ملایان را در برابر همسایگانش، در برابر مردمان خودش، و همچنین در برابر راه و روش زندگی ما، جدی بگیرد. آقای صدراعظم و آقای رئیس جمهوری اتریش، کشور شما از اول ژوئیه ۲۰۱۸ ریاست شورای اتحادیه اروپا را بر عهده گرفته است. شما الان این موقعیت را دارید که درباره ارزش‌های غربی نه اینکه فقط حرف بزنید بلکه آن را به خاطر منافع اتریش و اروپا و میلیون‌ها ایرانی عاشق آزادی، به قطب‌نمای سیاست اروپا تبدیل کنید!

● منبع: روزنامه بیلد چاپ آلمان
● نویسنده: آنتیه شیپمان
ترجمه از کیهان لندن

حزب‌الله لبنان است. ۴. مردم ایران در دولت روحانی نیز رنج می‌کشند و به حمایت اروپا نیاز دارند. به جای استقبال از مردی که ایران در دوران وی رکورد اعدام را شکسته است، شما می‌بایست با دگراندیشان ملاقات و گفتگو کنید. برای نمونه با زنان شجاعی که از ماه‌ها قبل علیه حجاب اجباری اعتراض می‌کنند و توسط گشت‌های ارشاد و امر به معروف دستگیر می‌شوند و مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند. یا با نسرين ستوده، وکیل مدافع حقوق بشر که به دلیل دفاع از همین زنان معترض به زندان افتاده است. همین چندی پیش دوباره دست کم چهار تن از تظاهرکنندگان توسط نیروهای

می‌دهند تا علیه نیروهای ناتو بجنگند. همزمان هزاران افغانستانی از برابر حملات طالبان فرار می‌کنند. در عراق نیز سناریویی مشابه اجرا می‌شود. اروپا نمی‌تواند درباره بحران پناهندگی بحث و گفتگو کند ولی همزمان به استقبال یکی از مسببان اصلی آن برود. ۳. رهبری جمهوری اسلامی ایران به دنبال نابودی اسرائیل است. این راز پوشیده‌ای نیست بلکه بطور مرتب از سوی زمامداران رژیم صریح و به صدای بلند تکرار می‌شود. نمونه می‌خواهید؟ چندی پیش در میدان بزرگی در تهران از یک ساعت پرده‌برداری شد که شمارش معکوس نابودی دولت اسرائیل را نشان

مهمان شما، حسن روحانی، خودش سال‌ها رئیس شورای امنیت ملی کشورش بوده و در برنامه‌ریزی عملیات تروریستی مشارکت داشته است. تحت مدیریت او در سال ۱۹۹۴ حمله به مرکز یهودیان بوئنوس آیرس در آرژانتین صورت گرفت که ۸۵ نفر در آن عملیات کشته شدند. دادستان آرژانتین که قصد داشت رژیم ایران را در این عملیات به پاسخگویی فرا بخواند، به طرز مشکوکی در سال ۲۰۱۵ به قتل رسید. ۲. رژیم ایران یکی از مسئولان تعیین‌کننده‌ی ادامه‌ی جنگ خونین سوریه است که به نوبه‌ی خود یکی از دلایل بحران پناهندگی است. از آغاز این جنگ تقریباً نیمی از جمعیت

تروریستی در اروپا علیه مخالفان جمهوری اسلامی در دهه‌ی هشتاد و نود میلادی را به خاطر دارید؟ پیامد آنها ۱۸ کشته در وین از جمله قتل عبدالرحمن قاسملو و برلین اترور میکونوسا بود. همین سال گذشته یک مأمور ایرانی متهم شد که برای انجام عملیات، به جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات مشغول بوده است. اوایل سال ۲۰۱۸ مأموران جمهوری اسلامی ایران در سراسر آلمان مشغول فهرست کردن اماکن یهودیان حتی مهد کودک‌ها در این کشور بوده‌اند. همین هفته نیز یک دیپلمات ایرانی که گفته می‌شود در تدارک یک عملیات انفجاری در همایشی

رسمی وارد وین می‌شود. با تشریفات نظامی از مردی استقبال می‌شود که فرماندهان نظامی و شبه‌نظامی‌اش ترور اسلامی را به جهان صادر می‌کنند.

روزنامه «بیلد» پنج دلیل برای سیاست‌های کورتس صدراعظم و الکساندر فان در پلن رئیس جمهوری اتریش می‌شمارد که چرا آنها می‌بایست روحانی و همراهانش را فوری و مستقیم به خانه‌شان برگردانند. «بیلد» خطاب به صدراعظم و رئیس جمهوری اتریش چنین می‌نویسد:

۱. رژیم مهمان شما از سال‌ها پیش رکورددار «بزرگترین حامی دولتی تروریسم» است. این رژیم گروه‌های